

انقلاب خمینی پرتوی از عاشورای حسینی

دکتر سید حسین اسحاقی

الحمد لله

الكتاب في

العلماء

والعلماء

والعلماء

والعلماء

والعلماء

والعلماء

والعلماء

حضرت امام خمینی (ره):

انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا

و انقلاب عظیم الهی است.

مجموعه نور / جلد ۱۸ / صفحه ۱۲

# ASHORA Revolution

Khomeini's Revolution:  
a Flash of Imam Hosein's Ashora

Dr. Sayyed Hosein Es. hagh

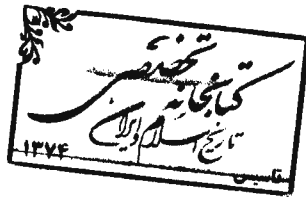


انتشارات خادم‌الرضا

۰۲۵۱ - ۷۷۲۲۱۲۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





انتشارات خادم الرضا (ع)

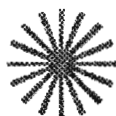
■ قم / خیابان صفائیه (شهدا) / انتهای کوی بیگدلی  
■ نبش کوی شهید گلدوست / پلاک ۲۸۴  
■ صندوق پستی ۳۷۱۵۵/۶۱۱۳  
■ تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱ / ۰۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸

## انقلاب عاشورایی

«انقلاب خمینی علیه پر توی از عاشورای حسینی علیه»

■ تدوین و تألیف: دکتر سید حسین اسحاقی  
■ ناشر: انتشارات خادم الرضا علیه  
■ ویراستار: محمد حسن استادی مقدم  
■ صفحه آرای: مرتضی فتح اللهی  
■ نوبت چاپ: دوم - زمستان ۸۷  
■ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
■ قطع: رقعی  
■ قیمت: ۲۸۰۰ تومان  
■ شابک: ۷-۶۶-۲۵۹۰-۹۶۴-۹۷۸  
■ جمیع حقوق برای انتشارات خادم الرضا (ع) محفوظ است.

ستاد اجرایی طرح توسکا (مجرى توزیع سراسرى کتاب ایران)  
تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱ / ۰۹۱۲۵۱۳۶۸۹  
انتشارات اندیشه ماندگار  
۰۹۱۲۵۲۶۲۱۳ - ۰۲۵۱ / ۷۷۳۹۰۹۸-۹۹



# انقلاب عاشورایی

---

«انقلاب خمینی علیه السلام پرتوی از عاشورای حسینی علیه السلام»

---



دکتر سید حسین اسحاقی

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه:  
انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا  
و انقلاب عظیم الهی آن است.  
(صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۱۲)



## فهرست مطالب

آشنایی با مؤلف.....	۹
مقدمه.....	۱۲

## بخش اول

### مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران / ۲۱

● درآمد.....	۲۳
۱. تلاش برای تشکیل حکومت.....	۲۳
۲. شباهت‌های شاه و یزید.....	۳۱
۳. صلح ناپذیری با حکومت.....	۳۳
۴. بیعت ناپذیری.....	۳۷
۵. پیروی از ولایت فقیه، استمرار حرکت انبیا.....	۴۱
۶. اطاعت از رهبری.....	۴۶



۴۹	۷. رهبری مدبرانه
۵۴	۸. مردم‌گرایی
۶۲	۹. رفع تضاد طبقاتی
۶۴	۱۰. اصلاح‌گرایی
۶۹	۱۱. قیام برای امر به معروف و نهی از منکر
۷۲	۱۲. مسخ ارزش‌ها توسط دشمن، انگیزه‌ی قیام حسینی و خمینی
۷۵	۱۳. تکلیف‌گرایی
۸۶	۱۴. فداکاری
۸۸	۱۵. پرورش روحیه‌ی شهادت‌طلبی
۹۵	۱۶. آزادگی و جوانمردی
۹۸	۱۷. عدالت‌خواهی امام حسین <small>علیه السلام</small> و پیروان راستینش
۱۰۰	۱۸. قاطعیت و صلابت در عمل
۱۰۴	۱۹. صبر و استقامت
۱۰۸	۲۰. نماز اوّل وقت
۱۰۹	۲۱. عزّت‌آفرینی
۱۱۴	۲۲. الگوپذیری فرهنگی و اخلاقی از نهضت عاشورا
۱۲۳	۲۳. برپایی مجلس عزاداری و گریه بر امام حسین <small>علیه السلام</small>

## بخش دوم

### نگاهی گذرا به دستاوردهای انقلاب اسلامی / ۱۲۷

۱۳۱	● فصل اوّل: دستاوردهای سیاسی
۱۳۱	۱. ایجاد حکومت جمهوری اسلامی

## فهرست مطالب ■ ۷

۱۳۳	۲. احیای حاکمیت ولایت فقیه .....
۱۳۷	۳. شکستن ابهت پوشالی امریکا .....
۱۳۹	۴. شکسته شدن نظام دو قطبی .....
۱۴۳	۵. صدور انقلاب و جهانی شدن آن .....
۱۴۷	۶. تأثیر انقلاب اسلامی بر نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش .....
۱۵۱	۷. مردمی شدن نظام و حمایت مردم از آن .....
۱۵۳	۸. برخورداری از قانون اساسی اسلامی .....
۱۵۶	● فصل دوم: دستاوردهای فرهنگی .....
۱۵۶	۱. خودباوری فرهنگی .....
۱۵۸	۲. تقویت فرهنگ نماز و احیای مساجد .....
۱۶۱	۳. گسترش فرهنگ قرآنی .....
۱۶۲	۴. احیای نماز جمعه .....
۱۶۴	۵. احیای امر به معروف و نهی از منکر .....
۱۶۶	۶. برچیده شدن مشروب فروشی‌ها .....
۱۶۸	۷. احیای ارزش و منزلت معنوی زنان .....
۱۷۱	۸. تحول در رسانه‌ی ملی رادیو و تلویزیون و سینماها .....
۱۷۳	۹. ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه .....
۱۸۰	● فصل سوم: دستاوردهای اقتصادی .....
۱۸۰	۱. پی‌ریزی اقتصاد اسلامی و حمایت از محرومان .....
۱۸۴	۲. مقابله با فساد مالی و اقتصادی .....
۱۸۸	۳. حمایت از تولیدات داخلی .....
۱۹۱	● فصل چهارم: دستاوردهای نظامی .....
۱۹۱	۱. قطع دخالت امریکایی‌ها در امور نظامی .....

۱۹۷	۲. مردمی شدن و خدمت‌گزاری ارتش.....
۲۰۰	۳. خلاقیت و نوآوری در نیروهای نظامی.....
۲۰۳	۴. تشکیل بسیج مستضعفان.....
۲۰۷	۵. تأسیس سپاه پاسداران.....
۲۱۰	● فرجام سخن.....
۲۱۰	نقش امام راحل در احیای دوباره‌ی اسلام.....
۲۱۱	ولایت فقیه، مظهر جدایی ناپذیری دین از سیاست.....
۲۱۳	امام خمینی <small>ره</small> و محبوبیت مردمی.....
۲۱۴	وحدت، ره‌آورد انقلاب.....
۲۱۵	حق‌شناسی و باطل‌گریزی، در پرتو انقلاب.....
۲۱۶	عزت‌آفرینی انقلاب اسلامی.....
۲۱۸	● منابع.....
۲۲۷	● سؤالات گزینه‌ای.....
۲۳۲	پاسخنامه.....

## آشنایی با مؤلف

دکتر سید حسین اسحاقی در سال ۱۳۴۱ در روستای چهارده از توابع لاهیجان به دنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم و با شروع جنگ تحمیلی به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در سال ۱۳۶۴ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم گردید و پس از پایان دروس سطح از درس خارج فقه و اصول آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی بهره گرفت. ایشان در تحصیلات عالیه نیز دارای مدرک کارشناسی «پژوهشگری اجتماعی»، کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی و دکترای کلام اسلامی می‌باشد.

وی از سال ۱۳۶۷ همکاری خود را با وزارت آموزش و پرورش آغاز کرد و در سال ۱۳۷۴ مربی ممتاز کشوری و در سال ۱۳۸۱ معلم نمونه استانی و در سال ۱۳۸۴ نفر اول معلمان نمونه سراسر کشور گردید و مورد تشویق و تفقد وزیر آموزش و پرورش قرار گرفت.

در دو دوره متوالی کتاب‌های جام عبرت و سلوک علوی ایشان برنده جشنواره

کتاب معلم شد.

نامبرده از سال ۱۳۷۷ همکاری خود را با سازمان صدا و سیما آغاز کرد و در سال ۱۳۸۰ بعنوان پژوهشگر برتر سازمان صدا و سیما انتخاب و به وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری معرفی و از سوی این وزارتخانه نیز جزء پژوهشگران نمونه کشوری برگزیده شد و مورد تشویق وزیر قرار گرفت.

بارها و بارها کتاب‌های ایشان از جمله «سپیده امید»، «جام عبرت»، «اصالت جاوید»، «ملکوت اخلاق»، «آزادی در اسلام و غرب»، «منشور هدایت»، «پیدا و پنهان مطبوعات»، «نگین رسالت»، «سلوک علوی»، «مهتاب اهل بیت (ع)» و... بعنوان آثار برگزیده انتخاب شدند و جوایز متعددی را دریافت نمودند.

ایشان علی‌رغم چاپ بیش از ۵۰ اثر توسط ناشران مختلف، مقالات متعددی نیز در نشریات گوناگون از جمله «مبلغان»، «پاسدار اسلام»، «طوبی»، «گلبرگ»، «اشارت» و دیگر ماهنامه‌ها به چاپ رسانیده است که تعداد آنها به حدود یکصد مقاله می‌رسد.

انتشارات خادم‌الرضا (ع) نیز بعضی از آثار ایشان را به زیور طبع آراسته نموده و تعدادی نیز در نوبت چاپ قرار داده است.

#### آثار منتشره:

- ۱- پیشوای مهر «نگاهی نو به ابعاد زندگی امام رضا (ع)»
- ۲- مهتاب اهل بیت (ع) «نگاهی به زندگانی حضرت معصومه (ع)»
- ۳- غدیر تجلی‌گاه ولایت
- ۴- بهار نوآوری، شمیم شکوفایی
- ۵- انقلاب عاشورایی (انقلاب خمینی، پرتویی از عاشورای حسینی)

\*\*\*

منتشر خواهد شد:

کتاب ویژه آموزش جوانان با عنوان

«سلوک جوانی»

در موضوعات:

خداشناسی، آموزه‌های قرآنی، آموزه‌های نبوی، آموزه‌های علوی،  
آموزه‌های مهدوی، معارف اسلامی، مسائل فرهنگی و اجتماعی، مسائل  
سیاسی، عفاف و پاکدامنی، آزادی و...  
این مجموعه که برای اولین بار به صورت منسجم و با قلمی روان و  
متناسب با نیازهای جوانان فراهم آمده، ره‌یافتی نوین برای جوانان عزیز  
ایران اسلامی خواهد بود.

انتشارات خادم‌الرضا

## مقدمه

امام خمینی علیه السلام رهبری آگاه بود که از تمام مسایل و مشکلات جهانی شناخت کامل داشته، در زمانی که همگان صحبت از سازش و مماشات می کردند، ایشان سازش با حکومت ستمشاهی را مساوی با پایمال شدن احکام دین و اضمحلال شریعت دانسته و با صراحت و شجاعت می فرمودند: شاه باید برود. امام راحل، شاگرد مکتب امام حسین علیه السلام بودند، که درباره ی حکومت یزید بن معاویه فرمودند:

«و علی الاسلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید».

از برجسته ترین ویژگی های نهضت عاشورایی امام خمینی علیه السلام؛ اعلان خط مشی مشخص در مبارزه، اتخاذ مواضع روشن و عدول نکردن از آن ها و قاطعیت در پی گیری هدف ها بود؛ که دوست و دشمن بر این ویژگی های منحصر به فرد اعتراف دارند.

امام خمینی علیه السلام مدت سیزده سال در نجف اشرف اقامت داشت و سلسله

درس‌های خارج فقه خویش را با همه‌ی مخالفت‌ها و کارشکنی‌های عناصر مغرض، در مسجد شیخ انصاری نجف آغاز کرد و تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داد. مبانی متقن امام در فقه و اصول و تسلط ایشان به رشته‌های معارف اسلامی، بدان پایه بود که پس از اندک زمانی - به رغم کارشکنی‌های مرتجعان - حوزه‌ی درسی ایشان به عنوان برجسته‌ترین حوزه‌های درسی نجف از لحاظ کیفی و کمی شناخته شد. امام امت از بدو ورود به نجف، با ارسال نامه‌ها و پیام‌هایی به ایران، ارتباط خود را با مبارزان حفظ کرد و آنان را در هر مناسبتی به پایداری در پی‌گیری اهداف قیام علیه شاه فرامی‌خواند.

اساس نهضت امام خمینی مبتنی بر روش سیدالشهدا<sup>علیه السلام</sup> بود. ایشان در شرایطی دفاع مقدس ملت ایران را هدایت کرد، که دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی ایران مجهز به انواع سلاح‌های مخرب و کشنده بودند و قصد نابودی اسلام و میهن اسلامی را داشتند، اما با سرافکندگی هر چه بیش‌تر شکست خوردند.

بی‌تردید، رهبری انقلاب اسلامی نیز همانند خود انقلاب، ممتاز و بی‌نظیر بود. آنچه که شخص امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> را به عنوان یک رهبر برجسته مطرح می‌کند، گذشته از تعلق مطلق وی به اسلام و سرسپردگی‌اش به پیشگاه خداوند، خصوصیات برجسته‌ی زیر بود:

۱. ایشان در تمام دوران زندگی، هیچ‌گاه راه و خط زندگی خود را از مردم جدا نکرد، ساده و بی‌پیرایه زیست و خود را اسیر زندگی اشرافی نساخت. از این رو مردم او را از خود و مانند خود می‌دانستند و این باور را به درستی پیدا کرده بودند که جز به عشق خدا و خدمت به مردم به چیزی نمی‌اندیشد و در واقع، به قصد پیدا کردن شهرت تلاش نمی‌کند؛



۲. حضرت امام<sup>علیه السلام</sup> با قاطعیت وصف ناپذیری بر آرمان‌های خود راسخ و استوار ایستاد و با احدی بر سر آن معامله نکرد و مانند سیاست بازان حرفه‌ای که نان را به نرخ روز می‌خورند و در شطرنج سیاسی برای حفظ موقعیت خود تلاش می‌کنند، رفتار نکرد؛ بلکه راه سیاسی امام، روشن و بی‌پیرایه و به دور از شائبه‌ی ریاکاری بود؛

۳. او شجاعتی ممتاز و بی‌مثال داشت و در هیچ عرصه‌ای از خود بیم و هراسی نشان نداد. همچنین در مقابل دشمنان داخلی و خارجی - با همه‌ی امکانات مادی و ارباب و وحشتی که در اختیار داشتند - هیچ‌گاه ترس و رعبی به دل راه نداد و همواره با اتکال به نیروی لایزال الهی گام برمی‌داشت؛

۴. ویژگی دیگر رهبری، سادگی بیان و صراحت لهجه بود. وی به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و دیدگاه‌های خود را در لفافه‌ی سنگین اصطلاحات سیاسی و واژه‌ها و عبارات پیچیده حبس نمی‌کرد؛ از این رو مردم به روشنی سخن او را درک می‌کردند؛

۵. و دیگر نفوذ معنوی معظم‌له بود، که از عرفان حقیقی و ناب او سرچشمه می‌گرفت. پیام‌ها و سخنرانی‌هایش تا اعماق جان مخاطبان نفوذ می‌کرد و هر بار که رکود و افسردگی به جان مردم می‌افتاد، دم مسیحایی او حیاتی تازه در کالبد مردم می‌دمید.<sup>۱</sup>

درباره‌ی حضرت امام<sup>علیه السلام</sup>، سخن خلف شایسته‌ی ایشان، مقام معظم رهبری هم شنیدنی است:

«آن بزرگوار؛ قوّت ایمان را با عمل صالح، و اراده‌ی

۱. احمد امیدوار و حسین یکتا، حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، صص ۲۱۸-۲۱۹.

پولادین را با همت بلند، و شجاعت اخلاقی را با حکمت، و صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت، و قاطعیت و ابهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت و خلاصه بسی خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه‌ی آن در قرن‌ها و قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست نیافتنی، و جایگاه والای انسانی او، جایگاهی دور از تصور و اساطیر گونه بود.

او، رهبر و پدر و معلم و مراد و محبوب ملت ایران و امید روشن همه‌ی مستضعفان جهان و به خصوص مسلمانان بود. او عبد صالح و بنده‌ی خاضع خدا و نیایشگر گریبان نیمه شب‌ها و روح بزرگ زمان ما بود. او، الگوی کامل یک مسلمان و نمونه‌ی بارز یک رهبر اسلامی بود.

او، به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد؛ و او ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید؛ و او، صلا‌ی استقلال و آزادگی را در سراسر جهان سر داد و امید را در دل‌های ملل تحت ستم جهان زنده کرد؛ و او در عصری که همه‌ی دست‌های قدرتمند سیاسی برای منزوی کردن دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی تلاش می‌کردند، نظامی بر اساس دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی پدید آورد و دولت و سیاستی اسلامی بنیان نهاد؛ و او، جمهوری اسلامی را ده سال در میان طوفان‌های سهمگین و حوادثِ سرنوشت

ساز، قدرتمندانه اداره و حراست و هدایت کرد و به نقطه‌ای مطمئن رسانید. ده سال رهبری او برای مردم و مدیران ما، یادگاری فراموش نشدنی و ذخیره‌ای بس گرانبهاست.<sup>۱</sup>

از ویژگی‌های مهم حضرت امام خمینی رحمه‌الله، الهی بودن کلام، پیام و عمل ایشان بود. این ویژگی مهم باعث شده بود تا قلوب مشتاقان به سوی آن حضرت پر گشایند و عاشق و مشتاق کلام، عمل و سیمای ملکوتی ایشان باشند. رهبری امام رحمه‌الله، تنها یک رهبری سیاسی - انقلابی نبود، بلکه امام فراتر از الگوها و قالب‌های موجود، رهبری الهی بود.

شهید محمد باقر صدر درباره‌ی امام می‌گوید:

«در (وجود) امام خمینی ذوب شوید، همان گونه که او در اسلام ذوب شده است. امام خمینی در طرح شعار جمهوری اسلامی، استمرار دعوت انبیا و تداوم نقش محمد و علی علیه‌السلام در اقامه‌ی حکم خدا بر روی زمین شد و مظهر صادقانه‌ای از عمق وجدان این امت گردید که هیچ بزرگی و عظمتی را برای خود جز در سایه‌ی اسلام نمی‌بیند.»<sup>۲</sup>

رهبری امام رحمه‌الله، پیامبر گونه بود و میراث او هم تنها اختصاص به جامعه یا ملتی خاص ندارد، بلکه الگویی فرا راه تمام مسلمانان و بلکه بشریت تشنه‌ی حقایق و معارف ناب الهی است. پروفیسور روژه گارودی - فیلسوف و نویسنده‌ی مشهور فرانسوی - می‌گوید:

«انقلابی که به رهبری امام خمینی رحمه‌الله روی داد، متعلق به

۱. فرمایش‌های مقام معظم رهبری در جمع اعضای مجلس خبرنگان، ۱۳۶۹/۴/۲۵.

۲. محمد حسین جمشیدی، ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن (مجموعه مقالات)، ج ۲، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴، ص ۳۷۳.

تمدن بشری بود و به یک جامعه و ملت خاص اختصاص نداشت.

این انقلاب همچون نهضت انبیا مختص همه‌ی انسان‌ها و جوامع است.<sup>۱</sup>

با این وصف، گسترش افکار امام خمینی در جهان، یک واقعیت انکارناپذیر است و هیچ کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. حافظ اسد - رئیس جمهور سابق سوریه - می‌گفت:

«امام خمینی رحمه‌الله امام همه بود. امام خمینی با عظمت زیست و با عظمت دار فانی را به سوی جهان ابدیت در حالی ترک گفت که بارزترین الگوی ایمان، زهد و تقوا را در جهان امروزی باقی گذاشت. امام خمینی رحمه‌الله با اقتدار تمام از ارزش‌های اسلام دفاع کرد و در این راستا، رهبری انقلابی را به عهده داشت که اثرات آن در چهار گوشه‌ی جهان باقی خواهد ماند.»<sup>۲</sup>

حتی غیر مسلمانان نیز به عظمت روحی حضرت امام اذعان داشتند. اسقف کاپوچی (اسقف اعظم بیت المقدس و نماینده‌ی مسیحیان فلسطین در ایتالیا) به عنوان یک روحانی برجسته‌ی مسیحی، به خوبی ارزش این گوهر ناب الهی و تأثیر آن در پیروزی انقلاب اسلامی را دریافته است. وی می‌گوید:

«امام خمینی رحمه‌الله یک رهبر روحانی، یک قائد عظیم و رهبر بزرگ سیاسی و مذهبی است. پیروزی ایران بر بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان، به خاطر ایمان نیرومند مردم به خداوند و

۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۳۰ خرداد ۱۳۷۸، ص ۲.

۲. فصلنامه‌ی پانزده خرداد، سال دوم، شماره‌ی هفتم، بهار ۱۳۷۱، ص ۱۵.

به رهبری امام خمینی علیه السلام بود.<sup>۱</sup>

همچنین نهضت امام خمینی علیه السلام ادامه‌ی نهضت حسینی بود و او چون مقتدایش، حسین بن علی علیه السلام، فلسفه‌ی شهادت و ایثار را برای مردم ایران و جهان - اعم از مسلمانان و غیر مسلمان - تبیین نمود.

قاضی احمد دبوسی - نویسنده‌ی مسلمان هندی - می‌گوید:

«امام خمینی علیه السلام واقعی را احیا کرد و به مسلمانان جهان قدرت تفکر دینی بخشید و تمامی آن‌ها را زیر پرچم واحد اسلام گرد آورد و به مسلمانان فلسفه‌ی زندگی و شهادت امام حسین علیه السلام را آموخت.»

اندیشه‌های متعالی امام خمینی علیه السلام یک مکتب فکری است که هرگز به بوته‌ی فراموشی سپرده نمی‌شود و همیشه می‌تواند به عنوان یک الگو، راهنمای واقعی مردم مسلمان جهان باشد.<sup>۲</sup> وجود چنین رهبری، نیاز واقعی بشریت است و امروز در آغاز قرن بیست و یکم میلادی، بشریت تشنه‌ی معنویت، حیران و سرگشته از سراب دنیای پیشرفته‌ی مادی و در خلاء عظیم معنویت، در عطش سیراب شدن از کلام ناب رهبری الهی می‌سوزد.

اندیشه، رهبری و نهضت امام خمینی علیه السلام باعث احیای اسلام و بیداری اسلامی و به راه افتادن موج اسلام‌خواهی در سطح جهان شد و این امر معادلات سیاسی جهان را به نفع مسلمانان تغییر داد. چنین رهبری فراتر از رهبری یک ملت بود. در نگاه مسلمانان عالم، امام خمینی علیه السلام رهبری فرا ملی و جهانی برای همه‌ی آن‌ها بود.

حضرت امام علیه السلام تأثیر عمیقی بر دنیای اسلام داشت و اعمال ایشان

۱. همان، ص ۱۴.

۲. حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، ص ۳۷.

همگی برای عزّت اسلام و مسلمانان بود. این اعمال با قاطعیت بی‌نظیری همراه بود، که نمونه‌ی مشابهی ندارد. حکم تاریخی و جاودانه‌ی آن حضرت در خصوص کتاب کفرآمیز سلمان رشدی، جهان را در بهت و حیرتی توأم با احترام فرو برد و رهبری امام را بر سطح جهان مجدداً به اثبات رساند. فتوای امام راحل چنان تأثیرگذار بود که حتی یک مقام بلندپایه‌ی نظامی در کشور اسلامی مهمی چون سوریه، به نام ژنرال مصطفی طلاس (وزیر دفاع و معاون فرماندهی کل قوای سوریه) گفت:

«در پاریس، فتوای امام خمینی رحمته‌الله درباره‌ی قتل سلمان رشدی مرتد را شنیدم. در آن روز در دلم آرزو کردم ای کاش در سوریه مقام دولتی نداشتم و می‌توانستم فتوای امام خمینی رحمته‌الله در مورد سلمان رشدی را اجرا کنم.»<sup>۱</sup>

با این فتوای تاریخی، مجدداً اتحاد عملی بین مسلمانان ایجاد شد. حضرت امام به تمام مسلمانان نشان داد که اصول و اهداف و منافع اسلامی بایستی در اولویت مسلمانان و رهبران کشورهای اسلامی قرار گیرد.

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته‌الله الهام گرفته از نهضت امام حسین رحمته‌الله بود. حسین بن علی رحمته‌الله کشته‌ی عبرت‌ها و بهای بصیرت‌های تاریخ‌ساز است. فرهنگ امام حسین رحمته‌الله، ترجمان فرهنگ محمدی، علوی و فاطمی است. فرهنگ حسینی، فرهنگ احیاگر بشر امروز و فرداست؛ فرهنگ نجات‌بخش انسان سرگشته در وادی تاریک و ظلمت‌کده‌ی عصر جاهلیت مدرن و دورگشته از اخلاق انسانی و معنوی است؛ به شرطی که آن را به طور دقیق بازشناسیم و به خوبی از آن حراست نماییم.

واقعه‌ی عاشورا، تنها الهام‌بخش انقلاب اسلامی ایران نبود و نیست،

۱. روزنامه‌ی کیهان، ۲۰ بهمن ۱۳۷۷، ص ۱۲.

بلکه از چنان جامعیت و ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند برای همیشه، کانون الهام‌بخش تمامی قیام‌ها و حرکتهای آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه‌ی همه‌ی ملت‌ها باشد.

حضرت امام، در راستای زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی عاشورا و کربلا به عنوان مشعل همیشه فروزان نهضت‌ها، می‌فرمایند:

«کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سیدالشهدا<sup>۱</sup>

را زنده نگه دارید، که با زنده بودن او، اسلام زنده نگه داشته

می‌شود.»<sup>۱</sup>

فرا رسیدن ایام سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و گذشت سه دهه پر رمز و راز از این انقلاب عاشورایی، فرصتی را فراهم می‌سازد تا یک بار دیگر به واکاوی نهضت بزرگ امام خمینی<sup>۲</sup> - که منبعث از فرهنگ همیشه مانای عاشورا است - بپردازیم و همچنین دستاوردهای این انقلاب شکوهمند را مورد بررسی قرار دهیم؛ انقلابی که به تعبیر رهبر کبیر آن، معجزه‌ی قرن بود؛ انقلابی که انفجار نور بود و دوران مشعشعی را در تاریخ ملت ایران رقم زد و اکنون انوار تابناک این انقلاب بر صحنه‌ی گیتی پرتو افکنی می‌کند.

سید حسین اسحاقی

قم المقدسه

در آستانه سی‌امین سالگشت پیروزی انقلاب اسلامی ایران

---

## بخش اول

---

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا  
و انقلاب اسلامی ایران





## درآمد

بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران رشحه‌ای از انقلاب عاشورا است. رهبری انقلاب با تأسی از سالار شهیدان و پیروی از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های عاشورای حسینی طرحی نو در جاهلیت جدید در افکند و نوری در ظلمات و تاریکی قرن بیستم درخشید که عطر و بوی انقلاب حسینی به همراه داشت. هرچند در این کتاب نمی‌توان به تمام شباهت‌های این دو انقلاب همسو پرداخت اما به قدر توش و توان شمه‌ای از این مشابهت‌ها را گویا کرده‌ایم باشد که اندیشمندان و فرزندگان این راه نیمه تمام را به پایان برند و اصحاب عمل و اندیشه نیز در تبیین هر چه بیشتر آن، مساعی و تدبیر لازمه را معمول دارند، مهمترین شباهت‌های این دو نهضت الهی را می‌توان در موارد زیر به نظاره نشست:

### ۱. تلاش برای تشکیل حکومت

دین مبین اسلام، آخرین و کامل‌ترین ادیان می‌باشد، بنابراین در تمام

زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن دارای کامل‌ترین احکام و قوانین است. پس باید دارای تشکیلاتی حکومتی باشد که عهده‌دار تحقق خواسته‌ها، اهداف و مقاصد این مکتب مترقی گردد. حضرت امام خمینی رحمه‌الله برای تحقق حکومت اسلامی می‌فرمایند:

«لازم است که فقها اجماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد، واجب عینی، وگرنه واجب کفایی است.»<sup>۱</sup>

حضرت امام در سخنی دیگر می‌فرمایند:

«در صورتی که یک نفر از فقها قادر به تشکیل حکومت نبوده و مجموعه‌ای از آنان چنین مهمی را می‌توانند به انجام رسانند، بر مجموع آنان واجب کفایی وجود دارد.»<sup>۲</sup>

اولین حکومت اسلامی در مدینه‌ی منوره به دست مبارک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تشکیل شد و ایشان به عنوان رئیس این حکومت، کلیه‌ی امور و مسؤولیت‌های مربوط را در راه جامعه عهده‌دار شدند. این سیره‌ی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، محکم‌ترین دلیل از دلایل برپایی حکومت اسلامی در جامعه است. حضرت امام در این زمینه می‌فرمایند:

«سنت و رویه‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است.»<sup>۳</sup>

ما که به ولایت معتقدیم و به این که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تعیین

۱. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۵۷.

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ص ۴۷۲.

۳. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۲۵.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۲۵

خلیفه کرده و خدا او را وا داشته است تا تعیین خلیفه کند و ولیّ امر مسلمین را تعیین کند، باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم.»<sup>۱</sup>

حضرت امام تشکیل حکومت را امری ضروری و عقلی می‌دانستند. اما شکل حکومت از منظر امام<sup>علیه السلام</sup>، جمهوری اسلامی بود. ایشان در ترسیم شکل حکومت فرمودند:

«یک حکومت جمهوری اسلامی، اما جمهوری برای این که به آرای اکثریت مردم متکی است و اما اسلام برای این که قانون اساسی‌اش عبارت است از قانون اسلام.»<sup>۲</sup>

حضرت امام، شکل سلطنتی را در حکومت بسیار نامطلوب می‌شمردند و می‌فرمودند:

«اصل رژیم سلطنتی بی‌ربط است. رژیم سلطنتی رژیم کهنه و ارتجاعی است و در وقت خودش هم بی‌ربط بوده است.»<sup>۳</sup>

از منظر امام خمینی، شکل مطلوب حکومت این چنین است:

«حکومت اسلامی، نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است؛ البته نه مشروطه به معنی متعارف و فعلی آن، که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت

۱. همان، ص ۲۲.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۵۰۳.

۳. همان، ص ۱۲۸.

رسول اکرم ﷺ معین گشته است. مجموعه شرط، احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی حکومت قانون الهی مردم بر مردم است.»<sup>۱</sup>

در مورد دموکراسی مورد نظر امام هم می توان گفت که دموکراسی که در اسلام وجود دارد، مختص به اسلام است و از دموکراسی های غربی هم کامل تر می باشد، ولی در عین حال شباهت هایی هم با دموکراسی های غربی دارد. حضرت امام در این باره می فرماید:

رژیمی که به جای رژیم ظالمانه خواهد نشست، رژیم عادلانه ای است که شبیه آن رژیم در دموکراسی های غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است آن دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی هایی که در غرب است، مشابه باشد، اما آن دموکراسی که ما می خواهیم به وجود آوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل تر از دموکراسی غرب است.<sup>۲</sup>

امام راحل در شکل جمهوریت نظام هم می فرمودند:

«ما جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی قوانین اسلام برقرار خواهیم کرد. جمهوری اسلامی یک جمهوری متکی به ملت است که باید آزاد و مستقل باشد و به جایی پیوسته نباشد.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۷۳.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۲۷

«و حکومت ما جمهوری اسلامی است که متکی بر آیات قرآنی باشد و قانون اسلام باشد و جناح‌های سیاسی در آن‌جا در اظهار عقاید خود آزادند.»<sup>۱</sup>

#### اهداف حکومت اسلامی

هدف اصلی و اساسی حکومت اسلامی از منظر امام، اجرای احکام الهی است؛ همان سیره‌ای که رسول‌الله در پیش گرفتند:

«پیغمبر مجری احکام خداست، خودشان چیزی ندارند؛ همه اجرای دستورهای خدای تبارک و تعالی می‌کنند.»<sup>۲</sup>

اهداف جانبی دیگر در حکومت اسلامی را می‌توان در موارد زیر جست. مبنا و زیر مبنای برپایی حکومت اسلامی، اقامه‌ی قسط و عدل در جامعه است. امام خمینی برپایی حکومت اسلامی را به منظور بسط عدالت در جامعه امری لازم و ضروری دانسته،<sup>۳</sup> هدف و نیز رسالت انبیا را برپایی توحید و عدالت می‌داند.<sup>۴</sup>

دستیابی به خیر و سعادت بشر نیز از دیگر اهداف حکومت اسلامی است. امام امت فرمودند:

«برنامه‌ی دولت اسلامی آن است که همه‌ی بشر را به سعادت برساند و همه در کنار هم و به طور سلامت و رفاه زندگی کنند.»<sup>۵</sup>

---

۱. همان، ص ۵۴۵.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۸۷.

۳. شؤون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۴.

۴. در جستجوی راه از کلام امام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، دفتر هفدهم و بیستم، ص ۳۶.

۵. صحیفه‌ی نور، ج ۵، ص ۱۵۴.

همچنین حفظ نظم و امنیت جامعه و آمادگی دفاعی هم مورد توجه بوده است. حضرت امام به این مسأله این چنین اشاره می نمایند:

«آیهی واعدوا لهم ما استطعتم من قوه... دستور می دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید، تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند. ما متحد و نیرومند و آماده نبودیم که دستخوش تجاوزات بیگانه شده و می شویم و ظلم می بینیم.»<sup>۱</sup>

همچنین فرمودند:

«لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه، از بدیهی ترین امور است؛ بدون این که بین زمان ظهور و غیبت امام در این کشور و آن کشور فرقی باشد.»<sup>۲</sup>

ایشان در فراز دیگری از سخنان گرانسنگ خود می فرمایند:

«به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره ی حیات رسول اکرم ﷺ و زمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ؑ لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما لازم است.»<sup>۳</sup>

اساساً قانونی که از طرف خداوند برای بشر نازل شده، از هر جهت کامل و جامع است و اجرای آن قوانین برای رشد و تکامل مادی و معنوی انسان ضروری است. برای تحقق چنین کاری چاره ای جز تشکیل

۱. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۳۳.

۲. شوون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه ی مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع امام خمینی، ص ۲۴.

۳. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۲۴.

حکومت اسلامی نیست. امام راحل در این راستا فرمودند:

«احکام الهیه، چه احکام مالی و چه احکام سیاسی و یا حقوقی، نه تنها نسخ نشده است، بلکه تا قیامت باقی است و بقای این احکام، لزوم ضرورت حکومت را ایجاب می‌کند، تا این که برتری قانون الهی را تضمین کرده و اجرای آن را به عهده گیرد و اجرای احکام الهی جز به وسیله‌ی حکومت امکان ندارد؛ برای این که موجب هرج و مرج می‌شود.»<sup>۱</sup>

«و بدیهی است که ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم نیز ادامه دارد.»<sup>۲</sup>

امام امت به صراحت تعطیل ناپذیری احکام اسلامی را گوشزد می‌نمایند و می‌فرمایند:

«این حرف که قوانین اسلام تعطیل ناپذیر یا منحصر و محدود به زمانی یا مکانی است، برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین چون اجرای احکام پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد.»

لزوم نجات مردم محروم و مظلوم از بند ظالمان هم از اهداف دیگر حکومت اسلامی است. زیرا استعمارگران به واسطه‌ی عمال سیاسی خود که بر مردم مسلط شده‌اند، آن‌ها را به دو گروه ظالم و مظلوم و مستضعف و

۱. همان، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۲۵.



مستکبر تقسیم کرده‌اند، که افراد مظلوم و محروم سعی می‌کنند به هر قیمتی که شده، خود را از قید و بند ظالمان نجات داده، از زیر سلطه‌ی آن‌ها رهایی یابند؛ و افراد ظالم هم سعی می‌کنند که موقعیت به دست آمده را حفظ کرده، با کمک اقلیت‌های حاکم و دستگاه‌های حکومتی جابر و سرکوبگر، مانع از رهایی مظلومان و مستضعفان گردند.<sup>۱</sup>

بنابراین، یکی از وظایف حکومت اسلامی، پشتیبانی و حمایت از مظلوم و دشمنی با ظالم می‌باشد. در این زمینه حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «من حکومت را به این دلیل قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم نموده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی ستم‌یادگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند.»<sup>۲</sup>

و امام خمینی بر این مسأله تأکید می‌کنند:

«دولت واقعاً با تمام قدرت آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین.»<sup>۳</sup>

نکته‌ی دیگر این که حکومت اسلامی نباید از گسترش تعلیم و تربیت غافل بماند. از منظر امام خمینی، تمام کتب آسمانی که بر پیامبران نازل شده، برای این بوده است که انسان تحت تعلیم و تربیت الهی قرار گیرد، تا بتواند بهترین موجودات و افضل خلائق گردد، زیرا اگر انسان به حال خود رها شود، به خطرناک‌ترین موجودات عالم تبدیل می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. حجت‌الله صادقی، گذری بر اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، نشر عصمت، بهار ۷۹، ص ۱۳۴.

۲. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۳۳.

۳. کلمات قصار، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۱۸۳.

بنابراین، به صراحت می‌توان گفت از اهداف مهم حکومت اسلامی، بسط تعلیم و تربیت اسلامی است؛ همان‌طور که حضرت امام می‌فرمایند: «آری، لزوم حکومت اسلامی به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت، از بدیهی‌ترین امور است.»<sup>۱</sup>

## ۲. شباهت‌های شاه و یزید

نظام‌های طاغوتی و ضد مردمی، برای ادامه‌ی حکومت و اقتدار خود، دو اصل را همیشه در نظر دارند و سعی می‌کنند این دو اصل با شدت و قوت مناسب خود صورت پذیرد. آن دو اصل عبارتند از:

الف. ارایه‌ی تصویری قدرتمند و شکست‌ناپذیر، به‌طوری‌که کم‌تر کسی جرأت مقابله و رویارویی با حکومت‌های استکباری و طاغوتی را داشته باشد؛ به همین دلیل، یکی از اقلام هزینه‌های چنین رژیم‌هایی، تبلیغات وسیع برای ارایه‌ی یک اقتدار خلل‌ناپذیر و داشتن قدرت غیر عادی است؛

ب. جلوگیری از آگاهی و اطلاع مردم از واقعیت اوضاع و احوال؛ به همین جهت بسیاری از امور حساس مملکتی حتی تا زمان مرگ آنان مخفی و دور از اطلاع و نظر مردم انجام می‌شود. در نتیجه مردم اطلاعی از واقعیات ندارند تا موضع‌گیری و اقدام مناسبی داشته باشند. در جهل و بی‌خبری نگه داشتن مردم، از مهم‌ترین اصول حکومت‌های استکباری و ضد مردمی است.

امام خمینی ره در نطق خود این دو اصل را می‌شکند و رژیم را به ضعف و رسوایی می‌کشاند، زیرا آن چنان ماهیت شاه و دستگاه حاکم افشا و

۱. شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۴.

معرفی شد که تا آخرین روز سلطنت دیگر نتوانست موقعیت نسبی قبل از آن را در داخل کشور داشته باشد. از آن زمان به بعد، امام را بت شکن می گفتند، زیرا عده ای شاه را چون بت و مظهر قدرت مطلقه می دانستند؛ همان گونه که بت یزید پس از عاشورا شکست.

مقایسه ی شاه و یزید در عصر روز عاشورا توسط مرجعی که نظراتش نه تنها مورد قبول مقلدان، بلکه بسیاری از مردم دیگر بود، در واقع شکستن اقتدار تبلیغاتی و قلدرمآبی شاه بود. همان گونه که یزید قصد نابودی اسلام و محو آثار نبوت و مسلط کردن خاندان فاسد اموی بر تمامی شؤون مسلمین را داشت و در این راه فرزند رسول خدا و یارانش را به شهادت رساند، و نیز برای اعمال حاکمیت و نشان دادن قدرت خود، به خانه ی خدا حمله کرد و مدینه الرسول را به خاک و خون کشید؛ حکومت شاه نیز با اساس اسلام و روحانیت دشمنی و مخالفت می نمود؛ همان طور که حضرت امام فرمودند:

«اگر بنی امیه و دستگاه یزید بن معاویه، تنها با امام حسین سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زن های بی پناه و اطفال بی گناه مرتکب شدند؟ بچه های خردسال چه تقصیری داشتند؟ زن ها چه تقصیری داشتند؟ به نظرم می گذرد که آن ها با اساس سر و کار داشتند؛ بنی هاشم را نمی خواستند، بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند، نمی خواستند شجره ی طیبه باشند. همین امروز در سرزمین ایران به نظر می رسد این ها با بچه های ۱۶، ۱۷ ساله ی ما چه کار داشتند؟ سید ۱۶، ۱۷ ساله به شاه چه کرده بود؟ به دستگاه سفاک چه کرده بود؟

لکن این فکر پیش می‌آید که این‌ها با اساس مخالفند؛ این‌ها نمی‌خواهند که اساسی موجود باشد؛ این‌ها نمی‌خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد. به مدرسه‌ی فیضیه حمله نمود و تهدید کرد که کشتار به راه می‌اندازد و عده‌ای را می‌کشد تا برنامه‌ها اجرا شود. یزید با جنایات زیاد که مرتکب شد، نتوانست عمر زیادی داشته باشد؛ همچنان که رضاخان نیز سرانجام در تبعید و محصور در شرایط سختی جان داد.<sup>۱</sup>

### ۳. صلح ناپذیری با حکومت

پیشنهاد دیگری که به امام حسین علیه السلام شد، این بود که مانند صلح امام مجتبی علیه السلام با معاویه، با یزید صلح کنند. این پیشنهاد از سوی کسی ارایه شد که در دلسوزی و ارادت او به امام تردیدی نیست. اما بینش این صحابی بزرگ به حدی بود که قادر به مشاهده‌ی حقایقی نبود که امام آن را درک می‌کردند. او بر اساس درک و معرفتش احساس وظیفه کرده، می‌گوید:

«انت ولد رسول الله صلی الله علیه و آله واحد سبطیه لاری الا انک تصالح کما صالح اخوک فانه کان موفقاً رشیداً»

تو فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و یکی از دو نواده‌ی او هستی. به نظر من جز این که تو مانند برادرت که مصالحه کرد، صلح کنی، راه دیگری نیست؛ که او در صلحش موفق بود.

امام علیه السلام در پاسخ بیانی دارند که محور زندگی و حرکت و قیام امام راحل بود، و آن ادای تکلیف است. امام فرمودند:

---

۱. جواد منصوری، فرهنگ عاشورا در بیانات عصر عاشورا، صص ۵۶۹-۵۷۰ (مجموعه مقالات، جلد دوم).

«یا جابر قد فعل اخی ذلک بامرالله تعالی ورسوله وانا ایضاً افعل  
بامرالله ورسوله اترید ان استشهد رسول الله وعلیاً و اخی الحسن  
بذلک الآن»

ای جابر! برادرم به امر خدای تبارک و تعالی ادای تکلیف  
کرد و من هم به دستور خدا و رسولش چنین می‌کنم. آیا  
دوست داری مأموریتم را از رسول خدا و علی و برادرم  
حسن علیه السلام بشنوی؟

پس حقایقی را به جابر نشان داد و او مأموریت امام را از زبان رسول  
خدا صلی الله علیه و آله شنید.<sup>۱</sup>

عبدالله بن عمر فرد دیگری است که از امام می‌خواهد به مدینه بازگردد  
و از قیام و مبارزه صرف نظر کند. او فردی است که خود از ابتدا با یزید  
بیعت نکرد، اما روش امام علیه السلام را نپسندید و گفت:

«انا اشیر علیک ان تدخل فی صلح ما دخل فیہ الناس و اصبر کما  
صبرت لمعاویه من قبل فلعل الله ان یحکم بینک و بین القوم  
الظالمین»

به نظر من بهتر است تو در صلحی مانند آنچه مردم در او  
داخل شدند، وارد شوی، و همچنان که در برابر معاویه  
سکوت کردی، در برابر یزید هم صبر نمایی. امید است که  
خداوند میان تو و این گروه ستمکار قضاوت نماید.

امام علیه السلام با تعجب پاسخ دادند:

«ابا عبد الرحمن انا ابایع یزید و ادخل فی صلحه و قد قال النبی فیہ  
و فی ایہ ما قال؟»

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۹۳.

ای ابا عبدالرحمن! آیا من با یزید بیعت کنم و با او وارد صلح شوم؛ در حالی که پیامبر درباره‌ی او و پدرش (می‌دانی) چه گفته است!

از این گفته بر می‌آید که مراد عبدالله بن عمر از صلح، بیعت با یزید و گردن نهادن به حکومت یزید است و با صلحی که جابر پیشنهاد کرد، تفاوت دارد؛ زیرا امام مجتبی‌علیه السلام با حکومت معاویه بیعت نکرد، بلکه حکومت را موقتاً به او سپرد. صلح امام مجتبی، ترک مخاصمه بود، نه بیعت. ابن عمر وقتی مقاومت امام را مشاهده کرد، یک قدم عقب‌نشینی نمود و گفت:

«و ان احببت ان لا تبایع فانت متروک حتی تری رأیک فانّ یزید بن

معاویه - لعنة الله - عسی ان لا یعیش الاقلیلا فیکفیک الله امره»

و اگر مایل به بیعت نیستی، کسی با تو کاری ندارد و می‌توانی مطابق نظرت عمل کنی، امید است که یزید بن معاویه - که لعنت خدا بر او باد - مدت کمی عمر کند و خداوند تو را کفایت نماید.

امام علیه السلام این پیشنهاد را هم نپذیرفتند و به او گفتند:

«آیا به نظر تو من در اشتباهم؟ اگر معتقدی که من به خطا

می‌روم، حاضرم با تو به مدینه بازگردم.»

عبدالله با شرمساری، ضمن بیان مقام و جلالت حضرت، ایشان را از خطا مبرا دانسته، بالاخره نگرانی خود را با توصیه به سکوت چنین ابراز می‌کند:

«ولکن اخشی این یضرب وجهک هذا الحُسن الجمیل بالسویف و

تری من هذه الامّه ما لا تحبّ فارجع معنا الى المدینه و ان لم تحبّ

ان تبایع فلا تبایع ابدأ و اقعّد فی منزل»

ولی می ترسم که چهره‌ی زیبا و نیکوی تو با شمشیرها رو به  
رو شود و از این امت رفتاری که دوست نداری، مشاهده  
کنی؛ پس با ما به مدینه بازگرد و اگر مایل به بیعت هم  
نیستی، اصلاً بیعت نکن و در منزل بنشین.  
باز هم امام این درخواست را نپذیرفته، می فرماید:

«هیها یا ابن عمر! انّ القوم لایترکونی ان اصابونی وان لم  
بصیبونی فلا یزالون حتی ابایع وانا کاره او یقتلونی»  
هرگز ای فرزند عمر! این قوم مرا رها نمی کنند. اگر بر  
من دست یابند و اگر دست نیابند، آنقدر دنبال می کنند  
تا بیعت کنم؛ در حالی که از این کار کراهت دارم و یا  
مرا می کشند.<sup>۱</sup>

در کوران نهضت اسلامی ملت ایران در سال‌های ۵۶ و ۵۷  
نیز، شخصیت‌های سیاسی و مذهبی که عقب نشینی‌هایی را از  
رژیم مشاهده کردند، مصرّاً از حضرت امام می خواستند که دست از  
ادامه‌ی مبارزه بردارند و به اجرای قانون اساسی و بقای شاه  
رضایت دهند، اما امام دوراندیش که افق بالاتری از حقایق را می دیدند،  
فرمودند:

«مکرر به عموم ملت ایران و سران قوم تذکر داده‌ام که دم از  
قانون اساسی نزنند که ندانسته گرفتار توطئه‌ی شاه  
می شوند و قانون اساسی فعلی بدون اصلاحات از نظر من  
اعتباری ندارد.»<sup>۲</sup>

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین، صص ۳۰۷-۳۰۸.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۱۷۷.

#### ۴. بیعت ناپذیری

علت اساسی شکل‌گیری نهضت عاشورا، حاکمیت ظالمانه‌ی بنی‌امیه بر جامعه بود. حضرت علی علیه السلام در رد حاکمیت بنی‌امیه بر جامعه‌ی اسلامی می‌فرمایند:

«سزاوارترین مردم به رهبری کسی است که نیرومندتر از همه و داناترین مردم در مسایل الهی باشد.»<sup>۱</sup>  
همچنین در مورد عدم شایستگی این خاندان برای تصدی حکومت مسلمین فرمودند:

«ای معاویه! شما (خاندان بنی‌امیه) که هیچ سابقه‌ی خیر و نیکی و شرف ندارید، کجا شایستگی حکمرانی و زمامداری مسلمین را داشتید.»<sup>۲</sup>  
این جاست که درد مولا علی علیه السلام درد حاکمیت ظالم بر جامعه‌ی اسلامی است و می‌فرمایند:

«تنها درد من این است که زمام امور این مردم در دست نادانان، ستمگران و گناهکاران بنی‌امیه قرار گرفته است.»<sup>۳</sup>  
جریان حاکمیت ظالم بر جامعه‌ی اسلامی که از سقیفه شروع شده بود، در عصر امام حسن علیه السلام ادامه یافت و در عصر امامت امام حسین علیه السلام - بر خلاف صلحنامه‌ی امام حسن علیه السلام با معاویه - او یزید را برای سلطنت بر جامعه معرفی و درخواست بیعت کرد. به این لحاظ است که امام حسین علیه السلام موضع‌گیری می‌کنند و به معاویه می‌نویسند:

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۲.

۲. همان، نامه‌ی ۱۰.

۳. همان، نامه‌ی ۶۲.



«ای معاویه! فتنه‌ای بزرگ‌تر از حاکمیت تو بر این ملت  
مسلمان وجود ندارد.»<sup>۱</sup>

حضرت در خطبه‌ای می‌فرمایند:

«شگفتا و چگونه در شگفت نباشم که سرزمین اسلام در  
قبضه‌ی کسانی است که یا خائن و ستمکارند، یا باجگیر و  
نابکار، یا حکمران بی‌رحم و بی‌انصاف.»<sup>۲</sup>

پیشنهاد بیعت، نه تنها از سوی دشمنان امام حسین علیه السلام، بلکه از سوی  
دوستان آن حضرت نیز مطرح بود؛ هرچند که انگیزه‌های بین این دو گروه  
متمايز بود. اگر از معاویه به عنوان اولین شخص که در پی بیعت گرفتن از  
شخصیت‌های ذی نفوذ مدینه و از آن جمله امام حسین علیه السلام برای فرزندش  
یزید بود و نیز شخص یزید که با ارسال نامه‌ای به حاکم مدینه از آن  
حضرت بیعت خواست، بگذریم، از جمله کسانی که با لحنی به ظاهر  
مشفقانه! پیشنهاد بیعت با یزید را مطرح کرد، «مروان بن حکم» بود. او در  
مدینه خطاب به حضرت گفت:

«ابا عبدالله! انی لک ناصح فاطعنی ترشد و تسدد»

ای ابا عبدالله! من دلسوز تو ام؛ از من پیروی کن تا هدایت  
شوی و راه درست را بشناسی.

حضرت فرمودند:

«وما ذلک، قل حتی اسمع»

چه می‌گویی و پیشنهادت چیست؟ بگو تا بشنوم.

پاسخ داد:

۱. کنگره‌ی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دیدگاه‌ها، دفتر اول، ص ۹۳.

۲. تحف العقول، ترجمه‌ی احمد جنتی، ص ۳۷۴.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۳۹

«اقول انی آمرک ببيعة امیر المؤمنین یزید، فانه خیر لک فی دینک و دنیاک.»

نظر من این است که با امیر المؤمنین یزید بیعت کن، که خیر دین و دنیای تو در این است.

حضرت استرجاع نموده، فرمودند:

«انا لله وانا اليه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بليت الاقه براع  
مثل یزید»

پس امام او را نفرین کرده، افزودند:

«وای بر تو، آیا مرا به بیعت با یزید که مرد فاسقی است، امر می‌کنی! سخن نامربوطی گفتی ای خطاکار! من تو را بر این سخت سرزنش نمی‌کنم، زیرا تو فرد لعنت شده‌ای هستی که وقتی در صُلب پدرت بودی، رسول خدا تو را لعن کرد و کسی را که رسول خدا لعن کند، جز دعوت به بیعت با یزید از او انتظاری نیست.»<sup>۱</sup>

شبهه همین پیشنهاد در قالب دیگری از سوی عبدالله بن عباس بود، که امام در پاسخ او فرمودند:

«ای پسر عمو! به خدا سوگند، می‌دانم که تو از راه خیرخواهی و مهربانی و دلسوزی این را پیشنهاد می‌کنی، ولی من تصمیم گرفته‌ام به سوی عراق حرکت کنم.»<sup>۲</sup>

در مقابل پیشنهاد برادر خود محمد بن حنفیه هم فرمودند:

«یا أخی والله لو لم یکن فی الدنیا ملجأ ولا مأوی لَمَا بایعتُ یزید بن

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، صص ۸۵ و ۲۸۵.

۲. کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۷۶.

### معاویه ابدأ<sup>۱</sup>

برادر من! به خدا سوگند اگر در تمام دنیا هیچ پناهگاه و مأمنی نباشد، هرگز با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد.

البته این پیشنهاد با پیشنهاد مروان و عمرو بن سعید متفاوت است. عمرو بن سعید هم حضرت را مورد عتاب قرار داده، از این که بیعت نکردن، وحدت امت اسلامی را بر هم می‌زند، سرزنش می‌کند و می‌گوید:

«یا حسین! الا تتقی الله تخرج من الجماعه و تفرق بین هذه الامه»<sup>۲</sup>

چرا تقوا بر نمی‌گزینی و از جماعت خارج می‌شوی و بین امت تفرقه می‌اندازی.

جای شگفتی است که شخصی در جامعه‌ی اسلامی به فرزند پیامبر اتهام ایجاد تفرقه و خروج از جماعت مسلمین را وارد می‌سازد. حضرت در پاسخ به این آیه تمثیل می‌جویند:

«وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بِرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup>

و اگر تو را تکذیب کردند، بگو عمل من به من اختصاص دارد و عمل شما به شما اختصاص دارد. شما از آنچه من انجام می‌دهم، غیر مسئولید و من از آنچه شما انجام می‌دهید.

نظیر همین دیدگاه در عصر ما و در میان شخصیت‌های مذهبی و ملی به چشم می‌خورد؛ کسانی که از ابتدا و در مقطعی از مبارزه با توجیهات

۱. احمد بن اعثم الکونی، الفتوح، دارالندوه الجدیده، بیروت، ج ۵، ص ۳۲.

۲. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۳۰.

۳. یونس، ۴۱.

گوناگونی همچون «رژیم شاه، تنها حکومت شیعه در جهان است، ما چاره‌ای جز سکوت نداریم؛ شاه قبول کرده تا سلطنت کند و به قانون اساسی عمل نماید»، در صدد توجیه حضرت امام برای کنار آمدن با رژیم بودند. امام راحل خود در این باره می‌فرمودند:

«گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست. در شروع مبارزات، اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است... ترویج تفکر شاه سایه‌ی خداست و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و این که ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شگفت‌تر، شعار گمراه‌کننده‌ی حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است و هزاران ان قُلّت دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه‌ی منفی و تبلیغات جلوی آن‌ها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایثار و خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود.»<sup>۱</sup>

## ۵. پیروی از ولایت فقیه، استمرار حرکت انبیا

مکتب انسان‌ساز اسلام برای این مرحله یعنی دوران غیبت دارای برنامه‌ی منسجم، کامل و دقیقی است؛ به طوری که رهبری امت اسلامی را بر

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۹۲.

عهده‌ی آگاه‌ترین، متعهدترین، دلسوزترین و متخصص‌ترین فرد نسبت به مبانی اسلام گذاشته است، که از او به عنوان ولیّ فقیه یاد می‌شود:

«اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز حکومت در دوره‌ی غیبت تعیین نشده، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؛ دیگر اسلام نمی‌خواهیم، اسلام فقط برای دویست سال بود، یا این که اسلام تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم و معنی نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود؛ و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند و ما اگر کارهای آن‌ها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد؟ یا این که حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره‌ی غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت عبارت از علم به قانون و عدالت می‌باشد و در عده‌ی بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند.»<sup>۱</sup>

حضرت امام در فراز دیگری درباره‌ی همین موضوع می‌فرماید:

«امروز ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل راجع است و اوست که شایسته‌ی رهبری مسلمانان است.»<sup>۲</sup>

۱. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، قم، انتشارات آزادی، بی‌تا، ص ۵۴.

۲. شؤون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۳.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۴۳

امام راحل می‌فرمودند که تداوم ولایت پیامبر اسلام و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام در پرتو ولایت فقیه است:

«من می‌گویم اگر چنانچه پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم غیر از این موجود تربیت نکرده بود، کافی بود برایش؛ اگر چنانچه پیغمبر اسلام مبعوث شده بود برای این که یک همچو موجودی را تحویل جامعه بدهد، این کافی بود. یک همچون موجودی که هیچ سراغ ندارد کسی و بعدها هم سراغ ندارد کسی، امروز روز نصب اوست به امامت امت؛ یک همچو موجودی امام امت است. البته کس دیگر به پای او نخواهد رسید و بعد از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود، لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین‌ها تعیین امام امت را هم کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام بودند، آن‌ها بودند و بعد فقها، آن‌هایی که متعهدند، آن‌هایی که اسلام شناسند، آن‌هایی که زهد دارند، زاهدند، آن‌هایی که اعراض از دین دارند، آن‌هایی که توجه بر رزق و برق دنیا ندارند، آن‌هایی که دلسوزند برای ملت، آن‌هایی که ملت را مثل فرزندان خودشان می‌دانند؛ آن‌ها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت.»<sup>۱</sup>

حضرت امام در کلامی دیگر، نظارت ولایت فقیه را مایه‌ی دلگرمی

می‌دانستند:

---

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

«من به همه‌ی ملت، به همه‌ی قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد.»<sup>۱</sup>

امام خمینی رحمه‌الله در کتاب تحریر الوسیله، در خاتمه مسایل امر به معروف و نهی از منکر، چنین نگاشته‌اند:

«در عصر غیبت ولی امر سلطان عصر (عج)، نمایان آن حضرت که فقهای جامع الشرایط جهت تقوا و قضاوت می‌باشند، جانشین آن حضرت در اجرا کردن سیاست و مسایل حکومتی و سایر چیزهایی که به عهده‌ی امام امت می‌باشند (مگر جهاد ابتدائی).»<sup>۲</sup>

حضرت امام همواره روحانیت را به عنوان هادیان، ناصحان و ناظران حکومت تصویر می‌کردند. ایشان می‌فرمودند که حکومت حقیقی و شالوده‌ی اصلی نظام با فقیهان است، بلکه در واپسین روزهای نظام شاهنشاهی، نقش هدایتگری و راهنمایی را برای خود در نظر گرفته بودند و فرمودند:

«من در آینده (پس از پیروزی انقلاب) همین نقش که الان دارم، خواهم داشت؛ نقش هدایت و راهنمایی. در صورتی که مصلحتی در کار باشد، اعلام می‌کنم و اگر چنانچه خیانتکاری در کار باشد، با او مبارزه می‌کنم، لکن من در خود دولت هیچ نقشی ندارم.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۹، ص ۱۷۰.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۶۶.

۳. صحیفه‌ی نور، ج ۴، ص ۲۶.

امام راحل شأن ولی فقیه را بدین گونه تمام می‌نمایند که:

«قضیه‌ی ولایت فقیه چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است... شما از ولایت فقیه نترسید؛ فقیه نمی‌تواند به مردم زورگویی کند... ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خویش بیرون برود؛ نظارت کند بر همه‌ی دستگاه‌ها.»<sup>۱</sup>

از آن جایی که در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، دسترسی به امام علیه السلام امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، اجرای احکام اسلامی - از قبیل حفظ سرمایه‌های عمومی، اجرای حدود و تعزیرات، حفظ امنیت داخلی، پاسداری از مرزهای مملکت اسلامی و مانند آن - بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین تشکیل حکومت امری واجب بوده، لازم است که فردی عهده‌دار ولایت و سرپرستی و اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی شود و حکومت مبتنی بر احکام و قوانین الهی و اسلامی تشکیل دهد. شایسته است که زمامدار و رهبر چنین حکومتی، قبل از هر چیز آگاه به احکام و معارف اسلامی بوده و از عدالت لازم نیز برخوردار باشد، تا بتواند زمام امور مسلمین را به دست گیرد. حضرت امام در این باره می‌فرمایند:

«پس از این که اصل ضرورت حکومت ثابت شد، سخن در فرد حاکم و والی است. شکی نیست که از دیدگاه شیعه، ائمه‌ی اهل بیت علیهم السلام، جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبران جامعه‌ی اسلامی‌اند. ولایت عامه و خلافت کلیه‌ی الهی - که برای پیامبر اکرم ثابت بود - برای ائمه‌ی اهل بیت علیهم السلام ثابت است و



در زمان غیبت، گرچه ولایت و حکومت برای شخص و فردی خاص مقرر نشده است، لیکن به حکم عقل و شرع - اصل حکومت در عصر غیبت - نیز استمرار دارد.<sup>۱</sup>

حضرت امام در ادامه می‌افزایند:

«در این صورت باید گفت چون حکومت اسلامی به معنی حکومت قانون الهی است، حاکم و والی مسلمانان باید واجد شرایط زیر باشد:

۱. علم به قانون الهی؛ ۲. عدالت؛ ۳. کفایت سیاسی؛ ۴. و توان مدیریت.

اعتبار و لزوم این شروط در رهبر حاکم اسلامی از بدیهیات است؛ چنان که در احادیث اسلامی نیز شواهدی بر آن یافت می‌شود. در این صورت، امر ولایت و حکومت - در عصر غیبت - از شؤون و وظایف فقیه عادل است.<sup>۲</sup>

## ۶. اطاعت از رهبری

از نگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، جهان بر مدار ولایت می‌گردد و هیچ امری در نظام تکوین از دایره‌ی ولایت حق خارج نیست. در نظام تشریع نیز شرط نجات و هدایت حقیقی، قرار گرفتن در قلمرو هدایت ولی خدا و امام است. سخن امام باقر علیه‌السلام درباره‌ی اهمیت و جایگاه ولایت، قابل توجه فراوان است. ایشان می‌فرمایند:

«لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ

۱. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، صص ۴۶۴ - ۴۶۷.

۲. همان.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۴۷

دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ قِيَوَالِيهِ وَيَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ  
إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ.<sup>۱</sup>  
اگر کسی شب‌هایش را به نماز و روز‌هایش را به روزه  
سپری کند و همه‌ی دارایی‌اش را در راه خدا انفاق کند و همه  
ساله حج به جا آورد، ولی موفق به شناخت ولایت ولی خدا  
و حجت حق نشود تا در قلمرو ولایت او قرار گیرد و همه‌ی  
کارهایش به هدایت او انجام پذیرد، او هیچ حقی در پیشگاه  
خداوند ندارد و در شما مؤمنان نخواهد بود.

امام زین العابدین علیه السلام نیز تمام عزّت را در پیروی از زمامداران شایسته  
می‌داند:

«طَاعَةُ وُلاةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ.»<sup>۲</sup>

یکی از گلابه‌های امام علی علیه السلام از جامعه در دوران حکومتش، ولایت  
مدار نبودن جامعه‌ی آن روز است و امام علیه السلام این روحیه را زمینه‌ساز پیروی  
از جبهه‌ی باطل می‌داند و می‌فرماید:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُظْهَرَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَلَيْكُمْ لَيْسَ لَانْتَهُمُ أُولَى  
بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لِإِسْرَاعِهِمْ إِلَى بَاطِلٍ صَاحِبِهِمْ وَابْطَاءِكُمْ عَنْ  
حَقِّي.»<sup>۳</sup>

به خدایی که جانم در قبضه‌ی قدرت اوست، این قوم  
(بنی‌امیه) بر شما پیروز خواهند شد؛ و این نه از آن رو است  
که آنان از شما به حق سزاوارترند، بلکه بدان جهت است که

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۱.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۰.

۳. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۷.

آنان با همه‌ی وجود تابع اندیشه‌های باطل رهبرشان هستند  
و شما در فرمان‌برداری از اندیشه‌های حقانی من سستی  
می‌کنید!»

این مسیر سست عنصری همچنان در زمان امام حسن مجتبی علیه السلام ادامه یافت، تا این‌که به اوج خود رسید؛ به طوری که نزدیکان حضرت نیز او را در شرایط حساس تنها گذاشتند. در جهت بازگرداندن امور به مسیر طبیعی، انقلابی لازم بود. پیام عاشورا، پیروی از رهبر صالح است. در جریان عاشورا، اطاعت همه جانبه را از رهبری امام حسین علیه السلام می‌بینیم و کسانی که با سست بنیادی از دستورات سعادت آفرین امام حسین علیه السلام نافرمانی کردند، گرفتار نکبت دنیا و عذاب آخرت گشتند. این اطاعت تا به آن جا بود که یارانش می‌فرمودند: اگر هزار بار کشته و زنده شویم، لحظه‌ای از تو جدا نخواهیم شد. این روحیه به خوبی در زندگی امام خمینی نیز هویداست. ایشان با الگو گرفتن از زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی هدی علیهم السلام، کاملاً بر وفق پیام عاشورا حرکت می‌کردند، چنان‌که می‌فرمایند:

«دستور است این؛ دستور عمل امام حسین علیه السلام، دستور است برای همه. کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا؛ دستور است به این‌که هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را...»<sup>۱</sup>

امام خمینی در زمانی که هنوز پیشوایی جامعه را بر عهده نگرفته بودند، از پیشوایان مذهبی وقت پیروی می‌کردند. آمده است که در زمان زعامت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، به امام مراجعه کردند و از بعضی نارسایی‌ها و اشتباه‌های حکومت وقت گفتند. حضرت امام فرمودند:

۱. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی علیه السلام، ص ۵۸.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۴۹

پرچمدار، آیت‌الله العظمی بروجردی هستند و ما در این شرایط وظیفه‌ای نداریم.<sup>۱</sup>

ایشان درباره‌ی پیروی از فرماندهان هم نکته‌ی ارزشمندی را متذکر شدند که:

«اطاعت از یک فرماندهی که فرمانده اسلام است، واجب است به حسب حکم اسلام (و) تخلف حرام.»<sup>۲</sup>

انقلاب اسلامی، تجربه‌ی موفق ولایت مداری است. مردم ایران با الهام از باورهای دینی و با اعتقاد به اصل امامت و ساز و کار مناسب آن در عصر غیبت - یعنی ولایت فقیه - که در شخص امام<sup>علیه السلام</sup> تجلی یافته بود، به راستی که با تمام وجود از خود اطاعت نشان دادند و در پرتو اطاعت‌پذیری، عزت و سرافرازی دنیا و آخرت را برای خود خریدند و عبرت و الگوی جهانیان شدند.

#### ۷. رهبری مدبرانه

در نهضت عاشورا، امام حسین<sup>علیه السلام</sup> نه برای حکومت و مقام ظاهری دنیا، بلکه برای اطاعت از خدا، از بیعت با یزید خودداری نمودند و حتی اهل بیت خود را نیز با خویش همراه کردند. اصولاً فردی که خود را رهبر جامعه‌ی اسلامی می‌دانست، نه تنها از دین، آگاهی نداشت، بلکه در ظاهر نیز بر خلاف آن عمل می‌کرد. امام حسین<sup>علیه السلام</sup> در پاسخ به نامه‌های کوفیان، با اشاره به ویژگی‌های رهبر اسلامی، می‌فرمایند:

«به جان خودم سوگند که امام نیست؛ مگر کسی که کتاب

۱. پا به پای آفتاب، ستوده، صص ۳۲۷-۳۲۸.

۲. کلمات قصار، ص ۱۶۵.

خدا را بداند و بر طبق آن حکم کند، عدل را برپا دارد،  
متدین به دین حق باشد و خویشتن را برای خدا در بند دین  
محبوس دارد.»<sup>۱</sup>

رهبر تکلیف مدار در انجام رسالت خویش سر از پا نمی‌شناسد؛ چنان  
که حسین بن علی علیه السلام در خطبه‌ی معروف خود در مکه‌ی مکرمه، به هنگام  
تبدیل حج تمتع به عمره و خروج از آن مکان مقدس، می‌فرماید:

«مرگی که سرنوشت فرزندان آدم شده، همچون گردنبند بر  
گردن دختر جوان، برازنده و زیباست. چنان به دیدار  
گذشتگانم مشتاقم که یعقوب در اشتیاق دیدار یوسف. برای  
من مصرع و مقتلی اختیار کرده‌اند که با عشق و افتخار با آن  
رو به رو می‌شوم. هم اکنون اعضای پیکر خویش را به چشم  
می‌نگرم، که آن را گرگ‌های بیابان در منطقه‌ای بین  
"نواویس" و "کربلا" پاره می‌کنند و روده‌های تهی و  
شکم‌های گرسنه‌ی خود را از آن‌ها پر می‌سازند. گریز از  
روزی نیست که با قلم مشیت پروردگار به نگارش درآمده  
است. خشنودی خدا، خشنودی خاندان پیامبر است. در  
برابر آزمایش او پایداری می‌کنیم و در برابر، پاداش  
مقاومت کنندگان را به دست می‌آوریم.»<sup>۲</sup>

از اهداف مهم قیام عاشورا، اصلاح جامعه و برپا داشتن عدل و داد ذکر  
شده است؛ چنان که خود حضرت در اجتماع بزرگ اهل کوفه قبل از مرگ  
معاویه، فرمودند:

۱. ناسخ التواریخ، در احوالات سیدالشهدا، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. همان، ص ۱۲۰.

«خداوند، ابتدا امر به معروف و نهی از منکر را واجب گردانید، زیرا می‌دانست اگر این واجب انجام و برپا گردد، تمامی واجبات آسان و مشکل برپا خواهد شد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام می‌کند؛ علاوه بر این که ردّ مظالم و مخالفت با ظلم و تقسیم خمس و غنایم و گرفتن زکات از اهل آن و پرداختن به افراد مستحق را به دنبال خواهد داشت.»<sup>۱</sup>

در این کلام حضرت، به ثمرات امر به معروف و تأثیر معنویت در اصلاح اجتماعی اشاره شده است؛ امام خمینی رحمه الله هم درباره‌ی اهداف قیام امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند؛ تمام و همه‌ی آن‌ها این مسأله را داشتند که خود باید فدای جامعه شود. فرد هر چه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیش از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد، این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصارش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح شود. "لیقوم الناس بالقسط" باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا کند.»<sup>۲</sup>

فداکاری و موفقیت امام حسین علیه السلام در اصلاح جامعه و رهبری مردم، به دلیل خداخواهی آن حضرت بود. مگر رهبر الهی می‌تواند تحمل ناشایستگی‌هایی را که با نام دین انجام می‌دهند، داشته باشد؟ امام سجاد علیه السلام

۱. محمدرضا الحسینی الجلالی، الحسین سماته و سیرته، ص ۱۱۰.

۲. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، ص ۳۷.

درباره‌ی پدر بزرگوارشان می‌فرمودند:

«وَلَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ نَظَرَ إِلَيْهِ مِنْ كَانِ مَعَهُ هُوَ بِخِلَافِهِمْ لِأَنَّهُمْ كُلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتِ الْوَأْنَهُمْ وَارْتَعَدَتْ فِرَائِصُهُمْ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَكَانَ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ الْوَأْنَهُمْ وَتَهْدِيءُ جَوَارِحَهُمْ وَتَسْكُنُ نَفُوسَهُمْ»<sup>۱</sup>  
چون کار بر حسین عليه السلام دشوار شد، همراهانش به او نگریستند و ناگاه دریافتند که او بر حالی دیگر است؛ زیرا هر چه کار دشوارتر می‌شد، رنگ آنان دگرگون می‌گشت و اندامشان می‌لرزید و ترس دل‌هایشان را فرا می‌گرفت؛ در حالی که روی حسین عليه السلام و برخی از نزدیکانش می‌درخشید و اندامشان آرام می‌شد و دل‌هایشان قرار می‌گرفت.»

و این‌هاست که جزو شایستگی‌های رهبری است. شجاعت رهبر، سماحت و بخشش رهبری، قاطعیت، صبر بر مصائب، نترسیدن از مرگ، ادامه‌ی راه پیامبران، آمادگی رزمی، عدم اظهار یأس، آماده کردن یاران و اهل بیت برای حرکتی بزرگ، هدایت جامعه، بالا بردن روحیه‌ی انقلابی، ایثار و فداکاری در راه خدا با جان و مال و فرزندان، داشتن روحیه‌ی قوی و ایمانی محکم، انجام عبادات و پرداختن به تهجد و دعا به درگاه الهی؛ از دیگر ویژگی‌های رهبری است.<sup>۲</sup>

حضرت امام خمینی رحمه الله درباره‌ی آمادگی بالای امام حسین عليه السلام برای شهادت و حفظ اسلام فرمودند:

«هر چه روز عاشورا سیدالشهدا عليه السلام به شهادت نزدیک‌تر

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷.

۲. فضل الله صلواتی، قیام و رهبری در تعالیم عاشورا، ص ۴۲۴ (دفتر دوم مجموعه مقالات).

می‌شد، افروخته‌تر می‌شد و جوانان او مسابقه می‌کردند برای این که شهید بشوند؛ همه هم می‌دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهید می‌شوند. مسابقه می‌کردند آن‌ها؛ می‌فهمیدند برای چه آمدند؛ آگاه بودند که ما آمدیم ادای وظیفه‌ی خدایی را بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ کنیم.»<sup>۱</sup>

وجود همزمان سه عامل مهم مکتب اسلام، رهبری امام و حضور مردم، باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد؛<sup>۲</sup> در هر سه بُعد هم نهضت امام حسین علیه السلام، معیار و میزان عمل گردید. ماهیت هر دو نهضت احیای اسلام و ارزش‌های اسلام بود. اگر فداکاری و ایثار و شهادت‌طلبی تاکتیک بود، استراتژی و هدف نهایی استقرار دین بود. امام خمینی هیچ‌گاه از زاویه‌ی قدرت به مقوله‌ی رهبری نگاه نکردند. ایشان قدرت و رهبری را ابزار و مکانی برای خدمت به مردم و خدمت به مردم را در چارچوب رضای خداوند و اعتلای اسلام می‌دانستند.

از خصوصیات بارز دین اسلام، مسئولیت مشترک همه نسبت به یکدیگر است و استمرار انقلاب نیز بر مبنای درسی که نهضت عاشورا و رهبری امام حسین علیه السلام برای همه‌ی عصرها و نسل‌ها داشت، بر محوریت امر به معروف و نهی از منکر است. از دیگر عوامل استمرار انقلاب، حضور مردم در صحنه و آمادگی آنان برای فداکاری است.

حضور در صحنه، به معنای مشارکت وسیع در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. اگر عاشورا به عنوان روح حرکت انقلاب و آرمان‌های آن زنده بماند، روز به روز انقلاب آب‌دیده‌تر و

۱. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی علیه السلام، ص ۴۳.

۲. نک. مقدمه همین کتاب.



مستحکم‌تر به راه خود ادامه خواهد داد. حضرت امام تأکید فرمودند:  
 «سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او تکلیف را به ما  
 آموختند؛ فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج میدان».<sup>۱</sup>  
 البته استمرار انقلاب همچون دوران شکل‌گیری؛ نیازمند روحیه‌ی  
 شهادت‌طلبی، فداکاری و ایثار جمعی است. امام راحل به این نکته نیز  
 چنین توجه می‌دهند:

«امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرد؛ شما به  
 تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید».<sup>۲</sup>  
 و هر چه این روحیه‌ی ایثار و فداکاری در مسئولان و دولتمردان  
 بیش‌تر باشد، «الناس علی دین ملوکهم» هم فزون‌تر خواهد بود.

#### ۸. مردم‌گرایی

تردیدی نیست که مردم دگرگون شدند. تفسیر جدیدی که حضرت امام از  
 اسلام و مفاهیم مذهبی پیش روی مردم قرار داد، و چهره‌ی جدیدی که از  
 قیام امام حسین علیه السلام و اهداف متعالی سیدالشهدا در برابر دیدگان مردم قرار  
 گرفت، عذر و بهانه را از همه ساقط کرد، که قَلَّتْ عِدَّةٌ و عُدَّةٌ بهانه‌ای بیش  
 نیست و عنوان کردن قدرت دشمن، شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت  
 است. الگوی امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت، رمز قدرت مردمی بود که  
 در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح رژیم پهلوی، فقط با شعار و بیانیه مسلح  
 بودند. شعارهای مردم در راهپیمایی‌ها، نشانگر عمق تأثیرپذیری آنان از  
 نهضت عاشورا و قیام سیدالشهدا بود؛ مثل:

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۷، صص ۵۸-۵۹.

۲. همان، ص ۲۵۵.

نهضت ما حسینیہ / رهبر ما خمینیہ؛  
حسین حسین شعار ماست / شهادت افتخار ماست؛  
ما اهل کوفه نیستیم / امام تنها بماند؛  
ایران شده کرب و بلا / مهدی بیا، مهدی بیا؛  
گفتا حسین بن علی / هیئات منا الذله، هیئات منا الذله؛  
ما عاشق شهادتیم / هیئات منا الذله، هیئات منا الذله.  
بنابراین، انقلاب اسلامی پرتوی از نهضت عاشورا بود و هست.  
امام حسین علیه السلام و امام خمینی هر دو به نقش مردم و مشارکت آنان در قیام اسلامی اهمیت می‌دادند. در سال شصت هجری، مردم کوفه از امام حسین علیه السلام - به وسیله‌ی نامه‌های فراوان - دعوت کردند و آن حضرت هم با شرایط سخت حاکم بر جامعه، این دعوت را پذیرفته، برای اتمام حجت به سوی آنان حرکت کردند. امام خمینی هم انقلاب را با اتکا و حمایت مردمی بنا نهادند. ایشان بارها تأکید می‌کردند که:  
«برای اصلاح جامعه، باید یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم، تا یک جریان اجتماعی پدید آید.»<sup>۱</sup>  
امام خمینی در ارتباط با مردم‌داری، به تمامی دولتمردان و کارگزاران نظام چنین توصیه فرمودند:

«امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را این‌طور حساب نکنید. رژیم‌های سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند؛ آن‌ها در یک طرف بودند، مردم

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۷۳.

هم در یک طرف بودند؛ آن‌ها مردم را می‌کوبیدند، مردم هم آن‌ها را، اگر می‌توانستند. امروز که مردم جدا نیستند، از پاسداران است. حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است؛ شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید. شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند؛ شما کاری نکنید که مردم به شما متوجه شوند؛ کاری نکنید که مردم محبت به شما نکنند، پشتیبان شما باشند.

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت. این که رژیم سابق از بین رفت، برای این [بود] که پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد، بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می‌کردند، با این که در خطر بودند، جانشان در خطر بود، لشگر غیر بود، لشگر اجنبی بود. لشگرهای اجنبی ریختند به ایران، ولی چون رضاخان را بردند، مردم خوشحالی می‌کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم. این مردم که رفت که دیدید چه شادی‌ها کردند، برای این که پشتیبان نداشتند.

کاری نکنید که مردم بگویند که ای کاش نبود این پاسدار؛ کاری نکنیم که مردم بگویند ای کاش روحانیتی در کار نبود. مسأله مهم است. قضیه این نیست که من ساقط باشم،

قضیه این نیست آقا ساقط باشند، قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز این طوری است وضع ما، همه ان شاء الله با هم متوجه به اسلام و وظایف [خود باشیم].»<sup>۱</sup>

بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان مردمی بودن آن و رابطه‌ی قلبی و عاشقانه‌ی امام و امت دانست. اعتماد عمیق امام به مردم و عشق و ارادت توصیف‌ناپذیر مردم به امامشان، چنان پیوند مستحکمی میان آن‌ها ایجاد نموده بود که هم ملت آیینی وجود امام گردید و هم امام آیینی نمایش ملت بودند. حضرت امام (ره) همواره بر نقش محوری مردم در شکل‌گیری حکومت و استمرار و تداوم آن تأکید ورزیده، بقای نظام را در گرو حضور مستمر، هوشمندانه و آگاهانه‌ی مردم در تمامی عرصه‌ها می‌دانستند. همچنین مردم را چهره‌ی منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصر دانسته، از این که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی زندگی می‌کردند، افتخار و مباهات می‌نمودند و با اعتقادی راسخ در خصوص ملت ایران می‌فرمودند: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی (ع) می‌باشند.»<sup>۲</sup>

بدون تردید، می‌توان گفت به غیر از انبیا و ائمه‌ی هدی، در تمام طول تاریخ نمی‌توان رهبری محبوب‌تر از امام خمینی (ره) یافت. ایمان راسخ، صداقت بی‌مثال، شجاعت بی‌نظیر، اخلاق وارسته، تدبیر، کیاست و

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۷، ص ۲۵۳.

۲. کلمات قصار، ص ۱۲۳.

تیزبینی خارق العاده، ساده زیستی کم نظیر و خلوص این مرد الهی، یاد و نام او را در اعماق قلوب مردم ایران و بسیاری از مسلمانان جهان جاودانه نموده و اندیشه‌های تابناک او را سرمشق بیداری مردم جهان قرار داده است.

اگر به سایر انقلاب‌های بزرگ دنیا نگاه کنیم، پدیده‌ای را با این گستردگی مشاهده نمی‌کنیم، که ناگهان تمامی مردم، تقریباً همزمان و هماهنگ، سر برداشته و قیام کردند و همصدا خواستار تحول و تغییر اساسی و سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند.

در ایران، به جز عده‌ی بسیار معدودی که وابستگی بسیار نزدیک به رژیم شاه داشتند و منافع و بقای آن‌ها بستگی به دوام آن رژیم داشت، همه‌ی اقشار و طبقات جامعه - اعم از علما و روحانیون، کشاورزان، کارگران، اصناف، کارکنان دولت، اساتید دانشگاه، دانشجویان، دانش‌آموزان، و شهری و روستایی - در همه‌ی نقاط کشور با هم به یک خیزش عظیم دست زدند و بدون آن که به ائتلاف و یا تفاهم بر سر خواسته‌های متفاوت گروه‌ها نیازی پیدا شود، همه همصدا با شعارهای واحد قیام کردند.<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی در تمامی مراحل مبارزات تا هنگام پیروزی و از آن پس تا به امروز، بعد از اتکال بر خدا، به تنها سلاحی که مسلح بوده و توانسته است در برابر تمامی توطئه‌ها و شیطنت‌ها ایستادگی کند، پشتیبانی وسیع مردمی است.

یکی از نویسندگان غربی در این باره می‌نویسد:

«در مورد مسأله‌ی اراده‌ی جمعی، آنچه مرا متحیر کرد...

۱. موچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ۸۸.

این بود که مثلاً دانشجویها می‌آمدند و می‌گفتند: ما همه یکی هستیم، ما همه مثل هم هستیم، همه طرفدار قرآنیم، همه مسلمانیم، بین ما فرقی نیست. آن‌ها می‌گفتند: این را بنویسید که ما همه شبیه هم هستیم.»<sup>۱</sup>

میشل فوکو - از متفکران مشهور فرانسوی - هم در خصوص نقش مردم ایران در پیروزی انقلاب و تبلور اراده‌ی عمومی می‌گوید:

«در میان چیزهایی که این ماجرای انقلابی را مشخص می‌کنند، یکی این است که ماجرای انقلاب، اراده‌ای مطلقاً دسته‌جمعی را آشکار می‌کند و در تاریخ، ملت‌های کمی این موقعیت را پیدا کرده‌اند. اراده‌ی جمعی، اسطوره‌ای سیاسی است که به کمک آن، حقوق‌دانان یا فلاسفه می‌کوشند تشکیلات و غیره را تحلیل یا توجیه کنند. این یک وسیله‌ی تثوریک است. اراده‌ی جمعی تاکنون به چشم دیده نشده است و من شخصاً فکر می‌کردم که اراده‌ی جمعی مانند روح خدا یا روح، هرگز به چشم دیده نمی‌شود... ما در تهران و تمام ایران، اراده‌ی جمعی ملتی را دیدیم. این در خور تحلیل است. چیزی نیست که هر روزه دیده شود. به علاوه به این اراده‌ی جمعی یک موضوع، یک هدف که باید دانست فقط یکی و آن هم عزیمت شاه است، داده شد. (این مرد در ادامه می‌گوید:) بین تمامی ملت و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیس خود این ملت را تهدید می‌کند، بلافاصله

---

۱. کُر بریر و پیر بلانشر، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه‌ی صنعتی، تهران، انتشارات سحاب کتاب، ۱۳۵۸، صص ۲۵۱-۲۵۷.

از یکسو به اراده‌ی تمامی ملت برمی‌خوریم و از سوی دیگر، به مسلسل‌ها، ملت تظاهرات برپا می‌کند، ارباب‌ها می‌رسند، تظاهرات تکرار می‌شود و مسلسل‌ها دوباره شلیک می‌کنند؛ و این کار تقریباً به طور یکسان و البته هر بار با شدتی بیش‌تر، ولی بدون تغییر ماهیت تکرار می‌شود. باز هم تکرار تظاهرات و به این ترتیب ملتی به نحوی خستگی‌ناپذیر، اراده‌ی خود را ظاهر می‌کرد.<sup>۱</sup>

همین معنا در سخنان قذافی نیز آمده است. وی در سال ۱۳۵۷ گفته بود:

«اکنون که ملت ایران در سایه‌ی انقلاب ملی اسلامی - که در نوع خود بی‌نظیر است - از ستم و استبداد رهایی یافته و صفحه‌ی جدیدی را در تاریخ ایران گشوده است، برای جهانیان شرق و غرب روشن شد قدرت مردمی که ایمان به قرآن دارند، تا چه حد است.»<sup>۲</sup>

اصولاً پیوند عمیق مردم ایران با رهبر الهی خود، عامل حضور آنان در همه‌ی صحنه‌ها، خصوصاً در مواقع بحرانی و خطرناک قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بود. این امر، حکایت از پیوند عمیق مردم با مذهب و ریشه‌های آن در دل‌هایشان داشت. امام عظیم‌الشان نیز با دقت نظر، اندیشه‌ای عمیق و آگاهی کافی نسبت به شرایط سیاسی - اجتماعی داخلی و خارجی و درک عمیق شرایط زمان و مکان و مقتضیات روز، به راستی حافظ‌امین احساسات و بیعت ناگسستنی امت با امام خود بود.

۱. مصاحبه‌ی کلر بریر و پیر بلانشر با فوکو، پیشین، صص ۲۵۵ - ۲۵۷.

۲. ه. موحد، دو سال آخر (رقم تا انقلاب)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۰۷.

مردمی بودن این انقلاب، ارتباط ناگسستنی با باورهای عمیق اسلامی این ملت مؤمن و رهبری پیامبر گونه‌ی امام راحل دارد.<sup>۱</sup>

در همین باره، مرحوم دکتر ابراهیم الدسوقی شتا - استاد و ایران‌شناس مصری - چه زیبا می‌گوید:

«آنان (مردم) بودند که پشت سر امام خویش - که در تبعید به سر می‌برد - و برای دفاع از مرجعیت و اسلام به پا خاستند؛ البته در تمام کشورها انقلابیونی هستند و بسیاری از مردم هم آماده‌ی از خودگذشتگی می‌باشند، اما در ایران، انقلاب بدون رهبری آیت‌الله خمینی به پیروزی نمی‌رسید؛ او بود که انقلاب را از قوه به فعل و از عقیده به عمل راهبر شد؛ او بود که احساس مذهبی مردم را به یک مکتب همه‌جانبه تبدیل کرد.»<sup>۲</sup>

حضرت امام، مردم را ولی‌نعمت خود دانسته، به مردم عشق می‌ورزیدند و خود را خدمت‌گزار قاطبه‌ی مردم، به ویژه مستضعفان و پابرهنگان، می‌دانستند و همین ارتباط قلبی بود که مردم ایران را نیز منقلب و متحول ساخت و انقلاب اسلامی به بار نشست. انقلاب ایران، تجسم عینی اراده و خواست مردمی بود که متحول شده و هویت جدیدی یافته بودند؛ انقلابی که با تظاهرات میلیونی مردم توانست ارتشی مجهز را خلع سلاح کند و به ۲۵۰۰ سال نظام شاهنشاهی در ایران خاتمه بخشد و زمینه‌ساز تشکیل حکومت اسلامی شود؛ انقلابی که با نام خدا آغاز شده

۱. احمد امیدوار و حسین یکتا، حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی روایتی جهانی، سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی (دفتر سیاسی)، ۱۳۷۹، ص ۲۲۹.

۲. حکومت در اسلام (مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه‌ی اسلامی)، تهران، معاونت بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۳۹۷.



بود، در جهت احیای اسلام و اصلاح دین محمدی ﷺ و نابودی رژیم شاهنشاهی پهلوی - که احیاگر سنن جاهلیت ایران قبل از اسلام بود - به پیروزی رسید.

احیای ارزش‌های جاهلیت قبل از اسلام و تضاد میان فرهنگ حاکم و فرهنگ مردم، مهم‌ترین علت انقلاب بود، و امام با درایت خاص و تمسک به اسلام، با بسیج مردم، برای اصلاح گام برداشتند. هدف اصلی انقلاب، احیای ارزش‌های اسلامی و نفی ارزش‌های شاهنشاهی و به فرموده‌ی امام حسین، امر به معروف و نهی از منکر بود. ماهیت انقلاب اسلامی، احیای اسلام ناب محمدی - مبتنی بر عدالت و شهادت‌طلبی - بود، و دست‌آورد هایش همچون نهضت عاشورا، از مرزهای جغرافیایی ایران گذشته، مبنایی برای رشد و گسترش اسلام سیاسی در سراسر جهان امروز، و الگویی برای تمام نهضت‌های آزادی‌بخش شده است.

## ۹. رفع تضاد طبقاتی

بنی‌امیه هنگامی که توانستند نفوذ و قدرت بیش‌تری در دستگاه خلافت اسلامی به دست آورند، تحت عنوان هبه و جایزه، به چپاول و غارت بیت‌المال پرداختند. بین امویان و وابستگان آن‌ها که دارای ثروت‌های فراوان بودند از یک سو و اکثر مردم که در فقر و محرومیت به سر می‌بردند از سوی دیگر، شکافی عظیم پیدا شد، و با این سیطره‌ی مالی و سیاسی بود که حزب اموی به تطمیع و خرید افراد ذی‌نفوذ پرداخت و معاویه مبنای کاخ سبز را در منطقه‌ی شام ایجاد کرد و به قدرت خود تحکیم بخشید. تصاحب و غارت بیت‌المال، از مهم‌ترین عواملی بود که حزب اموی در جهت اغفال مردم و تهیه و تجهیز سپاه شام از آن استفاده کرد.

ایجاد نظام طبقاتی و تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی، سبب شد تا نظام عقیدتی و اخلاقی جامعه نیز متحول شود و پذیرش معیارها و اصول اقتصادی مکتب اسلام برای مردم میسر نگردد. معاویه همانند پادشاهان، با تشریفات و تجملات بر مردم حکومت می‌کرد و با سوء استفاده از بیت‌المال، برای استمرار سلطنت اموی و جانشینی یزید، رشوه‌های کلانی می‌پرداخت و گروه‌های زیادی از مردم کوفه را با پول و ثروت فریب می‌داد و به تطمیع آنان می‌پرداخت؛ از جمله وقتی «مغیره بن شعبه» از طرف معاویه مأموریت یافت تا مردم کوفه را به بیعت با یزید وادار کند، مال فراوانی به هواداران حزب اموی در این شهر بخشید و گروهی از مردم کوفه را به سرکردگی پسر خود نزد معاویه فرستاد، تا با اعلام طرفدارای از ولایت‌عهدی یزید، وراثت سلطنتی امویان را مشروعیتی مردمی ببخشد. چون این گروه به دربار حکومت رسیدند، معاویه از پسر مغیره پرسید: پدرت دین این مردم را به چند خریده است؟ وی جواب داد: هر یک را به سی هزار درهم.<sup>۱</sup>

یکی از آسیب‌های مهم جامعه در آستانه‌ی قیام امام خمینی علیه السلام، فاصله‌ی طبقاتی و بهره‌کشی سرمایه‌داران و طبقه‌ی ثروتمند جامعه از طبقات محروم و مستضعف بود. ایجاد هسته‌های سرمایه‌داری در ایران به وسیله‌ی نظام شاهنشاهی، سبب شد که وابستگان به دربار و ایادی دست‌نشانده‌ی شرکت‌های چندملیتی، با استفاده از پول نفت و فروش منابع طبیعی کشور، به ثروت‌های کلان دسترسی پیدا کنند و به این وسیله به چپاول ثروت‌ها و استثمار اقشار ضعیف جامعه بپردازند. در مقابل این عده‌ی محدود، اکثر آحاد مردم در شهرها و روستاها در فقر و مسکنت به سر می‌بردند و هر روز

۱. سید جعفر شهیدی، قیام حسینی علیه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۵۰.

به تعداد زاغه‌ها و بیغوله‌های اطراف شهرهای بزرگ افزوده می‌شد. امام خمینی در این باره فرمودند:

«استعمارگران به دست عمّال سیاسی خود که بر مردم مسلط شده‌اند، نکات اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند و بر اثر آن مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند: ظالم و مظلوم. در یک طرف صدها میلیون مسلمان گرسنه و محروم از بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر، اقلیت‌هایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی که عیاش و هرزه‌گردند. مردم گرسنه و محروم کوشش می‌کنند که خود را از ظلم حکام غارت‌گر نجات دهند تا زندگی بهتری پیدا کنند و این کوشش ادامه دارد، لکن اقلیت‌های حاکم و دستگاه‌های حکومتی جابر مانع آن‌هاست. ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم؛ پشتیبان مظلوم و دشمن ظالم باشیم.»<sup>۱</sup>

و آن‌گاه که ندای امام امت به گوش امت ایران رسید، محرومان و ستم‌دیدگان از اولین اقشاری بودند که به ندای امام لبیک گفتند و تا آخر در کنار امام ماندند و هیچ‌گاه امام یک موی آنان را به کاخ‌نشینان ترجیح نداد.

## ۱۰. اصلاح‌گرایی

در نهضت عاشورا، حرکت امام حسین علیه السلام حرکتی اصلاح‌گرایانه در برابر تحریف حقیقت اسلام و انحطاط ارزش‌های اسلامی و استقرار ارزش‌های قومی و جاهلی و عربی رژیم اموی بود. انقلاب اسلامی نیز تکیه‌گاه

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۲.

اصلی‌اش دگرگونی در ذات مردمی بود که هدایت اسلامی آنان، با واسطه‌ی استقرار و استمرار سیاست‌های شاهنشاهی پهلوی، کمرنگ و محو شده و ارزش‌های ایران باستان به عنوان حربه‌ای در تقابل با اسلام مطرح شده بود. همان‌گونه که امام حسین علیه السلام در یک جنگ نابرابر از قلتِ عِدّه و عُده نهراسیدند، نهضت اسلامی ایران نیز با تکیه بر مردم و با دست خالی به مصاف استبداد پادشاهی رفت. انقلاب اسلامی ایران، نه تنها تقابل شاه و مردم، بلکه تقابل دو اندیشه و دو خط مشی بود؛ امام و مردم نگاهشان به عاشورا و شهادت بود، و نگاه شاه و حامیان‌ش به کورش بود و دنیا. امام خمینی همواره تاکید می‌کردند:

«انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»<sup>۱</sup>

تغییر تقویم از هجری شمسی به شاهنشاهی، روشن‌ترین علامتی بود که نظام پادشاهی تصمیم گرفته بود پیوند ایران اسلامی را با اسلام قطع کند؛ چنان که تئوری پردازان شاه، همواره می‌کوشیدند هویت ایرانی را در برابر هویت اسلامی قرار دهند. علامه مرتضی عسکری می‌نویسد:

«یزید و معاویه هم در پی استحاله‌ی اسلام بودند. معاویه با تمام توان خود کوشید که اسلام را دگرگون کند و همان‌گونه که می‌خواهد، اسلام را معرفی نماید؛ به گونه‌ای که در اواخر عهد معاویه، از اسلام جز اسم و از قرآن جز رسم باقی نمانده بود. توجه به اسلام - صورت اسلام - نیز از این جهت بود که معاویه و یزید بر اساس اسلام حکومت می‌کردند.»<sup>۲</sup>

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۱۲.

۲. علامه سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۳، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۶.

وی می‌افزاید:

«و اما یزید پدیده‌ای دیگر بود. او حتی به سفارش معاویه که گفته بود عیاشی و خوش باشی و فجورش را در نهان و شبانه انجام دهد، وقعی ننهاد.»<sup>۱</sup>

پدر و جد یزید (ابوسفیان) گاه عناد خود را نسبت به اسلام و پیامبر ﷺ آشکار می‌کردند، اما در حفظ ظاهر نیز حتی المقدور می‌کوشیدند. اما در زمان خلافت یزید، شرایط به گونه‌ای شده بود که امام حسین (ع) از آن به دگرگونی عالم تعبیر نموده‌اند:

«ان الدنيا قد تغيرت وتكثر وادبر معروفها ولم يبق منها الاصابة  
كصابة الاناد وخيس عيش كالمرعى الويل الامرون الى الحق  
لا يعمل به والى الباطل لا يتناهى عنه، ليرغب المؤمن فى لقاء الله  
فانى لا ارى الموت الا السعادة والحياة مع الظالمين الا برماً، الناس  
عبيد الدنيا والدين لعق على السنتهم يخوطونه ما درت معائشهم  
فاذا محصوا بالبلاء قل الديانون.»<sup>۲</sup>

اوضاع زمانه دگرگون شده، زشتی‌ها آشکار گردیده، و خوبی‌ها و فضیلت‌ها از محیط ما رخت بر بسته است. از فضایل جز اندکی باقی نمانده است؛ مانند قطرات بازمانده در ته ظرف آب. نه به حق عمل می‌کنند و نه از باطل روی گردانند. در چنین شرایطی انسان مؤمن آرزوی لقای خداوند را می‌کند. من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز پستی نمی‌بینیم. مردم بردگان دنیا شده‌اند و

۱. همان، ص ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۶۷

دین لقلقه‌ای بر زبان آنان است. از دین تا جایی که دنیای آنان در رفاه باشد، حمایت می‌کنند، اما در هنگام امتحان، دینداران واقعی بسیار کم هستند.

بنابراین، علت قیام امام حسین علیه السلام، در هم شکستن قدرت پوشالی یزید به عنوان شخصی بود که در صدد ترویج ظلم و فساد و انحراف و سقوط امت اسلامی بود.

روزگاری شده بود که بردن نام علی علیه السلام جرم بود و اگر هم کسی در مسجدی یا منبری از علی علیه السلام نام می‌برد، برای هتک و سب بود. عدالت مطرود گشته بود. در این حال، قیام امام حسین علیه السلام برای تحقق احیای دین و اصلاح امت و عدالت‌طلبی بود. آن حضرت و یاران پاکبازشان در این راه دست از همه چیز شسته بودند و همگی یک احساس داشتند و آن این که مرگ را شیرین‌تر از غسل می‌دانستند. امام حسین علیه السلام به زینب کبری دربارهی همراهان خود می‌فرمایند:

«والله لقد بلوتهم فما وجدت فيهم الا الاشوس الاتعس يستأنسون

دونی استیناس الطفل الی محالب امّه.»<sup>۱</sup>

به خدا سوگند آنان را آزموده‌ام؛ در میان آنان همه انس و علاقه‌ای که به مرگ دارند، همانند علاقه‌ی کودک به شیر مادر است. همگی پرصلابت و مستحکم‌اند.

اصولاً تباهی‌ها به حدی بود که تنها اثر خون حسین علیه السلام و یاران باوفایش می‌توانست آن را محو کند. اگر نهضت عاشورا روی نمی‌داد، تحریف دین و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به جایی می‌رسید که اساس اسلام فراموش می‌شد. اسلام مثل درختی خشکیده و بی‌برگ و بار بود و یزید هم برای

۱. المقرّم، مقتل الحسین علیه السلام، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۹ ق، ص ۲۱۹.

فریب مردم، گاهی نامی از آن می برد. نهضت عاشورا در این شرایط بود که فضای جامعه را دگرگون کرد. شکسته شدن رعب حاکمیت استبدادی بنی امیه، ره آورد انقلاب حسینی بود، که بعدها در اثر خطابه های شورانگیز زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام، نهضت های متعددی چون توابین و قیام مختار و مانند آن ها شکل گرفت. امام حسین علیه السلام با شهادت خود، انسان ها را از غفلت و سکوت و رخوت در آوردند و وارد صحنه کردند.

انقلاب اسلامی ایران نیز با تأثیرپذیری از نهضت عاشورا به وقوع پیوست و با رهبری امام و حضور مردم و تکیه بر دین اسلام پیروز شد. بدون شک، هیچ دینی همچون اسلام قادر به بسیج نیروها و پیروانش نیست. اسلامی که امام خمینی به مردم معرفی کرد، دین عدالت محور و حقیقت جو بود؛ دینی که نفی کننده ی سلطه ی بیگانگان و عزت بخش به مسلمانان بود. امام خمینی با روشن کردن جنبه های مترقیانه ی اسلام، برای خنثی کردن توطئه های دشمنان، اعلام کردند که:

«اسلام برای این انسانی که همه چیز است - یعنی از طبیعت تا ماورای طبیعت تا عالم الوهیت - مراتب دارد؛ اسلام تز دارد، برنامه دارد؛ اسلام می خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد.»<sup>۱</sup>

امام راحل با بهره گیری از نارضایتی موجود در جامعه، مضامین متعالی نهضت عاشورا همچون شهادت و عدالت گستری را احیا کردند. امام خمینی، انقلاب اسلامی را ادامه و تابع نهضت عاشورا می دانستند و در تفسیر کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا فرمودند:

«دستور است به این که هر روز و در هر جا باید همان نهضت

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۶۹

را ادامه بدهید. امام حسین علیه السلام با عده‌ی کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و "نه" گفت. هر روز باید در همه جا این "نه" محفوظ بماند و این مجالس که هست، به دنبال همین است که این "نه" را محفوظ بدارد.<sup>۱</sup>

حضرت امام، نهضت حسینی را سمبلی برای همه‌ی نسل‌ها و عصرها دانسته، فرمودند:

«حضرت سیدالشهدا علیه السلام از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آن‌هایی که اهل مبارزه‌ی مسلحانه هستند، چه جور مبارزه کنند و باید آن‌هایی که در پشت جبهه هستند، چطور تبلیغ کنند. ما هر چه داریم، از این محرم است و از این مجالس؛ از این قتل سیدالشهدا علیه السلام و شهادت اوست. ما هم همان طوری که سیدالشهدا در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه‌ای که آن‌ها داشتند، قیام کرد تا شهید شد، ما هم همین طور، ما هم برای شهادت حاضریم.»<sup>۲</sup>

#### ۱۱. قیام برای امر به معروف و نهی از منکر

فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، زیربنای همه‌ی اصلاحات و ضامن اجرا و تضمین‌کننده‌ی آن است؛ به همین جهت امام حسین علیه السلام در اکثر بیانات خود بویژه در وصیت‌نامه خود خطاب به محمد حنفیه برادرش

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

۲. همان، ج ۱۷، صص ۵۸-۶۲.



فرمودند اِنِّیْ اُرِیدُ اَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهٰی عَنِ الْمُنْكَرِ و در جای جای نهضت مقدس خویش به این هدف عالی تصریح کرده‌اند. این سیره در فرزندان صالح و شایسته‌ی او حضرت امام خمینی نیز نمایان است؛ چنان که فرمودند:

«اگر من خلاف می‌کردم، همه‌تان هجوم می‌آوردید که چرا این کار را می‌کنی؛ من سر جایم می‌نشینم. همه‌تان مسؤولید، همه‌مان مسؤولیم، امروز مسؤولیت بزرگ است برای ما.»<sup>۱</sup>

همچنین در کلام دیگری تأکید نمودند:

«امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که به همه کس واجب است. یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد و بر دیگری نه؛ همه‌ی ما مکلفیم.»<sup>۲</sup>

در راستای مسؤولیت‌پذیری اجتماعی هم فرمودند:

«اگر انسان دید معصیت خدا می‌شود، باید جلوی او را بگیرد، نگذارد معصیت خدا شود.»<sup>۳</sup>

امام راحل وظیفه‌ی فرد را تنها اصلاح شخصی نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند که مسؤولیت اجتماعی نیز از رسالت‌های به حق او می‌باشد، از این رو فرمودند:

«همان طوری که هر شخص و هر فرد موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است دیگران را هم اصلاح

۱. همان، ج ۸، ص ۶۰.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۸۴.

۳. همان.

مروری بر شباهت‌های پیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۷۱

کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند.»<sup>۱</sup>

در جایی دیگر فرمودند:

«این کشور باید همه‌ی افرادش آمر به معروف و ناهی از منکر باشند؛ اعوجاج‌ها را خودشان رفع بکنند.»<sup>۲</sup>

امام امت، امت خود را در برابر انحراف و منکر مسؤول دانسته، فرمودند:

«امر به معروف و نهی از منکر بر همه‌ی مسلمین واجب است، جلوگیری از منکرات بر همه‌ی مسلمین واجب است. شما و ما موظفیم که همه در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است، امر به معروف کنیم.»<sup>۳</sup>

حضرت امام خمینی مردم را به پیروی از سیره‌ی امام حسین (ع) در حادثه‌ی عاشورا فرا می‌خواندند و می‌فرمایند:

«این که حضرت ابی عبدالله (ع) نهضت و قیام کرد با عدد کم در مقابل این [حکومت یزید]، برای این بود که گفتند تکلیف من است که استنکار کنم، نهی از منکر کنم. انگیزه این بوده است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد. انحرافات همه از منکرات است. جز خط مستقیم توحید، هر چه هست، منکرات است؛ این باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم، باید ببینیم که ایشان چه وضعی

---

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۴.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۵.

در زندگی داشت. قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود؛ من جمله قضیه‌ی حکومت جور. سیدالشهدا علیه السلام همه‌ی عمرش و همه‌ی زندگی‌اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت‌ها در دنیا ایجاد کردند، صرف کرد و تمام زندگی‌اش را صرف این کرد که حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین برود.»<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به شیعیان خود در بصره، قیام خود را قیامی حق محورانه و حق طلبانه اعلام کردند و در آغاز نامه نوشتند:

«فَأَنِّي أَدْعُوَكُمْ إِلَىٰ إِحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَإِمَامَةِ الْبِدْعِ»<sup>۲</sup>

همانا من شما را به زنده کردن آثار و نشانه‌های حق و نابود کردن بدعت‌ها فرا می‌خوانم.

## ۱۲. مسخ ارزش‌ها توسط دشمن، انگیزه‌ی قیام حسینی و خمینی

در نظام یزیدی، اصول عادلانه‌ی الهی مسخ گردیده، و نوعی تساهل و رفاه‌طلبی جایگزین آن شده و مردم نیز با آن انس و الفت گرفته‌اند. در چنین شرایطی است که وقتی ندای حق طلبانه‌ی حسین علیه السلام طنین‌انداز می‌شود، کم هستند کسانی که اجابت کنند. امام حسین علیه السلام به خوبی از این امر آگاه بوده، و در همین راستا بود که فرمودند:

«النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالَّذِينَ لَعِقَ عَلَى السَّنْتَمِ يَدُورُونَ حَيْثُ مَا

۱. قیام عاشورا، صص ۳۳-۳۹.

۲. ابوحنیفه احمد بن داود الدنیوری، الاخبار الطوال، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، بی‌تا، ص ۲۳۱.

دَرَتْ مَعَائِشَهُمْ وَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيانُونَ.»

مردم، بندگان دنیایند و دین زایده‌ای است بر سر زبان‌های آن‌ها. زبان‌هایشان را به چرخش در می‌آورند؛ به هر شکل که معیشت آن‌ها تأمین گردد. اما هنگامی که به امتحانات آزموده شوند، مشخص خواهد شد که دینداران واقعی چقدر در اقلیت‌اند.

نظام‌های سلطه در پی آنند که اصول شرک و کفر خود را به مردم القا کنند و آنان را از بندگی خدا به بندگی دنیا بکشانند؛ و آنانی که برده‌ی دنیا شوند، دینی دنیایی را طالبند، تا سبک زندگی اسیر مادیت آنان را توجیه کند، و اگر ندایی حقانی و الهی بشنوند، در صدد امحای آن برمی‌آیند. در این شرایط، موجودیت جامعه مسخ می‌شود. یزید هم از چنین رویه‌ای پیروی می‌کرد و امام حسین (ع) در برابر او و دنیایش قیام نمودند.

حضرت امام خمینی هم در عصری که نظام سلطه موجودیت جامعه را مسخ و بی‌ارزش نموده بود، با تمسک به پیام عاشورایی امام حسین (ع) که مانند حسین (ع) هیچ گاه با امثال یزید بیعت نمی‌کند، در هم کوبیدن نظام سلطه را سرلوحه‌ی مرام خویش قرار دادند.

شهید مطهری از سلوک امام (ع) چنین یاد می‌کند:

«ندای امام خمینی از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح مردم برمی‌خاست؛ مردمی که در طول چهارده قرن حماسه‌ی محمد (ص)، علی (ع)، زهرا (ع)، حسین (ع) و ابوذر و... صدها هزار زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند؛ علی (ع) را و حسین (ع) را

در چهره‌ی او دیدند؛ او را آینه‌ی تمام نمای فرهنگ خویش که تحقیر شده بود، تشخیص دادند.<sup>۱</sup>

امام راحل به تبیین حقایق اسلامی از طریق سخنرانی و کتابت معتقد بودند، اما آن را کافی نمی‌دانستند و بر ضرورت تحولی عظیم و انقلابی عمیق در بنیان جامعه تأکید می‌ورزیدند، و بالاخره در این مسیر مقدس، سیره‌ی پاک رسول الله ﷺ و نهضت امام حسین ﷺ را احیا کردند و با ایجاد انقلاب اسلامی، اساس ارزش‌های طاغوتی و جاهلی را از کشور ایران برکنند و اسلام ناب محمدی ﷺ را در همه‌ی ابعاد اجتماعی و سیاسی محقق ساختند.

امام خمینی در زمانی قیام کردند که شبکه‌های فساد و سلطه از درون و بیرون جامعه (رژیم سلطنتی و سایه‌ی شوم امپریالیسم امریکا) بر تمام هستی و حیثیت مردم احاطه داشت و هرگونه اختیار و آزادی در امور اجتماعی و سیاسی را از آنان سلب کرده بود. اسلام که آیین زندگی مردم محسوب می‌شد، عملاً از صحنه‌های اصلی و تعیین‌کننده‌ی زندگی مسلمانان کنار گذاشته شده بود. هرگاه سخنی از دین و دینداری به میان می‌آمد، با تنفر شبکه‌ی گسترده و تنیده بر جسم و جان مردم روبرو می‌گشت و با امکانات وسیع و شیطانی خاموش می‌شد، زیرا در فضایی که نظام و ارگان‌های وابسته، آن را به شدت فسادآلود و متعفن ساخته‌اند، همه‌جا - در و دیوار، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، مدرسه، بازار و اداره و... مردم را از راه خدا باز می‌دارند و به راه شیطان فرا می‌خوانند، و کفر و شرک را در فکر مردم القا می‌کنند و فسق و فساد را در عمل مردم تزریق می‌نمایند، مجالی برای طرح و ارایه‌ی کارساز احکام الهی باقی

۱. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱، ص ۵۱.

نمی‌ماند؛ چرا که شرایط موجود امکان هرگونه فعالیت تبلیغی و دینی را از بین می‌برد.

در مجموع باید گفت در نهضت سرخ حسینی و قیام خونبار خمینی؛ با فداکاری و ایثار، مقاومت و جهاد و شهادت، ارزش‌های مسخ شده و محو شده‌ی اسلامی مجدداً حیاتی تازه یافتند؛ ارزش‌هایی چون، ایمان به جهاد فی سبیل الله و احیای روح مجاهده و مبارزه، احیای روحیه‌ی شهادت‌طلبی، مقاومت و پایداری و پشتکار در مبارزه، شجاعت و شهامت و پرهیز از مصلحت‌اندیشی و راحت‌طلبی و توجه‌گری، احیای روحیه‌ی برادری و برابری و تساوی حقوق زن و مرد، احیای امر به معروف و نهی از منکر و سایر امور عبادی، و احیای ارزش‌های اخلاقی چون ایثار و فداکاری.

### ۱۳. تکلیف‌گرایی

از انگیزه‌های مهم که در طول انگیزه‌هایی مثل سر باز زدن از بیعت و اصلاح‌گری قرار می‌گیرد، ادای تکلیف الهی است. بی‌تردید در صورت علم به اراده و خواست الهی، یک انسان متعالی در انجام اراده‌ی معبود کم‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌دهد؛ حتی اگر آن اراده‌ی الهی با عقل حسابگر و معاملات سیاسی هماهنگ نباشد. امام حسین علیه السلام به مسأله‌ی اراده‌ی الهی و امثال تکلیف در جریان کربلا تأکید فراوان داشتند. پس از تصمیم‌گیری حرکت به سوی مکه، حضرت به زیارت قبر پیامبر رفته، این‌گونه با خدای خود مناجات نمودند:

«اسئلك يا ذا الجلال والاكرام بحق القبر ومن فيه الا اخترت لي ما

هولك رضی و لرسولك رضی».<sup>۱</sup>

ای پروردگار صاحب جلال و کرامت! تو را به حق این قبر و آن که آرمیده، سوگند که از تو می‌خواهم آنچه مورد رضا و خشنودی تو و مورد رضای پیامبر توست، بر من اختیار کنی.

آخرین کلام امام نیز در گودال قتلگاه این بود که:

«صبراً علی قضائک یا ربّ صبراً علی حکمک.»

در مقابل قضا و قدر تو شکیا هستم ای پروردگار من! بر حکم و تقدیر تو صابر.

امام خمینی نیز به پیروی از سیدالشهدا<sup>۱</sup> از ذلت‌پذیری بیزار بودند. وقتی امام را به سازش با رژیم شاه متهم کردند، فرمودند:

«خمینی را اگر دار بزنند، تفاهم نخواهد کرد.»<sup>۱</sup>

در پیامی دیگر فرمودند:

«من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما

حاضر کرده‌ام، ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در

مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم بود.»<sup>۲</sup>

ایشان با قاطعیت به مردم توصیه نمودند:

«همه مکلف هستیم که بر ضد شاه قیام کنیم؛ تکلیف است؛

تکلیف الهی است.»<sup>۳</sup>

امام حسین<sup>۳</sup> با این که می‌دانند راهی که در پیش گرفته‌اند، مصائب و

مشکلاتی دارد و جوانان‌شان کشته می‌شوند و اهل بیت او اسیر می‌گردند و

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۱.

کسی به ندای او پاسخ نمی‌دهد، اما در برابر ظلم ظالمان و ستم ستمگران وظیفه‌ای دارند که باید به آن عمل نمایند. آن حضرت در مسیر آمدن به کربلا، در منزلی به نام بطن عقبه، با صراحت خطاب به یاران خویش فرمودند:

«من دربارهی خودم هیچ پیش‌بینی نمی‌کنم، جز این که به قتل خواهم رسید، زیرا در عالم رؤیا دیدم که سگ‌هایی چند به من حمله نمودند و بدترین و شدیدترین آن‌ها سگی بود سیاه و ابرص.

در این منزل پیرمردی از قبیله‌ی عکرمه به حضرت عرض کرد: مقصد کجاست؟

حضرت فرمودند: کوفه.

پیرمرد عرض کرد: به خدا سوگندت می‌دهم از همین جا برگرد، زیرا در این سفر جز با شمشیر و نیزه با چیز دیگری مواجه نخواهی شد.

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«این مطلبی که تو درک می‌کنی، برای من نیز واضح و روشن است، ولی برنامه‌ی خدا تغییرپذیر نیست؛ یعنی باید عمل به تکلیف شود.»<sup>۱</sup>

حضرت امام خمینی نیز روی مسأله‌ی ادای تکلیف و عمل به وظیفه تأکید داشتند. ایشان در روز ۲۷ آبان ۱۳۵۷ در پاریس در زمینه‌ی ضرورت مبارزه با ظلم ظالمان فرمودند:

«بر مسلمین است که این کار را بکنند، منتها [اگر] توانستیم این کار را انجام بدهیم که الحمدالله هم تکلیفمان را ادا کردیم



و هم به مقصد رسیدیم و اگر نتوانستیم عمل بکنیم، به تکلیفمان عمل کردیم.<sup>۱</sup> و در جای دیگر می‌فرمایند:

«مهم برای ما این است که ما به تکلیفمان عمل کنیم. نباید نگران باشیم که مبدا شکست بخوریم؛ باید نگران باشیم که مبدا به تکلیف عمل نکنیم. همه‌ی ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه. کشته شویم، تکلیف را عمل کردیم، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم. اگر ما به تکلیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است، عمل کنیم، باکی از این نداریم که شکست بخوریم.»<sup>۲</sup>

امام خمینی رحمه‌الله حتی مبارزه با ظلم را به انگیزه‌ی ادای تکلیف شرعی بیان می‌نمایند و می‌فرمایند:

«ما بنا داریم به تکلیف خودمان عمل کنیم. ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم. ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم؛ با این آدمخوارها و این خونخوارها مبارزه کنیم.»<sup>۳</sup>

در دوران نهضت، مخالفت با شاه نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، بلکه از منظر امام رحمه‌الله یک تکلیف شرعی و الهی بود؛ چنان که می‌فرمودند:

«همه‌ی ما، همه‌ی مسلمین، همه‌ی علما، همه‌ی روشنفکرها، همه‌ی سیاسیون، هر کس هست، تکلیف

۱. کوثر، ج ۲، ص ۳۳۶.

۲. کلمات قصار، ص ۵۰.

۳. صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۲۲۰.

شرعی الهی‌اش این است که با این [شاه] مخالفت کنند؛ هر کسی مخالفت نکند، برخلاف تکلیف شرعی الهی عمل کرده است.<sup>۱</sup>

از دید امام<sup>ع</sup> تشخیص تکلیف الهی همواره با تشخیص وظیفه‌ی سیاسی یک سیاستمدار منطبق نیست؛ چرا که ملاک‌های تکلیف الهی فراتر از ملاک سیاستمداران است. با توجه به مجموعه معیارهای مهم در دیدگاه یک انسان تکلیف‌گرا، گاهی اوقات عملی که از جهت سیاسی دارای بُرد و پیروزی قطعی یا حتی احتمالی نیست، از جهت شرعی مطلوب و لازم الاجراست. حضرت امام در مورد تفاوت این دو دیدگاه، با اشاره به اعمالی که مورد تعلق تکلیف الهی قرار می‌گیرند،<sup>۲</sup> می‌فرماید:

«در همه‌ی مسایلی که انسان اقدام می‌کند، یک قسم مسایل این طور است که انسان باید ملاحظه کند که در این عملی که می‌کند، نتیجه حاصل می‌شود؟ آیا می‌رسد به این مقصدی که دارد؟ نمی‌رسد؟ اگر مطمئن شد که به آن مقصد می‌رسد، اقدام می‌کند و اگر مطمئن نشد، اقدام نمی‌کند. یک قسم از مسایل هم هست که انسان تکلیف دارد از طرف خدا، که اصل مطلب یک تکلیفی است و نتایجی هم احتمال می‌رود حاصل بشود و احتمال هم می‌رود که حاصل نشود. در این مسایل که آدم تکلیف دارد اقدام کند، دیگر نباید در آن مسایل علم به این که یک نتیجه‌ای، یک مطلبی را که ما

۱. همان، ج ۴، ص ۱۷.

۲. کاظم قاضی‌زاده، تکلیف‌گرایی در نهضت حسینی و نهضت خمینی، صص ۲۱۲-۲۱۴ (مجموعه مقالات، دفتر دوم).

می‌خواهیم، حاصل شود؛ این لازم نیست علم پیدا کند.  
انسان دنبال این است که آن تکلیفی که به انسان شده است،  
به آن تکلیف عمل کند.<sup>۱</sup>

حضرت امام در بعضی از مقاطع حساس، با توجه به منطق مذکور، به  
کارهایی دست می‌زدند که از دید عرفی و علمی سیاسیون شایسته  
نمی‌نمود، اما ایشان با توجه به تشخیص تکلیف الهی، بدون توجه به درصد  
پیروزی و موفقیت آن، به آن عمل مبادرت می‌ورزیدند. امام راحل در یاد  
کردی از خاطرات قبل از پیروزی انقلاب، فرمودند:

«من در پاریس که بودم، بعضی خیراندیش‌ها می‌گفتند که  
نمی‌شود دیگر. وقتی که نمی‌شود، باید چه کرد؟ گفتم ما  
تکلیف شرعی داریم؛ عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که  
پیش ببریم. برای این که این را ما نمی‌دانیم، قدرتش را هم  
الان نداریم، اما تکلیف داریم؛ ما تکلیف شرعی خودمان را  
عمل می‌کنیم. من این طور تشخیص دادم که باید این کار را  
بکنیم. اگر پیش بردیم؛ هم به تکلیف شرعی عمل کرده‌ایم،  
هم رسیده‌ایم به مقصد؛ اگر پیش نبردیم، به تکلیف  
شرعی مان عمل کرده‌ایم.»<sup>۲</sup>

هنگامی که در نامه‌ای به ایشان، از اوضاع و شرایط اظهار نگرانی شد،  
امام در پاسخ فرمودند:

«اگر انسان در این اوضاع و احوال قیام به وظیفه کند و موفق  
به خدمت شود، نگرانی ندارد. نگرانی آن جاست که به

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۱۸.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۷.

خدمت قیام نکند و از وظیفه - خدای نخواسته - شانه خالی کند.<sup>۱</sup>

اگر انسان به وظیفه عمل کند، اگر پیروز هم نشد، به تکلیف خویش عمل کرده است. در همین راستا امام علیه السلام می‌فرمایند:

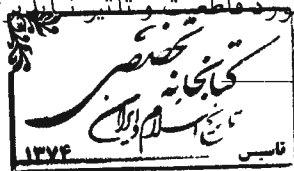
«ما نباید نگران باشیم که مبادا شکست بخوریم؛ باید نگران باشیم که مبادا به تکلیف عمل نکنیم. نگرانی ما از خود ماست. اگر ما به تکلیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین کرده، عمل نکنیم، باکی از این نداریم که شکست بخوریم؛ چه از شرق، چه از غرب، چه از داخل و چه خارج، و اگر به تکلیف خودمان عمل نکنیم، شکست خورده هستیم؛ خودمان، خودمان را شکست داده‌ایم.»<sup>۲</sup>

این احساس پیروزی در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است و به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داده شد که بگوید:

«قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ يَأْتِيَ بِنَا.»<sup>۳</sup>

بگو آیا به جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) انتظار چیز دیگری را برای ما دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خدا، یا از جانب او و یا به دست ما به شما برسد.

از لوازم این دیدگاه، استقبال از خطرات و قاطعیت و طرد مسامحات سیاسی است. امام راحل در مورد قاطعیت و تأثیر ناپذیری خویش در



۱. همان، ج ۲۲، ص ۱۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۷۸.

۳. توبه، ۵۲.

سایه‌ی توجه به تکلیف می‌فرمایند:

«اگر بنا بود من تحت تأثیر واقع شده بودم، از اول بنا نبود؛  
نباید اصلاً وارد بشوم در کار؛ با این که به من خیرخواهی  
کردند الی ماشاءالله. در پاریس هم که بودم، خیرخواهی  
زیاد شد، لکن دیدیم که یک تکلیف است که ما ادا  
می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

در کلامی دیگر فرمودند:

«من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و  
فریضه‌ی دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز  
عظیم شهادتم.»<sup>۲</sup>

امام خمینی علیه السلام نمونه‌ای بارز و برجسته از انسان‌های تکلیف‌مدار بودند  
و در سخنان خود - همان طوری که گذشت - بر آن تأکید می‌ورزیدند که  
انسان با ایمان نباید جز به تکلیف الهی بیندیشد و خاطر نشان می‌ساختند  
که امام حسین علیه السلام نیز برای همین منظور قیام نمودند و تا مرز شهادت پیش  
رفتند:

«او (سیدالشهدا علیه السلام) تکلیف می‌دید برای خودش که باید با  
این قدرت مقاومت کند و کشته بشود. تکلیف الهی خودش  
را تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد و مخالفت  
کند؛ هرچه خواهد شد. در عین حالی که به حسب قواعد  
معلوم بود که عدد این قدری نمی‌تواند با آن عده‌ای که آن‌ها  
دارند، مقابله کند، لکن تکلیف بود؛ برای سیدالشهدا علیه السلام»

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۷، ص ۱۸۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۱۳.

تکلیف بود آن‌جا که باید قیام کند و خودش را بدهد تا این که ملت را اصلاح کند.<sup>۱</sup>

بنابراین، نهضت حسینی برای ما پیام تکلیف‌پذیری و وظیفه‌شناسی دارد و باید همه با گوش جان این پیام را بشنویم:

«سیدالشهدا و اهل بیت او آموختند تکلیف را؛ فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. تکلیف ما را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است؛ در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید.»<sup>۲</sup>

امام خمینی رحمه‌الله با عنایت به همین امر فرمودند:

«ما مکلفیم؛ خدا به ما تکلیف کرده است که با مخالفین اسلام و مخالفین ملت معارضه کنیم؛ ما پیش می‌بریم یا نمی‌بریم. اگر پیش بردیم که الحمدلله به تکلیفمان عمل کردیم و هم پیش بردیم و اگر مردیم و کشته شدیم، به تکلیف عمل کردیم. ما شکست نداریم؛ شکست برای ما نیست، برای این که از دو حال خارج نیست؛ یا پیش بردیم که پیروز شدیم یا پیش نمی‌بریم که پیش خدا آبرومندیم.»<sup>۳</sup>

هدف در قیام مکتب انبیا و اولیا و فرهنگ دینی، ادای تکلیف است. آن‌گاه که هدف چنین والا باشد، رزمنده از زیادی عِدّه و عُدّه‌ی دشمن نمی‌ترسد، چون که در همه حال خود را پیروز و دشمن را شکست خورده می‌نگرد. در ایدئولوژی و آیین انبیا، رزمندگان بر این باورند که چه بکشند

۱. قیام عاشورا، صص ۴۱، ۵۲ و ۵۳.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گذری بر دو سال جنگ، ص ۴۷.

و چه کشته شوند، پیروزند. از این سخن قرآن مجید در آیه ی ۵۲ سوره توبه به «احدى الحُسَینین» تعبیر شده است. بر همین منوال است که خاتم رسولان این خط مشی زیبا را برای آیندگان ترسیم می فرمایند:

«والله لو وضعوا الشمس فی یمنی والقمر فی یساری علی ان ترک  
هذا الامر او اهلك فیہ ما ترکته.»<sup>۱</sup>

به خداوند سوگند، اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار بدهند، تا من از این قیام و مبارزه چشم پوشی کنم، این کار را نخواهم کرد.

چون هدف قیام در این مکتب، انجام وظیفه است. رهبران و رهروان این مکتب به هیچ قیمتی از مبارزه چشم پوشی نمی کنند؛ همان گونه که در عبارت بالا به آن اشاره شده است.

امام حسین علیه السلام در سیر حرکت خویش از مکه به عراق، هنگامی که با فرزدق - شاعر فرزانه ی عرب - رو به رو شدند، بعد از سخنانی که بین آن دو رد و بدل شد، حضرت از وی پرسیدند: از مردم کوفه چه خبر؟ فرزدق در پاسخ گفت: من خوب آنان را می شناسم، دل های آنان با شماست، اما شمشیرهایشان با دشمنان است و قضا و قدر الهی از آسمان نازل می شود و خداوند آن گونه که بخواهد، همان خواهد شد. امام هم فرمودند:

«راست گفتمی، کار به دست خداست؛ او هر روزی در کاری است. پس اگر به آنچه ما می خواهیم و به آن خشنودیم (پیروزی ظاهری بر دشمن)، حکم و قضای الهی فرود آید، در این صورت ما خداوند را برای نعمت هایی که به ما

۱. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالجمیل، ج ۱، ص ۲۴۰.

عنایت نموده، سپاس می‌گوییم و او خود نیروی شکرگزاری‌اش را عنایت کند؛ و اگر حکم و قضای الهی به دلخواه ما نشد، پس به دور نیست از خواسته، آن کس که نیتش حق باشد و پرهیزکاری پیشه کند.»<sup>۱</sup>

مانند این سخنان، در صحیفه‌ی مانای امام خمینی ره نیز در موارد متعددی دیده می‌شود. سخنان حضرت امام هم نشان از تکلیف‌گرایی و ادای وظیفه دارد؛ چنان که می‌فرمایند:

«ما در این جا که هستیم، از قبلِ خدای بزرگ مأموریت‌ها داریم.»<sup>۲</sup>

«ما همه مکلفیم که بر ضد این قیام کنیم؛ قیام قلمی، قیام قولی، هر وقت هم شد به سلاح. هر وقت، وقت پیدا کردیم، اول کسی که سلاح به دوشش بگیرد، خود منم، اگر توانستم؛ هر وقت هم نتوانستم، حرف می‌زنم، صحبت می‌کنم.»<sup>۳</sup>

«حضرت امیر ره که قیام کردند بر ضد معاویه،... جلوگیری از ظلم معاویه و تکلیف شرعی بود که باید قیام کنند، تکلیف این بود که باید با یک چنین آدمی معارضه و مبارزه بکنند.»<sup>۴</sup>

«شما خیال نکنید که اگر یک وقت ما نرسیدیم به مقصد، گفته بشود که خوب چه شد، خون‌ها ریخت و از بین رفت و چه شد؛ تکلیف را ادا کردیم.»<sup>۵</sup>

۱. شیخ مفید، ارشاد، مؤسسه آل‌البیت، ج ۲، ص ۶۷.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۸۳.

۵. همان، ص ۱۸۶.



و نیز فرمودند:

«سیدالشهدا شهید شد، با همه‌ی اصحاب و عشیره، لکن مکتب جلو رفت؛ شهادت او مکتب را جلو برد.»<sup>۱</sup>  
و حال که هدف از مبارزه و قیام در مکتب حسینی و انقلاب خمینی، ادای تکلیف و عمل به وظیفه‌ی دینی است، در این صورت رزمندگان هم به محاسبه‌ی پیروزی با ابزارهای متداول اعتنایی نمی‌کنند.

#### ۱۴. فداکاری

امام حسین علیه السلام نماد برجسته‌ی فداکاری در راه حفظ اسلام هستند، و با ایثار خود پایه‌های سلطنت بنی‌امیه را متزلزل ساختند. امام خمینی نیز معتقد بودند که حفظ اسلام نیازمند فداکاری است. واقعیت این است که از دیدگاه امام، اسلام دارای چند دسته دشمن بزرگ است، که در یک طرف آن امریکا و در دیگر سوی آن، متحجران و جاهلان متعصب قرار دارند که ظاهراً می‌خواهند اسلام را حفظ کنند، اما تیشه به ریشه‌ی دین می‌زنند. امام علیه السلام بر این باور بودند که حفظ اسلام در هر دو حیطة نیازمند فداکاری است:

«ما باید سعی کنیم حصارهای جهل و خرافه را شکسته، تا به سرچشمه‌ی زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله برسیم و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی‌های آن گردم.»<sup>۲</sup>  
و درباره جبهه‌ی دیگر رویارویی فرمودند:

«ما می‌خواهیم از زیر بار امریکا و انگلستان و روسیه بیرون

۱. همان، ج ۸، ص ۴۲.

۲. پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۶۶.

برویم؛ البته فداکاری می‌خواهد، جوان دادن می‌خواهد، حبس می‌خواهد، ده سال حبس می‌خواهد؛ لازم است این امور؛ همه چیز لازم دارد و ما اصلاً در این معنا ناراحت نیستیم.»<sup>۱</sup>

امام خمینی<sup>ره</sup> در راه دفاع از حریم دین، رنج زندان و پانزده سال تبعید و خطرات جانی را پذیرا شدند. مرحوم حجت الاسلام سید احمد خمینی<sup>ره</sup> خاطرات آن دوران را چنین تشریح می‌نماید:

«راهی بس دشوار و طولانی و توأم با هزاران هزار مشکل و سختی سپری شد، تا امام توانست پرچم سرخ مبارزه و قیام را در کوران حوادث حفظ کند و بر پهنه‌ی ایران اسلامی به اهتزاز درآورد. ایستادن و مقاومت کردن در برابر زورگویان و قلدوران و ستمگرانی چون رژیم شاه، قابل مقایسه با میدان مبارزه با ده‌ها جریان که به نام دین و اسلام به مخالفت با تفکر اسلام واقعی برخاسته بودند، نیست. در آن میدان، حداکثر حبس و شکنجه و تبعید بود و خونی که می‌بایست تقدیم راه‌آزادی کنی، اما در این میدان از آبرو مایه گذاشتن، خون دل خوردن و برای رضای خدا صبر و سکوت کردن می‌خواست، تا در مقابل سیل تهمت‌ها و زخم‌زبان‌ها بایستی، تا موفق شوی جمود و رکود و قشری‌نگری را در هم بشکنی و بار دیگر حوزه‌های علمیه را کانون جوشش اسلام راستین و بی‌پیرایه کنی و دوباره روحانیت متعهد را همچون همیشه‌ی تاریخ، پرچمدار قیام و انقلاب اسلامی سازی.»<sup>۲</sup>

۱. آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۳۱.

۲. پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۶۶.

امام راحل؛ همه‌ی این رنج‌ها، زخم زبان‌ها، تبعیدها، خطرهای و تهدیدها را به جان خریدند و با جان و مال و آبروی خود، در راه خدا و برای حفظ اسلام فداکاری کردند و در این راه، به جدّ گرامی خود، حسین بن علی علیه السلام اقتدا نمودند؛ همان طور که روش امام علیه السلام را به دیگران نیز توصیه نمودند:

حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد... کیفیت مبارزه را... کیفیت این که قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود باید چطور باشد؛ این‌ها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالی مقدار او هم فهماند که بعد از این که آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد.<sup>۱</sup>

امام راحل همچنین می‌فرماید:

«امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگران زمان به مسلمین حکومت جائرانه می‌کنند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد، به پا خیزید و استکبار کنید؛ اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید.»<sup>۲</sup>

### ۱۵. پرورش روحیه‌ی شهادت‌طلبی

بی‌شک آدمی را مرگی است و مرگ لباسی است که خواه ناخواه دیر یا زود، بر اندام انسان پوشانده خواهد شد و کسی را از آن گریزی نیست. چه

۱. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۵۵.

نیکوست لباس سرخ شهادت بر تن کردن که شهادت اوج فداکاری انسان به حساب می‌آید. مرگ، یک مشیت الهی ثابت است، ولی شهادت نعمت کمیابی است که به هر کسی داده نمی‌شود. خداوند منان در حق شهیدان می‌فرماید:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَمْوَاتٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>۱</sup>

به آن‌هایی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه آنان زندگانند، ولی شما نمی‌فهمید.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ هم در حق شهیدان می‌فرماید:

«قَالَ الَّذِي نَفْسُ يَدِهِ لَوْ كَانَ الْأَنْبِيَاءُ عَلَى طَرِيقِهِمْ لَتَرَجَّلُوا لَهُمْ مِمَّا يَرُونَ مِنْ بَهَائِهِمْ حَتَّى يَأْتُوا عَلَى مَوَائِدِ مِنَ الْجَوْهَرِ فَيَقْعُدُونَ عَلَيْهَا»<sup>۲</sup>

قسم به آن کسی که جانم به دست اوست، اگر پیامبران در سر راهشان (شهدا) باشند، از جای خویش (به احترام آن‌ها) برای آنچه که از عظمتشان می‌بینند، برمی‌خیزند، تا این که بر مائده‌هایی از گوهر می‌آیند، پس بر آن می‌نشینند.

توصیفی که حضرت امام علیه السلام - این سرمست از شراب طهور عاشورا و تجلی‌بخش آرمان والای کربلا - می‌کنند، در پیام ایشان به خانواده‌ی شهدا، اسرا، مفقودان، جانبازان و مجروحان جنگ تجلی می‌یابد؛ آن‌جا که می‌فرمایند:

«شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با

۱. بقره، ۱۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۳.

سنجش‌های بشری و انگیزه‌های عادی ارزیابی کرد و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد، که ارزش عظیم آن، معیارهای الهی و مقام والای این، دیدی ربوبی لازم دارد، و نه تنها دست ما خاک‌نشینان از آن و این کوتاه است، که افلاکیان نیز از راه یافتن به کُنه آن عاجزند؛ چه که آن‌ها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله‌ها دارند قلم این‌جا رسید و سر بشکست و ما بازماندگان و عقب افتادگان در آرزوی آن و این باید روزشماری کنیم و حسرت شهادت و شهید و شهیدپروران این چنانی را که با ایثار ثمره‌ی حیات خود، عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می‌کنند، به گور بریم و از شجاعت‌های بی‌نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب‌دیدگان و اشتیاق زایدالوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت، احساس خجلت و حقارت کنیم.

زنان و مردان و کودکان نمونه‌ای که در زیر بمباران‌ها و از بستر بیمارستان‌ها سرود شهادت سر می‌دهند و با دست و پای قطع شده، بازگشت به جبهه‌های انسان ساز را آرزو می‌کنند، فوق آنچه ما تصور می‌کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته‌ی تحریر در می‌آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می‌کنند، می‌باشند. آنچه آنان با قدم‌های علمی و استدلالی و عرفانی یافته‌اند، اینان با قدم عین به آن رسیده‌اند و آنچه آنان در لابه‌لای کتاب‌ها و صحیفه‌ها جستجو کرده‌اند، اینان

در میدان خون و شهادت در راه حق یافته‌اند.»<sup>۱</sup>  
حضرت امام، عاشورای حسینی را سرلوحه‌ی مبارزات آزادگان دانسته، می‌فرماید:

«عاشورا قیام عدالت خواهان - با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ - در مقابل ستمگران کاخ‌نشین، متکبران غارتگر بوده و دستور آن است که این برنامه سرلوحه‌ی زندگی هر روز و در هر سرزمین باشد.»<sup>۲</sup>

همچنین فرمودند:

«حضرت سیدالشهدا علیه السلام به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم و در مقابل حکومت جائز چه باید کرد.»<sup>۳</sup>  
یکی از ارزش‌های اساسی مکتب اسلام که باعث پویایی و حیات آن در طول چهارده قرن شده، عنصر شهادت‌طلبی است. احیای فرهنگ شهادت در جریان خیزش عظیم اسلامی، نقش مؤثری در پیروزی انقلاب و تداوم حاکمیت اسلامی و ارزش‌های والا و الهی این انقلاب داشته است. این فرهنگ در پی پیروزی انقلاب اسلامی و دریافت پیام ملکوتی آن توسط مسلمانان جهان، موج جدیدی از خیزش‌های اسلامی را در جهان اسلام برپا نموده است. پیام نهضت امام حسین علیه السلام، آمادگی برای فدا کردن هستی در راه اعتلای مکتب و عدم تسلیم در برابر ظلم و طاغوت، برای حفظ و اعتلای مکتب بود. تأثیر قیام حسینی و حماسه‌ی سرور آزادگان جهان حسین بن علی علیه السلام بر انقلاب اسلامی ایران، در کلام اندیشمندان و

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۱۱۹.

۲. همان، ج ۹، ص ۵۹.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۵۸.

نویسندگان غیر مسلمان نیز انعکاس یافته است. کلر بریر در این زمینه می‌نویسد:

«در ایران اغلب از حسین نام برده می‌شود. حسین کیست؟ یک تظاهر کننده، یک شاهد، یک شهید که با رنج خود علیه بدی تظاهر می‌کند و از این رو مرگ او افتخار آمیزتر از زندگی کسی است که بر او غلبه کرده است. افرادی هم که دست خالی تظاهرات می‌کردند، شاهد الهی بودند. آن‌ها از جنایات شاه، ساواک، شقاوت رژیم که آن‌ها دیگر نمی‌خواستند، از نوعی بدی که رژیم به آن تجسم می‌بخشید، شهادت می‌دادند.»<sup>۱</sup>

هموطن دیگر و همکارش «پیر بلانشر» نیز این گونه متعجبانه ادامه می‌دهد:

«وقتی از حسین حرف زده می‌شود، من برای خود مسأله‌ای طرح می‌کنم؛ حسین یک شهید بوده، او کشته شده است. مردم به نحوی خستگی‌ناپذیر فریاد زده‌اند: شهید، شهید و شاه را به عزیمت وا داشته‌اند. این امر باور نکردنی است و تاکنون دیده نشده است.»<sup>۲</sup>

احیای فرهنگ شهادت‌طلبی در این دیار، مرهون رهبری بود که ندای الهی‌اش، مردم این مرز و بوم را به احیای سنن، احکام و ارزش‌های اسلامی فراخواند و فلسفه‌ی شهادت را در گوش جان مردم ایران طنین افکند. بی‌گمان نهضت امام خمینی رحمه‌الله ادامه‌ی نهضت حسینی بود.

۱. کلر بریر و پیر بلانشر، ایران: انقلاب به نام خدا، ص ۲۵۹.

۲. همان.

اگر حماسه‌ی حسینی و قیام عاشورای سال ۶۱ هجری را، مکتب مبارزه و فضیلت، و مدرسه‌ی عشق و ایثار و انسان‌سازی بدانیم، دقیقاً نهضت عاشورایی حضرت امام خمینی ره را نیز همین‌سان خواهیم یافت؛ زیرا که این دو، دو مرحله از یک حماسه و دو جلوه از یک حقیقت‌اند. شجره‌ی طیبه‌ای که در سال ۶۱ هجری با خون مطهر حضرت اباعبدالله علیه السلام آبیاری شد، پس از گذشت چهارده قرن، با تعالیم عاشورایی فرزند خلف او امام خمینی ره و با ایثار و شهادت در این مرز و بوم به ثمر نشست، و جمهوری اسلامی امروز ما شاخساری بلند از آن درخت مبارک است و باید در حفظ و حراست آن کوشا بود؛ همان‌طور که حضرت امام ره تأکید می‌نمایند:

«امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرد؛ شما هم به

تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید.»<sup>۱</sup>

و در سخنی دیگر فرمودند:

«برای همه تکلیف است که این جمهوری اسلامی را تا آخر

حفظ کنیم.»<sup>۲</sup>

حضرت امام خط سیر مکتب تشیع را برای همیشه‌ی تاریخ، چنین به

تصویر می‌کشند:

«امام حسین علیه السلام با عده‌ی کم، همه چیزش را فدای اسلام کرد،

مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و "نه" گفت. هر روز باید

در هر جا این "نه" محفوظ بماند.»<sup>۳</sup>

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۳۶.

۲. همان.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۳۱.



امام راحل این مسیر انقلابی را متصل به انقلاب مهدوی می‌دانستند و می‌فرمودند:

«واقعه‌ی عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۴۲ و از آن تا قیام عالمی بقیه‌الله ارواحنا لمقدمه الفداء در هر مقطعی انقلاب‌ساز است.»<sup>۱</sup>

حضرت امام<sup>علیه السلام</sup>، قیام سیدالشهدا<sup>علیه السلام</sup> را یک اسوه‌ی تمام عیار دانسته، می‌فرمایند:

«مگر نه آن است که دستور آموزنده‌ی "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" باید سرمشق امت اسلامی باشد؛ قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین.»<sup>۲</sup>

همچنین می‌فرمایند:

«آن‌جا که باید قیام بکند و خونس را بدهد، تا این که این ملت را اصلاح کند، تا این که این عَلم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد، خونس را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه‌ی چیزهای خودش را داد برای اسلام.»<sup>۳</sup>

در بیاناتی دیگر فرمودند:

«حضرت سیدالشهدا<sup>علیه السلام</sup> به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد. با این که از اوّل می‌دانست که در این راه که می‌رود، راهی است

۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

۲. همان، ج ۹، ص ۵۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۰۸.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۹۵

که باید همه‌ی اصحاب خودش و خانواده‌ی خودش را فدا کند.»<sup>۱</sup>

«حضرت سیدالشهدا علیه السلام وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند.»<sup>۲</sup>

## ۱۶. آزادی و جوانمردی

امام حسین علیه السلام در قیام خونین عاشورا برای آزادی مبارزه می‌کردند، و از آغاز حرکت تا روز عاشورا، همه جا روح آزادی را تقویت می‌نمودند و در حساس‌ترین لحظات، آنان را در انتخاب آزاد گذاشته، فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَضِيرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَطَعَنَ الْأَسِنَّةَ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَالْأَقْلَيْنَصْرِفُ عَنَّا.»<sup>۳</sup>

ای مردم! هر کدام از شما که می‌تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه‌ها صبر کند، با ما قیام کند، وگرنه از میان ما بیرون رود و خود را نجات دهد.»

وقتی مسلم بن عقیل در کوفه به شهادت رسید، امام خطاب به فرزندان عقیل فرمودند:

«يَا بَنِي عَقِيلٍ حَسْبُكُمْ مِنَ الْقَتْلِ بِمُسْلِمٍ فَأَذْهَبُوا أَنْتُمْ فَقَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ.»<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۴، ص ۱۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳. دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۴.

۴. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۳۱.

ای فرزندان عقیل! شهادت مسلم، خانواده‌ی شما را کافی است. من شما را رخصت می‌دهم که به سوی خانه‌های خود بروید.

اما فرزندان عقیل به پا خاستند و گفتند:

«یا ابا عبدالله علیه السلام! تو را رها کنیم و به کجا برویم؟ مردم چه خواهند گفت؟ و ما در جواب مردم چه بگوییم؟ به مردم بگوییم که: امام و رهبر بزرگ خود را در میان دشمنان تنها گذاشتیم و با تیری یا شمشیری از او دفاع نکردیم؟ سوگند به خدا چنین نخواهیم کرد، بلکه جان و زن و فرزندان خود را فدای تو می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

در روز عاشورا هنگام به میدان رفتن هلال بن نافع، همسر جوانش لباس او را گرفت و گفت: پس از تو به کجا روم؟ به چه کسی تکیه کنم؟ آن گاه به شدت گریست. وقتی که امام حسین علیه السلام متوجه شدند، با همان روح آزادی خطاب به هلال فرمودند:

«يَا نَافِعُ إِنَّ أَهْلَكَ لَا يُطِيبُ لَهَا فِرَاقَكَ فَلَوْ رَأَيْتَ أَنْ تَخْتَارَ سَرُورَهَا عَلَى الْبَرَاءِ.»<sup>۲</sup>

ای پسر نافع! همانا همسرت جدایی تو را نمی‌پسندد؛ تو آزادی تا خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری.

هلال بن نافع گفت: ای پسر رسول خدا! اگر امروز تو را یاری نکنم، فردای قیامت جواب پیامبر صلی الله علیه و آله را چه بدهم؟ آن گاه به میدان جنگ رفت و

۱. دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۴۸.

مبارزه کرد تا شهید شد.<sup>۱</sup>

در شب عاشورا امام حسین (ع) در جمع یاران خود فرمودند:

«ای یاران! من فردا کشته می‌شوم و شما همه با من کشته

می‌شوید و فردی از شما باقی نخواهد ماند.»

وقتی یاران امام خبر شهادت خود را شنیدند، همگی گفتند:

«سپاس خدا را که ما را در یاری دادن به شما کرامت بخشید

و با کشته شدن در راه شما شرافت عطا فرمود.»<sup>۲</sup>

قیام امام حسین (ع) تجلی فتوت بود. فتوت، آن مفهوم فراگیری است که

می‌تواند تمامی عملکردها و رزم و زهد و ایثار و عفو و خشم امام و همه‌ی

زندگی او با حوادث متنوع و رنگارنگ آن و نحوه‌ی برخورد امام را با

همه‌ی حوادث توضیح دهد. فتوت به معنای آزادگی، وارستگی،

جوانمردی، حریت، از خود گذشتگی، دلیری، بخشندگی، مرّت، مردی و

مردانگی، بی‌تعلقی و صفا و پاکیزگی نفس آمده است.

در قیام امام حسین (ع)، هم حماسه و جنگ و نبرد هست و هم عزّت

نفس و بزرگواری و آزادگی و عفو و گذشت؛ هم دعوت هست و هم تبلیغ

دین و روشننگری و هدایت انسان‌ها و هم ستم‌سوزی و قهرمانی و

غیرتمندی و پولادمنشی. امام حسین (ع) به معنای واقعی کلمه یک جوانمرد

است. در میدان کارزار و کشاکش نبرد، از عبادت و ذکر و نماز باز نمی‌ماند،

و پیکارجویی و هم‌واردخواهی و موج خشم و خون او را از اندیشه و

پاسداری ارزش‌ها و فضیلت خارج نمی‌سازد. در تمام رفتار امام (ع) فتوت،

و در کلام آن حضرت، شرف و عزّت و غیرت و آزادگی موج می‌زند. توبه‌ی

۱. همان.

۲. همان، صص ۴۹ - ۵۰.

حر را می‌پذیرند و از خطای او درمی‌گذرند. در واپسین لحظات کارزار، یاران را به صبر و مقاومت دعوت نموده، آخرین سخنان حضرت، صبر کردن بر بلا و تسلیم و رضاست.

امام خمینی نیز بهره‌ای فراوان از عزّت و غیرت و فتوت حسینی داشتند و عمری را در نبرد علیه کفرکیشان و جهان‌خواران و ستمگران سپری نمودند، امّا دمی از عبادت و معنویت و خلوت با معبود غفلت نکردند. ایشان هیچ‌گاه تن به تسلیم و سازش نداده، الگویی از مردانگی و آزادگی و فتوت و شرف از خود بر جای گذاشته، به نسل‌های آینده آموختند که آزاده باشند و ستم‌ستیزی پیشه کنند و هیچ‌گاه تن به ذلّت نسپارند.

#### ۱۷. عدالت‌خواهی امام حسین (ع) و پیروان راستینش

رهبر قیام عاشورا صراحتاً راه را روشن کرده، حق را در رابطه با پیشوایان نور مشخص می‌نماید. حضرت در نامه‌ای به مردم کوفه مرقوم می‌فرماید:

«فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

به جان خود قسم می‌خورم که امام و پیشوا نیست؛ مگر کسی که مطابق کتاب خدا قضاوت کند، به عدل و داد قیام نماید، متدین به دین حق باشد، خویشتن را برای خدا به دین و عدالت مقید سازد.

امام حسین (ع) در یک سخنرانی در منزل بیضه، در برابر «حر» و سپاهیان‌ش هم فرمودند:

«بعد الحمد والثناء أيها الناس إنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قال: من رأى سلطاناً

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۹.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۹۹

جائراً مُسْتَحِلّاً لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثاً لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفاً لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ،  
يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ  
حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخِلَهُ...»<sup>۱</sup>

پس از حمد و ثنای الهی؛ ای مردم! رسول خدا ﷺ فرمودند:  
اگر کسی حاکم زورگویی را ببیند که حلال خدا را حرام  
می‌کند، عهد و پیمان الهی را می‌شکند، با سنت رسول خدا  
مخالف است و با بندگان خدا به ستم و بیدادگری رفتار  
می‌کند، اما با گفتار و کردار در برابرش نایستد و او را از  
روش خطا باز ندارد، بر خداست که این فرد (سازشکار) را  
با همان سلطان ستمکار محسور کند.

همین عدالت‌خواهی و آزادگی است که رهبر قیام عاشورا را تا قیامت  
زنده نگاه می‌دارد و تعالیم حیات‌بخش عاشورا را جاودانه می‌سازد. امام  
خمینی ره نیز با تأکید روی عدالت و مردم‌دوستی سیدالشهدا، می‌فرماید:  
«برای این بود شهادتش، برای این بود که اقامه بشود عدل  
الهی، اقامه بشود خانه‌ی خدا و...»<sup>۲</sup>

و در جای دیگر اشاره دارند:

«زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب زه، زندگی  
همه‌ی انبیا از اول، از آدم تا حالا، همه‌شان این معنی بوده  
است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند  
درست کنند.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۵۹۶.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ص ۱۴۵.

۳. همان، ص ۱۹۱.

«سیدالشهدا علیه السلام از همان روز اول که قیام کردند برای این امر،

انگیزه‌شان اقامه‌ی عدل بود.»<sup>۱</sup>

حضرت امام خمینی علیه السلام بارها و بارها هدف از نهضت و انقلاب اسلامی را اقامه قسط و عدل بر شمردند و همگان را برای این مهم فرا خواندند.<sup>۲</sup> جالب این‌جاست که خود امام حسین علیه السلام هم در نوشته‌ها و سخنرانی‌های مختلف خود، یکی از مهم‌ترین علل قیام خویش را مبارزه برای عدالت و رفع تبعیض عنوان می‌کنند و از جمله در پاسخ همه‌ی کسانی که می‌خواستند مانع حرکت ایشان شوند، فرمودند:

«خداوند با کسی که برای عدالت کار می‌کند، دشمن

نیست.»<sup>۳</sup>

#### ۱۸. قاطعیت و صلابت در عمل

وقتی امام حسین علیه السلام حرکت خود را به سوی عراق اعلام کردند، عده‌ای برای خیرخواهی به حضرت پیشنهاد کردند که از رفتن به کوفه خودداری کنند که آنان مردمی پیمان‌شکن و بی‌وفا هستند؛ از جمله‌ی آنان عبدالله بن عباس بود. امام علیه السلام در پاسخ او می‌فرمایند:

«ای پسرعمو! به خدا سوگند می‌دانم که تو از راه

خیرخواهی و مهربانی و شفقت این پیشنهاد را می‌کنی، ولی

من تصمیم گرفته‌ام که به سوی عراق حرکت کنم.»<sup>۴</sup>

پیش از حرکت، وقتی که امام علیه السلام در منزل «زباله» خبر شهادت مسلم بن

۱. همان، ص ۱۸۹.

۲. نک: صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۹ و ۲۰.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۶۲.

۴. کامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۷۶.

عقیل را شنیدند، بعضی‌ها فکر کردند شاید حضرت از حرکت خویش منصرف شوند، اما امام حسین علیه السلام فرمودند:

«خبر بس تأثرانگیزی به ما رسیده و آن کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله یقطر است و شیعیان ما دست از یاری ما برداشته‌اند و اینک هر یک از شما که بخواهد، در برگشتن آزاد است و از سوی ما حقی بر گردنش نیست.»<sup>۱</sup>

هنگامی که به حضور امام رسیدند و به ایشان پیشنهاد کردند که اگر با یزید بیعت کنی، این خطر برطرف خواهد شد و شما از کشته شدن مصون خواهید ماند، امام در پاسخ فرمودند:

«به خدا قسم که من هیچ گاه زیر بار ذلت نخواهم رفت.»<sup>۲</sup>

ملت ایران همین نوع از قاطعیت و صلابت را در سیره‌ی امام خمینی علیه السلام نیز دیده‌اند. هنگامی که شاه گفت اشتباه کرده‌ام، به ظاهر خیرخواهان و دوران‌پیشان که خواهان ماندن شاه بودند، پیشنهاد می‌کردند که شاه سلطنت کند و حکومت نکند، اما حضرت امام علیه السلام با صراحت فرمودند:

«شاه باید برود و این که شاه سلطنت کند نه حکومت، خیانت است به ملت. آیا هیچ آدم با وجدانی، هیچ انسانی می‌تواند یک همچو حکمی بکند که یک نفر آدم جانی که بیست و چند سال بر این ملت حکومت باطل کرده، حالا تا گفت که خوب من اشتباه کردم، ببخشید... این اقرار به جرم است که در محاکمه با این اقرار به جرم، این را محکومش می‌کنند.»<sup>۳</sup>

۱. ارشاد مفید، ص ۲۲۳.

۲. لاهوت، ص ۲۳.

۳. کوثر، ج ۲، ص ۱۸۲.



وقتی امام خمینی رحمه الله تصمیم گرفتند از پاریس به ایران بیایند، تمام به اصطلاح خیراندیشان خواستند ایشان را منصرف کنند، ولی حضرت امام در مصاحبه‌ای فرمودند:

«من از همه‌ی ملت ایران تشکر می‌کنم و در اول فرصت پیش مردم ایران خواهم رفت، تا با آن‌ها یا کشته شوم یا حقوق ملت را بگیرم و به ملت برگردانم.»<sup>۱</sup>  
همچنین می‌فرماید:

«کسی که برای خدا کار می‌کند، شکست در آن نیست؛ ولو کشته بشویم، شکست نداریم.»<sup>۲</sup>  
امام خمینی رحمه الله با کوچک‌نمایی بحران، در واقع ترس مردم را می‌ریزند و این مسأله را در موارد دیگری نیز تکرار می‌نمایند:  
«من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسأله‌ای که پیش می‌آید، قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باکی نداشته باشند. ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم، این که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست.»<sup>۳</sup>

امام راحل در طول دفاع مقدس، بسیاری از یاران و سربازان عزیز خود را که همه‌ی آنان را چون فرزندان خویش می‌دانستند، تقدیم خدا کردند و در برابر زخم زبان‌های دشمنان آگاه و دوستان نادان مقاومت نمودند، از بمباران‌ها و موشک‌باران‌های دشمن هرگز نترسیدند

۱. همان، ص ۶۲۸.

۲. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، ص ۵۳.

۳. صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۹۶.

و با آن که دشمن قصد جدی داشت که جماران را هدف حملات خود قرار دهد، هرگز حاضر نشدند از پناهگاه استفاده کنند؛ چرا که اعتقاد داشتند تا زمانی که همه‌ی مردم نمی‌توانند از پناهگاه استفاده کنند، من نباید چنین کنم. گاهی اوقات نیز استدلال می‌کردند که هیچ فرقی بین من و آن پاسداری که الان سر کوچه در پست خود نگهبانی می‌دهد، نیست.<sup>۱</sup>

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پس از ایجاد آمادگی‌های لازم، برای حل یک وضعیت بحرانی اقدام می‌کردند و در این راه، اهمیت زیادی برای بسیج مردم قایل بودند و از عنصر آگاهی دادن به مردم نسبت به مسایل سیاسی - اجتماعی و واقعیت‌های دینی، مانند تحلیل صحیح علل و انگیزه‌های قیام اباعبدالله الحسین (ع) بر ضد یزید و یزیدیان به خوبی استفاده می‌کردند.

امام حسین (ع) به دلیل ایمانی که به هدف خود داشتند، با قاطعیت ادامه‌ی مسیر می‌دادند. دوستان آن حضرت بارها پیشنهاد دادند که از رفتن به کربلا منصرف شوند، ولی امام با قاطعیت همه‌ی آن‌ها را رد کردند.

حضرت امام خمینی هم بارها با قاطعیت اعلام داشتند که در جنگ تحمیلی، تا عقب‌نشینی کامل دشمنان، یک لحظه از پای نخواهند نشست. از این رو فرمودند:

«باید با قدرت پیش برویم و با قدرت با همه‌ی کسانی که به ما می‌خواهند تجاوز و تعدی کنند، مبارزه کنیم و زندگی

آبرومند نداشتن و زندگی زیر بار بودن، هزار مرتبه از این که انسان بمیرد، مردن بر او شرف دارد.<sup>۱</sup>

حضرت امام هرگونه مسامحه و سازش را مغایر اسلام دانسته، اعلام داشتند:

«کمربندها را محکم کنید. ای آزادگان و احرار! به پا خیزید؛ قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خرد کنند، که حتی آخ هم نگویند.»<sup>۲</sup>

البته ناگفته نماند که حضرت امام پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ را نیز در راستای تکلیف‌گرایی می‌دیدند، به این لحاظ فرمودند:

«من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه‌ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم، ولی مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن قطعنامه می‌بینم.»<sup>۳</sup>

#### ۱.۹. صبر و استقامت

یکی دیگر از مواردی که امام حسین علیه السلام با الهام از کلام الهی روی آن تأکید می‌ورزند، صبر و بردباری و استقامت است. حضرت پس از به جا آوردن نماز صبح، به یاران خود فرمودند:

«خداوند به کشته شدن شما و کشته شدن من در این روز اذن داده و بر شماست که صبر و شکیبایی در پیش گیرید و با

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، صص ۲۰-۲۱.

۲. گذر از بحران ۶۷، تحلیل سیاسی هشتمین سال جنگ، تهران، سپاه پاسداران، ۱۳۶۸، ص ۱۱۷.

۳. صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۲۴۱.

دشمن بجنگید.»<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا و در لحظه‌های حساس، هنگامی که چند تن از نوجوانان هاشمی و آل ابوطالب مانند محمد و عون - فرزندان عبدالله بن جعفر - و محمد بن مسلم، دسته جمعی به سوی دشمن حمله‌ور بودند، فرمودند:

«عموزادگان و خاندان من! در مقابل مرگ صبر و استقامت به خرج دهید که به خدا سوگند، پس از امروز روی ذلت و خواری نخواهید دید.»<sup>۲</sup>

امام خمینی نیز در تمام مراحل انقلاب، به پیروی از مقتدای خود، راه صبر و استقامت در پیش گرفتند. ایشان در فروردین سال ۱۳۴۲ در مورد وظایف عمومی مسلمین برای صیانت از اسلام فرمودند:

«شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایع صبر و استقامت کردند. آنچه امروز می‌بینیم، نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما حوادثی چون عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشتند و در راه دین خدا چنان مصائبی را تحمل کردند. عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر علیه السلام و امام حسین علیه السلام را دارند، در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت‌آمیز دستگاه حاکمه خود را بازند.»<sup>۳</sup>

حضرت امام در سخنی دیگر می‌فرمایند:

۱. کامل الزیارات، ص ۳۷.

۲. تاریخ طبری، قاهره، مطبعة الحسینیة، ۱۳۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۵۸.

۳. صحیفه‌ی نور، ج ۱، ص ۳۸.

«ما باید روی آن فداکاری‌ها حساب کنیم که سیدالشهدا چه کرد و چه بساط ظلمی را بر هم زد و ما هم چه کرده‌ایم؟ مگر خون ما رنگین‌تر از خون سیدالشهدا است؟ ما چرا بترسیم از این که خون بدهیم، یا این که جان بدهیم؟ دستور است این. دستور عمل امام حسین علیه السلام، دستور است برای همه. "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" دستور است به این که هر روز و در هر جا باید همان نهضت را با استقامت ادامه دهید.»<sup>۱</sup>

مقاومت و صبر از امور مهمی است که توجه هر اندیشمندی را به خود جلب می‌کند. یاران امام حسین علیه السلام با وجود نابرابری دو جبهه از نظر نیروها، تشنگی و مشکلات فراوان، چنان مخلصانه در کنار امام خود ماندند و جانفشانی کردند که مثال زدنی است. آن‌ها به خود اجازه ندادند که حضرت را تنها بگذارند. حضرت عباس علیه السلام به پا خاست و دیگر بستگان آن حضرت متابعت کرده، همه گفتند: هرگز تو را تنها نمی‌گذاریم. در آن میان، کسی آمد و به یکی از یاران امام علیه السلام به نام محمد بن بشیر حضرمی گفت: فرزند تو را در یکی از سرحدات اسیر کرده‌اند. این خبر که به امام حسین علیه السلام رسید، به او فرمودند: «بیعت خود را از تو برداشتم؛ برو و برای رهایی فرزندات تلاش کن.» محمد بن بشیر به امام علیه السلام عرض کرد: درندگان بیابان مرا زنده بخورند، اگر دست از شما بردارم و شما را تنها بگذارم. امام او را دعای خیر کردند.<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. اللهوف، ص ۳۹.

نقل شده است که سعید بن عبدالله حنفی که برابر امام ایستاد تا آن حضرت و اصحابش نماز بگزارند، چون آن حضرت از نماز فارغ شدند، او در اثر کثرت جراحات به زمین افتاد و در آن لحظات پایانی عمر، رو به سوی امام کرد و گفت: «اوفیت»؛ وفا کردم؟ امام در پاسخ او فرمودند:

«نعم، انت امامی فی الجنة»<sup>۱</sup>

بله، تو پیش‌تر از ما در بهشت خواهی بود.

این‌ها همه حکایت از اعتقاد و ایمان قوی و اخلاص فراوان امام شهیدان و یاران و فرزندان باوفای آن حضرت دارد. عمل مخلصانه آنان، اکسیری از حیات و پویایی و ماندگاری برای همیشه‌ی تاریخ است.

امام خمینی هم به پیروان خود می‌آموختند که برای نیل به اهداف بلند، باید شداید و سختی‌ها را تحمل نمود؛ همان‌طور که پیام‌آوران کربلا نیز این راه صعب و دشوار را پیمودند. معظم‌له فرمودند:

«هر مقدار که مقصود و ایده‌ی انسان عظمت داشته باشد به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند. حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد. این‌ها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالی‌مقدار او هم فهماند که بعد از این که آن مصیبت واقع شد، چه باید کرد. باید تسلیم شد؟ [نه] باید همان‌طوری که زینب علیها السلام در دنباله‌ی آن

مصیبت بزرگی که (اصغر عنده المصائب؛ مصیبت‌ها در برابر آن کوچک‌اند) ایستاد و در مقابل کفر و زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین علیه السلام با آن حال نگاهت، آن طوری که شایسته است، تبلیغ کرد [اما نیز تسلیم نباشیم و ایستادگی کنیم].<sup>۱</sup>

## ۲۰. نماز اوّل وقت

امام حسین علیه السلام به نماز اوّل وقت بسیار اهمیت می‌دادند؛ حتی در ظهر عاشورا در گرما گرم کارزار، نماز اوّل وقت ایشان ترک نشد. امام خمینی نیز بسیار به نماز اوّل وقت مقید بودند و آن را به دیگران هم سفارش می‌کردند. این اعتقاد امام علیه السلام بود که:

«همین که شما می‌گویید اوّل این کار را بکنم، بعد نماز بخوانم، این خلاف است؟ نگویید این حرف را، به نمازتان اهمیت دهید؛ اوّل نماز.»<sup>۲</sup>

امام راحل علیه السلام به قدری به نماز اهمیت می‌دادند که تا قبل از چهل سالگی دو کتاب سرّ الصلوة و آداب الصلوة را درباره‌ی نماز نوشتند. تقید امام به نماز اوّل وقت تنها مربوط به سنین کهولت ایشان نبود، بلکه از سنین جوانی و نوجوانی به نماز اول وقت مقید بودند. آقای دکتر محمود بروجردی - داماد امام - می‌گوید:

«حضرت امام چند ماه قبل از ارتحالشان به خانواده‌ی ایشان فرموده‌اند: ممکن است شما فرصت این را نداشته

۱. قیام عاشورا، صص ۵۸-۵۹.

۲. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۱۸.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۱۰۹

باشید که در آن لحظه‌ی اول وقت نماز بخوانید، یا وضعی داشته باشید که اول وقت نتوانید به نماز بایستید، اما همین که دلتان برای نماز اول وقت تپید، ثواب آن نصیبتان می‌شود.»<sup>۱</sup>

حقیقت این است که دقت امام در مراعات اول وقت نماز، برای هر کس قابل درک نیست. خانم دباغ که از همراهان امام در نوفل لوشاتو بود، می‌گوید:

«دقت امام در خصوص نماز و حق نماز، آن قدر چشمگیر بود که پلیس‌های فرانسه از روی رفت و آمد ایشان ساعتشان را میزان می‌کردند.»<sup>۲</sup>

امام راحل همواره خود را شاگرد مکتب عاشورا می‌دانستند و عاشق معلمی بودند که:

«در همان ظهر عاشورا که جنگ بود... ایستاد در همان جا نماز خواند.»<sup>۳</sup>

## ۲۱. عزت‌آفرینی

امامان شیعه در کردار و گفتار برای مردم اسوه و نمونه‌اند. شعار «کُلُّ یوم عاشورا و کُلُّ ارض کربلا» به این معناست که نبرد حق و باطل، امری واقعی است و سلطه‌گران به دلیل فسادآور بودن قدرت، نمی‌توانند ندای ستم‌دیدگان را بشنوند. قیام عاشورا به منظور دفاع از یکتاپرستی، رفع ستم

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۳۲۲.

۳. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، ص ۴۵.



و احیای ارزش‌های دینی و اسلامی به وقوع پیوست. اصولاً هدف مشترک قیام‌های انبیا و معصومان علیهم‌السلام، تقویت و حفظ کلمه‌ی توحید، احیای ارزش‌های الهی و انسانی، تعالی بشر و اقامه‌ی عدل و قسط در جامعه است.

مرگ جوانمردانه و با عزت همچون حیات، و زندگی ذلت‌بار چون مرگ و فنا است. نهضت حسینی سرمشقی روشن است برای همه‌ی آنان که درس عزّت و سربلندی می‌جویند. آن حضرت در اوج حماسه‌ی خود، آن‌گاه که وارد میدان رزم شدند تا آن زمان که به شهادت رسیدند، شعارشان این بود:

«الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ»<sup>۱</sup>  
مرگ از پذیرش ننگ بهتر، و ننگ از ورود در آتش سزاوارتر است.

امام علیه‌السلام به ما می‌آموزند که در برابر غیر خدا عزیز و در پیشگاه الهی متواضع باشید. از این رو، مرگ را به تسلیم باطل شدن ترجیح داده، دشمنان را دعوت می‌کنند تا در برابر حق تسلیم شوند و خود را از آتش برهانند. حماسه‌ی حسینی، حماسه‌ی عزّت مؤمنان است. سعادت حقیقی در عزّت است. مؤمن ارجمند، وقتی به حق عمل نمی‌شود، دیدار پروردگارش را خواهان است و مانند اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، مرگ را جز خوشبختی و زندگی با ستمکاران را جز خواری، فرومایگی و بدبختی نمی‌بیند:

«فَأَنَّى لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا السَّعَادَةَ وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»<sup>۲</sup>

۱. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

۲. همان.

با این شعار، امام حسین علیه السلام راه و رسم خود را اعلام نمودند، تا همه‌ی آزادگان به او اقتدا کنند و جز در برابر خدا سر فرود نیاورند و زیر بار ذلت نرفته، و به گوش جان این ندای عزت آفرین را بشنوند که هیئات که ما زیر بار ذلت برویم.

«أَلَا وَانَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَنِي بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَهِيَّاتِ مَنْأِ  
الذَّلَّةِ يَا بِيَّ اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...»<sup>۱</sup>

آگاه باشید که آن فرزندخوانده‌ی پسر فرزندخوانده، مرا بین ذلت و شهادت قرار داده است. ذلت و خواری برای ما، رسول خدا و مؤمنان پاکدامن محال است.»

اگر از این منظر به نهضت حسینی بنگریم، بی‌تردید بهترین و والاترین تأثیر آن را بر انقلاب اسلامی ایران شاهد خواهیم بود. شهادت‌خواهی مردم در پیش و پس از انقلاب اسلامی، به پیروی از مشی سالار شهیدان بوده است. شعارهای توده‌ی مردم در جریان انقلاب و به ویژه به آغوش مرگ رفتن آنان در جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بیانگر تأثیر ژرف عاشورا بر فرهنگ اصیل آنان است. اوج راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردم و نقطه‌ی عطف بسیج مردمی و مبارزه بر ضد رژیم ستمشاهی، در دو روز تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ بود. همچنان که حضرت امام خمینی نیز نهضت عظیم خویش علیه رژیم را از روز دوازدهم ماه محرم آغاز کردند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«محرم، ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرد، و به اثبات رسیده است که در طول تاریخ،

۱. محدث قمی، نفس المهموم، ص ۱۴۹.

همیشه حق بر باطل پیروز شده است.»<sup>۱</sup>

براساس اصل عزّت و اقتدار است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی تعریف می‌شود. در سیاست خارجی، قاعده‌ی نفی سبیل کافران بر مسلمین است، که براساس آن، قوانین و شریعت اسلام هر گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را بسته است؛ به طوری که کفار در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند بر مسلمانان مسلط باشند و هرگونه اعمالی و رابطه‌ای که به تفوق کفار بر مسلمین بینجامد، حرام است. حضرت امام در این راستا می‌فرمایند:

«اگر در روابط اقتصادی و غیر آن بر قلمرو بلاد اسلام و مسلمین ترسی باشد، که بیگانگان بر آن تسلط سیاسی یا غیر آن - که موجب استعمار آنان یا استعمار بلادشان و لوازم حیث فرهنگی شود - پیدا کنند، بر همه‌ی مسلمین واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند و این گونه روابط حرام می‌باشد.»<sup>۲</sup>

امام راحل در فراز دیگری از فرمایش‌های خود درباره‌ی این موضوع می‌فرمایند:

«اگر روابط سیاسی دُول اسلامی با بیگانگان موجب استیلای آنان بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود، یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولت‌ها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند و پیمان‌هایشان باطل است و بر مسلمین واجب است

۱. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، ص ۴۸.

۲. ترجمه‌ی تحریر الوسیله‌ی امام خمینی، علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۳۲۹.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۱۱۳

آنها را ولو با مقاومت منفی، به ترک این گونه روابط ملزم نمایند.»<sup>۱</sup>

امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> بارها اعلام فرمودند که جمهوری اسلامی با هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری مخالف است و نه به کشوری ظلم می‌کند و نه اجازه می‌دهد کسی به او ظلم کند:

«اگر کشورها و دولت‌ها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آنها قبول نخواهیم کرد؛ نه ظلمی به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم.»<sup>۲</sup>

شعار نه شرقی و نه غربی، جلوه‌ای از همین اصل است که بر اساس آن، جمهوری اسلامی ایران برای خویش هویتی مستقل قایل است. حضرت امام از مسؤولان می‌خواهند:

«سیاست نه شرقی و نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و روابط خارجی حفظ کنند.»<sup>۳</sup>

در راستای عزت آفرینی تمام مسلمانان در هر نقطه از جهان اسلام، جمهوری اسلامی همواره حمایت خود را از نهضت‌های آزادی‌بخش اعلام کرده است و حضرت امام فرموده‌اند:

«برای من مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است، مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت گیرد، آن‌جا خواهم بود.»<sup>۴</sup>

همچنین فرمودند:

---

۱. همان.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۲۳۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۶۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۱.

«ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به خواست خدای تعالی بر دشمنان بشریت و اسلام پیروز خواهیم شد.»<sup>۱</sup>

از دیگر نمودهای عزت‌آفرینی، پیشگیری از مداخله‌ی بیگانگان در امور داخلی کشور است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به خوبی دریافته بودند که مداخله‌ی کشورهای خارجی در امور داخلی، نشانگر ضعف و وابستگی کشور بوده، با شعار استقلال و آزادی منافات کامل دارد:

«ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند.»<sup>۲</sup>

امام راحل، سیاست در روابط خارجی را براساس احترام متقابل می‌دانستند و در این مورد، فرقی بین ابرقدرت‌ها با سایر کشورها نمی‌نهادند:

«سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال و آزادی ملت و دولت و احترام متقابل بعد از استقلال تمام می‌باشد و فرقی بین ابرقدرت‌ها و غیر آن‌ها نیست.»<sup>۳</sup>

## ۲۲. الگوپذیری فرهنگی و اخلاقی از نهضت عاشورا

یادآوری و شرح زندگی اولیای الهی و بزرگداشت خاطره‌ی آنان، بی‌تردید از مصادیق بارز در زمینه‌ی تعظیم شعائر الهی است و گرامیداشت آنان

۱. خط امام، کلام امام، ج ۲، گروه تحقیق واحد فرهنگی جهاد سازندگی استان خوزستان، ص ۲۴۲.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳. آیین انقلاب اسلامی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، ص ۴۱۰.

موجب قوت قلب و طهارت جان است. نکو داشت نام بزرگانی چون شهیدان کربلا، جزو شعایر اسلامی است و به هر گونه و شکلی که بتوان آنان را به عنوان الگوهای برتر به جامعه معرفی کرد، کاری شایسته است. این کار می‌تواند با برگزاری مجالس، یا نگارش شرح حال و یا ساختن فیلم‌هایی منطبق با واقعیت‌ها باشد.

اساساً شناخت چهره‌های تابناک و انسان‌های پاک تاریخ، از چند جهت مفید و آموزنده است. از خواسته‌های جدی و نیازهای واقعی انسان از بُعد روحانی و روانی، حس الگوطلبی و اسوه‌خواهی است.

بشر همواره کوشیده است تا در زندگی خود، الگو و معیاری برگزیند، تا کردار و گفتارش را در همه‌ی شؤون و زمینه‌ها براساس آن تنظیم کند. بی‌توجهی به این کشش درونی و بی‌اعتنایی به این نیاز روحی و هدایت و کنترل نکردن این میل باطنی، و در نتیجه، ندادن پاسخ مثبت و مناسب و مقتضی به این خواسته، ممکن است باعث جایگزینی الگوهای ناشایست شود؛ زیرا در اثر عدم معرفی، آدمی ناگزیر است خود در صدد یافتن آن برآید، که در این صورت احتمال خطا فراوان است و احتمال دارد ناآگاهانه در جهت پیروی از کسانی حرکت کند که فاقد هرگونه صلاحیت و شایستگی باشند.

باید توجه داشت که نهضت عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام، از آغاز تا انجام، مجموعه‌ای از الگوهای ارزشمند در فضایل اخلاقی، عبادی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن است، که می‌تواند هر طالب فضیلتی را سیراب و خواهان هر اسوه و الگویی را کامیاب نماید. عاشورا، گلستانی از نیکان را دارد؛ به طوری که امام حسین علیه السلام در حق آنان می‌فرمایند:

«فَأَنّى لا أعلم اصحاباً أوفى ولا خيرٌ من اصحابى ولا اهل بيت ابرو  
لا اوصل من اهل بيتى، فجزاكم الله حقّ الجزاء...»<sup>۱</sup>  
من اصحابی را با وفاتر و بهتر از اصحاب خود و خاندانی را  
نیکوتر و بهتر از اهل بیت خود نمی دانم. خدا شما را جزای  
خیر عطا نماید.

بعضی از این اسوه‌ها عبارتند از:

۱. **الگوی وفاداری و فداکاری:** هر چند همه‌ی یاران امام حسین علیه السلام در اوج  
فداکاری بودند، اما در رأس همه‌ی آن‌ها حضرت ابوالفضل العباس است،  
که امام سجاده علیه السلام درباره ایشان فرمودند:

«رحم الله العباس فلقد آثر وابلى وفدى اخاه بنفسه حتى قطعت  
يداه...»<sup>۲</sup>

خدا، عمویم عباس را رحمت کند. جداً ایثار و جان‌بازی و  
برای برادرش فداکاری کرد، تا دو دستش جدا شد.

حضرت عباس در جایگاه علمداری سپاه اسلام، تا آخرین لحظه در  
کنار امام علیه السلام بود و با تمام توان از آن حضرت دفاع کرد. تجلی ایثار  
ابوالفضل علیه السلام در سمت سقایی، زمانی به اوج خود می‌رسد که آن آب‌آور  
نامدار، در دل امواج آب قرار می‌گیرد و در نهایت تشنگی خود، به یاد  
تشنگی برادرش آب نمی‌آشامد و چنین می‌گوید:

«والله لا اذوق الماء وسیدی الحسین عطشاناً.»<sup>۳</sup>

به خدا قسم آب نمی‌نوشم، در حالی که آقاایم حسین لب

۱. بلاغة الحسین، ص ۱۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

۳. سوگنامه‌ی آل محمد، ص ۳۰۴.

تشنه است.

۲. **الگوی کهنسالان:** کسانی در جبهه‌ی حق بودند که با کِهولت سن و سال‌خوردگی، چون جوانان شاداب و پرشور عمل کردند؛ کسانی همچون حبیب بن مظاهر، که علاوه بر این که خود در صحنه‌ی کربلا حاضر شد، بیش از ده نفر دیگر را نیز با خود به کربلا و به اردوگاه امام آورد؛ از جمله برادرش علی بن مظاهر، و پسر عمویش ربیعۀ بن خوط. جیب فرماندهی بخشی از جناح چپ امام را به عهده داشت، همچنین از قاریان و عاملان به قرآن بود و همگان به او احترام می‌گذاشتند. با شهادت حبیب، آثار اندوه در چهره‌ی امام ظاهر شد و فرمودند:

«عندالله احتسب نفسی و حماة اصحابی»<sup>۱</sup>

خودم و اصحاب با وفایم را به حساب خدا می‌گذارم.

۳. **الگوی توابین:** هر چند حر بن یزید ریاحی از ابتدا راه بر امام علیه السلام بست و بر او و خاندانش سخت گرفت، اما با لختی تفکر و تدبّر، به انقلابی شگرف دست یافت و مسیر شقاوت همیشگی را به سعادت ابدی مبدّل ساخت و آن گاه که به سوی جبهه‌ی نور آمد، به امام عرض کرد:

«من اول کسی بودم که بر شما خروج کردم؛ اجازه فرمایید

اول کسی باشم که در راه شما کشته شوم و با جدت مصافحه

کنم»<sup>۲</sup>

۴. **الگوی مدعوین مطیع:** امام از زهیر بن قین جهت یاری دعوت به عمل آورند و وی با پاسخ مثبت خود، در زمره‌ی سعادتمندان قرار گرفت؛ البته با کمک همسرش **دُلْهُم** که از مشوقان او برای انتخاب مسیر سعادت بود. زهیر

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۱۳.



در وفاداری به امام به چنان مقامی رسید که اباعبدالله الحسین علیه السلام او را به فرماندهی جناح راست مفتخر ساختند.

سخن امام علیه السلام بر بالین زهیر هم در واپسین لحظات حیات شنیدنی است:

«خداوند تو را در پیشگاه قرب خود جای دهد و قاتل تو را

به کفن مسخ شدگان لعنت کند.»<sup>۱</sup>

۵. الگوی رازداران: سفیران امام علیه السلام به تاریخ آموختند که در راستای

انجام وظایف سرّی، باید تا پای جان ایستاد و برای پنهان کاری و

جلوگیری از فاش شدن نام یاران امام حسین علیه السلام در کوفه، جان خود را در

طبق اخلاص گذاشت. قیس در قادسیه توسط مأموران ابن زیاد دستگیر

شد، اما برای حفظ اسرار، نامه را پاره کرد. در بازجویی از وی سؤال شد:

تو کیستی؟

گفت: مردی از شیعیان علی و فرزندانش.

ابن زیاد پرسید: چرا نامه را پاره کردی؟

گفت: برای این که تو از مطالب آن آگاه نشوی.

پرسید: نامه از چه کسی برای چه کسی بود؟

گفت: از امام حسین علیه السلام برای مردم کوفه.

ابن زیاد خشمگین شد و گفت: تو را رها نمی‌کنم، تا اسامی آنها را

بگویی، و یا به منبر بروی و بر علی و فرزندانش دشنام دهی، وگرنه تو را

قطعه قطعه می‌کنم.

قیس گفت: اسامی را نمی‌دانم، اما دشنام می‌دهم.

پس به منبر رفت و بعد از حمد و ثنای الهی، شروع به لعن و دشنام به ابن

زیاد و بنی امیه و سلام و صلوات بر علی و آل او نمود. بعد اضافه کرد که: ای

مردم! من پیک حسینم؛ به دعوتش پاسخ دهید.  
در این زمان، این زیاد دستور داد که وی را از بالای دارالاماره به پایین پرتاب کنند و بدین سان وی را به شهادت رساندند.<sup>۱</sup>  
برخورد و جمله‌ی امام علیه السلام پس از شنیدن خبر شهادت قیس نیز خود نشان از علاقه‌مندی حضرت به وی داشت. حضرت با شنیدن خبر گریستند و آیه‌ی «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»<sup>۲</sup> را تلاوت نمودند.

۶. **الگوی محبت و مودت:** در میان عاشقان به اباعبدالله الحسین علیه السلام، عباس حال و هوایی دیگر داشت. او خطاب به حضرت گفت:

«ای حسین! به خدا سوگند، هیچ کسی در روی زمین نزد من عزیزتر و محبوب‌تر از تو نیست و اگر ممکن بود به چیزی بهتر از جانم و خونم از تو دفاع کنم، چنین می‌کردم.»<sup>۳</sup>

۷. **الگوی نمازگزاران:** وقتی آن یار باوفای امام حسین، وقت نماز را دریافت، از امام خواست یک‌بار دیگر نماز را به امامت حضرت به جا آورند. در میان عاشوراییان، افراد کثیر الصلوة زیاد بودند و این ویژگی باعث رشادت و جانفشانی آنان شده بود. ابو ثمامه صیداوی به امام عرض کرد که وقت نماز است. امام فرمودند:

«ذَكَرْتُ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ.»<sup>۴</sup>

به یاد نماز هستی؛ خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد.

۸. **الگوی صبر و استقامت:** روی دیگر قیام عاشورا، رسالت فرهنگی

۱. همان، ج ۴۴، ص ۳۷۰.

۲. احزاب، ۲۳.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹.

۴. همان، ص ۲۱.

کاروان اسرا بود، که به زعامت امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> و بانوی بانوان حضرت زینب<sup>علیها السلام</sup> به انجام رسید. حضرت زینب با این که مادر شهید، خواهر شهید، عمه‌ی شهید و خاله‌ی شهید بود، اما با این همه تألم، به خوبی از عهده‌ی پیام‌رسانی برآمد و امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> لقب عالمه‌ی غیر معلمه و دانشمند مدرسه نرفته به او دادند. خطبه‌ی حضرت را در بلاغت همسنگ کلام پدر برشمرده‌اند و این همه در پرتو ایمان و اعتقاد راسخ دختر ولایت بوده است؛ دختری که با همه‌ی مصیبت‌ها و زحمت و مشقتی که بر وی وارد شد، نماز شبش را از یاد نبرد.

در انقلاب امام خمینی که تار و پود نهضت حسینی در تمام آن مشهود است، این الگوگیری به خوبی نمایان است. امام خمینی، قیام عاشورا را اسوه‌ی آزادگان می‌دانستند و می‌فرمودند:

«حضرت سیدالشهدا<sup>علیه السلام</sup> به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با این که از اول می‌دانست در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه‌ی اصحاب خودش و خانواده‌ی خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می‌دانست. علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عدد نترسید، عددکار پیش نمی‌برد؛ کیفیت اعداد، کیفیت جهاد اعداد مقابل اعداء، آن است که کار را پیش می‌برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ؛ و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز.»<sup>۱</sup>

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۱۲۱

حضرت امام<sup>ع</sup> به امت شهید پرور ایران الگوهای همیشه مانای عاشورا را متذکر می‌شدند که:

«سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را؛ فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت، ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین<sup>ع</sup> کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آن‌ها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور، نباید زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب<sup>ع</sup> ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچون تحقیری نشنیده بودند.»<sup>۱</sup>

حضرت امام<sup>ع</sup> با الگوگیری از نهضت عاشورا به مردم آموختند که در مقابل ظلم بایستند:

«در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا از همه‌ی خسارت‌ها بالاتر بود، ولی چون او می‌دانست که چه می‌کند و کجا می‌رود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاری‌ها حساب کنیم که سیدالشهدا چه کرد و چه بساط ظلمی را به هم زد و ما هم چه کرده‌ایم.»<sup>۲</sup>

امام راحل، انقلاب اسلامی را ادامه‌ی انقلاب حسینی می‌دانستند و

۱. همان، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۵۴.

می‌فرمودند:

«خاطره‌ی تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطره‌ی تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت، میوه‌ی شیرین سرنگونی کاخ‌های استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده‌ی "کُلْ یوم عاشورا و کُلْ ارض کربلا" باید سرمشق امت اسلامی باشد؛ قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین. عاشورا قیام عدالت‌خواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود، و دستور آن است که این برنامه سرلوحه‌ی زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد.

روزهایی که بر ما گذشت، عاشورای مکرر بود و میدان‌ها و خیابان‌ها و کوی و برزن‌هایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر، و این دستور آموزنده تکلیفی است و مژده‌ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگر چه با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است و مژده که شهادت رمز پیروزی است. ۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و بستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۱۲۳

با خون در هم کوبید؛ کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را  
فرو ریخت.»<sup>۱</sup>

حضرت امام جبهه‌ی جنگ را هم با استعانت از قیام عاشورا پرشور  
می‌دیدند و می‌فرمودند:

«الان هم می‌بینید که در جبهه‌ها وقتی که نشان می‌دهند  
آن‌ها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه‌ها را  
گرم نگه می‌دارند.»<sup>۲</sup>

## ۲۲. برپایی مجلس عزاداری و گریه بر امام حسین (ع)

ما برای شهیدی که از دستان می‌رود، علم به پا کرده، نوحه‌خوانی نموده،  
گریه سر داده، فریاد می‌زنیم، و همه‌ی این‌ها برای احیای مکتب سیدالشهدا  
است. حضرت امام می‌فرمایند:

«سیدالشهدا را این گریه‌ها حفظ کرده است. مکتبش را  
این مصیبت‌ها و داد و قال‌ها حفظ کرده. اگر فقط مقدسی  
بود و توی اتاق و توی خانه می‌نشست و برای خودش  
زیارت عاشورا می‌خواند و تسبیح می‌گرداند، نمانده  
بود چیزی... هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا  
پایش گریه‌کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد،  
حفظ نمی‌شود.»<sup>۳</sup>

همچنین فرمودند:

---

۱. همان، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. قیام عاشورا، ص ۱۲.

«روضه‌ی سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می‌گویند روضه‌ی سیدالشهدا را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه؛ نمی‌دانند که این گریه‌ها و این روضه‌ها حفظ کرده این مکتب را.»<sup>۱</sup>

و اساساً سرمنشأ انقلاب را به واسطه‌ی برپایی مجلس امام حسین علیه السلام می‌دیدند و می‌فرمودند:

«گمان نکنید اگر این مجالس عزان بود و اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه‌سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد.»<sup>۲</sup>  
و واپسین سخن و وصیت امام به مردم عاشق اهل بیت و امام حسین علیه السلام این بود که:

«عاشورا را زنده نگه دارید، که با نگه داشتن عاشورا، کشور شما آسیب نخواهد دید.»<sup>۳</sup>

امام راحل برای گریه کردن بر سالار شهیدان ارج والایی قایل بودند و آن را عامل بقای نهضت می‌دانستند:

«گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است. این که در روایت هست که کسی که گریه کند یا بگریاند یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است، این برای این است که حتی آنی که با صورت گریه‌دار خودش را چیز می‌کند، صورتش را یک حالت

۱. همان، ص ۷۶.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، ص ۲۰۹.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۵.

مروری بر شباهت‌های قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ایران ■ ۱۲۵

حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه‌دار به خودش می‌دهد، این نهضت را دارد حفظ می‌کند؛ این نهضت امام حسین علیه السلام را حفظ می‌کند. ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهدا گریه نکنیم، برای سیدالشهدا نفعی ندارد؛ برای ما نفع دارد. همین نفع دنیایی‌اش را حساب کنید، آخرتش سر جای خودش؛ همین نفع دنیایی‌اش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می‌کند.<sup>۱</sup>

ایشان در مورد فلسفه‌ی گریستن برای ابا عبدالله فرمودند:

«مسأله، مسأله‌ی گریه نیست؛ مسأله، مسأله‌ی تباکی نیست؛ مسأله، مسأله‌ی سیاسی است، که ائمه با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند؛ از راه‌های مختلف این‌ها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند.»<sup>۲</sup>

امام راحل نمونه‌ای از مبارزه با ستمگران را در قالب اشک چنین بیان می‌کنند:

«حضرت باقر علیه السلام وقتی که می‌خواستند فوت کنند، وصیت کردند که ده سال [ظاهراً] در منی اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه‌ای است؟ حضرت باقر علیه السلام احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می‌خواست چه کند گریه را، آن وقت هم در

۱. همان، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۳.



منی چرا؟ ایام حج و منی. این همین نقطه‌ی اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آن جاگریه کنند؛ خوب مردم می‌آیند، می‌گویند چه خبر است، چیست؟ می‌گویند این طور بود؛ این توجه می‌دهد نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم می‌کند و مظلوم را قوی می‌کند.»<sup>۱</sup>

---

۱. همان، ج ۱۰، ص ۲۱۷.

## بخش دوم

نگاهی گذرا سبه دستاوردهای انقلاب اسلامی



دستاوردهای انقلاب اسلامی، در واقع همان آرمان‌ها و هدف‌هایی هستند که به صورت کلی یا جزئی تحقق یافته‌اند. در ارزیابی دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ باید به آرمان‌های انقلاب اسلامی، وضعیت پیش از انقلاب، امکانات و توانایی‌های کشور، و فشارها و توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب توجه داشت. دستاوردهای انقلاب اسلامی را می‌توان در دو برهه‌ی زمانی مختلف به دو گونه‌ی متفاوت مورد بررسی قرار داد. برای مثال، سرنگونی رژیم سلطنتی و جایگزینی جمهوری اسلامی و نیز کسب استقلال سیاسی، از جمله دستاوردهای انقلاب در زمان پیروزی است؛ در حالی که پاره‌ای از آرمان‌های انقلاب اسلامی، همچون استقلال اقتصادی که تا حدودی تبدیل به دستاورد شده‌اند، به زمان و تلاش بیش‌تری نیاز داشته است.

حضرت امام راحل برای دستیابی به اهداف و دستاوردهای انقلاب،

همگان را به سعی و کوشش فرا می خوانند و می فرمایند:

«به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد  
عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آورده اید،  
همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و  
پاسداری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت  
بزرگ خداوندی است، کوشش کنید و از مشکلاتی که در  
این صراط مستقیم پیش می آید، نهراسید که ان تنصر الله  
ینصرکم و یثبت اقدامکم»<sup>۱</sup>

در لبیک به ندای معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی ره، این بخش  
با تکیه و با محوریت اندوخته های پژوهشی مؤسسه ی فرهنگی قدر  
ولایت و همت اداره ی تبلیغات معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، با  
عنوان «نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران» تهیه و تدوین شده و در  
صدد است تا مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را یادآور شود.

باشد که در راستای نمایاندن این دستاوردهایی که به طور اختصار در  
چهار بُعد به رشته ی تحریر درآمده است، گام های ارزنده ای برداشته شود؛  
چراکه هنوز بسیاری از این دستاوردها آن طور که باید و شاید معرفی نشده  
است. امید که خداوند منان توفیق بازنمایی این دستاوردها را عنایت  
فرماید.

## فصل اول: دستاوردهای سیاسی

### ۱. ایجاد حکومت جمهوری اسلامی

رژیم پهلوی، چه در قانون و چه در عمل، نقشی برای مردم قایل نبود، از این رو مردم جایگاه و نقش مؤثری در رژیم پهلوی نداشتند و رژیم اتکا به مردم نداشت. اما به برکت انقلاب اسلامی، به این سیاست و بینش که خاص رژیم‌های سلطنتی است، پایان داده شد و این دستاورد بزرگ موجب گردید تا مردم نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای در مهم‌ترین ساختارهای حکومتی، وضع قوانین و همه‌پرسی‌ها و نیز اداره‌ی کشور داشته باشند. در طول مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب، مخاطب اصلی و همراهان همیشگی امام خمینی ره مردم بودند. امام مردم را ولی نعمت مسئولان کشور معرفی کرده و همه‌ی مقامات مملکتی را به خدمت به آن‌ها دعوت و سفارش می‌کردند. حکومت ما از دو پایه‌ی اصلی اسلامی و جمهوری شکل گرفته و این

تلفیق و ترکیب بسیار قابل توجه است. در این نظام، در عین وفاداری به اسلام، نقش مردم نیز حفظ شده است. اصل اول قانون اساسی، به جمهوریت تصریح می‌کند. در این اصل آمده است: حکومت ایران جمهوری اسلامی است.

در مورد جمهوریت و نقش اساسی مردم در اداره‌ی کشور، قانون اساسی دولت را ملزم به مشارکت دادن مردم در تعیین سرنوشت خود کرده است. در اصل سوم قانون اساسی آمده: مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ چنان که در اصل ششم آورده شده است: در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

این اصل به کلیات جمهوریت نظام و نقش مردم اشاره می‌کند. شایان ذکر است که در نظام اسلامی ایران، مردم در اصل تعیین نوع حکومت، نقش اساسی داشتند و در دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ با اکثریت ۹۸/۲ درصد به حکومت جمهوری اسلامی رأی «آری» دادند. مردم در تصویب قانون اساسی نیز مشارکت جدی داشتند. ابتدا خبرگان تدوین‌کننده‌ی قانون اساسی را خودشان آزادانه انتخاب کردند و سپس به قانون اساسی مصوب همین مجلس خبرگان رأی مثبت دادند. «قانون اساسی نظام اسلامی ایران برای نخستین بار در همه‌پرسی سال ۱۳۵۸ با رأی مثبت ۹۹/۵ درصد شرکت‌کنندگان مصوب شد.»<sup>۱</sup> و در بازنگری آن در سال ۱۳۶۸ - یعنی ده سال بعد - اصلاحات آن نیز توسط مردم با رأی مثبت

۱. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۹۷/۳۸ درصد شرکت‌کنندگان به تصویب رسید.

از دیگر جلوه‌های جمهوریت، انتخاب شخص اول مملکت یعنی مقام رهبری است. این حق در اصل ۱۰۷ قانون اساسی به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم پیش‌بینی شده است. روش مستقیم در حالی است که به صورت آشکار و بارز، رهبر مورد پذیرش اکثریت قاطع مردم باشد؛ مانند مقبولیت حضرت امام<sup>ع</sup>؛ و روش غیر مستقیم، طبق قانون اساسی پس از حضرت امام<sup>ع</sup> به اجرا درآمد. در این روش، ابتدا مردم خبرگان را انتخاب و سپس خبرگان از میان فقهای واجد شرایط مذکور در اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی، رهبر را برمی‌گزینند؛ رهبری که اعلم بوده و مقبولیت عام داشته باشد.

انتخاب ریاست جمهوری نیز یکی دیگر از شاخصه‌های جمهوریت نظام اسلامی است. مردم، عالی‌ترین مقام کشور پس از رهبری را که ریاست قوهی مجریه را بر عهده دارد، به مدت چهار سال با رأی مستقیم انتخاب می‌کنند.

البته مردم در انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز دخالت دارند؛ نمایندگانی که علاوه بر قانون‌گذاری، وظایف و اختیارات مهم دیگری همچون رأی دادن به وزرای کابینه، استیضاح رییس جمهور و وزرا، تصویب بودجهی کل کشور، تحقیق و تفحص در تمام امور کشور، تصویب عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و... را بر عهده دارند. با توجه به اهمیت وظایف نمایندگان، واگذاری حق انتخاب آنان به مردم، می‌تواند از جلوه‌های مهم جمهوریت نظام باشد.

## ۲. احیای حاکمیت ولایت فقیه

ولایت فقیه به عنوان یکی از مبانی فکری و اعتقادی ما در مسأله‌ی حکومت اسلامی است و آن را استمرار امامت و رهبری رسول خدا و



ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در جامعه‌ی اسلامی می‌دانیم. بدون ولایت فقیه در رهبری و رأس جامعه، حکومت اسلامی در عصر کنونی مفهومی ندارد. حضرت امام علیه‌السلام می‌فرمایند:

«قضیه‌ی ولایت یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است؛ همان ولایت رسول الله است و این‌ها از ولایت رسول الله می‌ترسند.»<sup>۱</sup>

دشمنان نگرانند از این که رهبری انقلاب در اختیار یک فقیه عادل، مدیر، مدبر، شجاع، باتقوا و اسلام‌شناس باشد، که به دنبال حاکمیت بخشیدن به اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم است، زیرا آن‌ها از ظلم‌ستیزی و استکبار ستیزی فقیه هراس دارند. امروز یکی از محورهای عملی استکبار - به ویژه امریکا و اسرائیل - مخالفت شدید آن‌ها با اصل ولایت فقیه است. اساساً ولایت فقیه تضمین‌کننده‌ی اسلامیت نظام و نیز حافظ استقلال و عدم وابستگی کشور به شرق و غرب می‌باشد، و به تعبیر حضرت امام علیه‌السلام:

«این فقیه است که زیر بار دیگران و تحت نفوذ اجانب نمی‌رود و تا پای جان از حقوق ملت و از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلام دفاع می‌کند؛ فقیه است که به چپ و راست انحراف پیدا نمی‌کند.»<sup>۲</sup>

این ولایت فقیه است که با انحراف‌ها مقابله می‌کند. البته ولایت فقیه به مفهوم دیکتاتوری یک شخص نیست، بلکه برعکس، ولایت فقیه برای جلوگیری از دیکتاتوری است. ولی فقیه، خود بیش از دیگران مقید به

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۶.

چارچوب‌ها و ضوابط شرع مقدس اسلام است. در همین زمینه حضرت امام علیه السلام فرمودند:

«شما از ولایت فقیه نترسید؛ فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد. در اسلام قانون حکومت می‌کند؛ پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی‌توانست تخلف بکند. اگر پیغمبر یک شخص دیکتاتور بود و یک شخص بود که از او می‌ترسیدند که مبادا یک وقت همه‌ی قدرت‌ها که دست او آمد، دیکتاتوری بکند، اگر او یک شخص دیکتاتور بود، آن وقت فقیه هم می‌تواند باشد. اگر امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک آدم دیکتاتوری بود، آن وقت فقیه هم می‌تواند دیکتاتور باشد. دیکتاتوری در کار نیست؛ می‌خواهیم جلوی دیکتاتوری را بگیریم... ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است، نه دیکتاتوری.»<sup>۱</sup>

در اصل ۵ قانون اساسی آمده است:

«در زمان غیبت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده‌ی فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبّر است، که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»

اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز به وظایف و اختیارات رهبری که بسیار مهم و تعیین‌کننده می‌باشد، اشاره دارد:

«۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۰، صص ۳۱۱-۳۱۲.

- پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
  ۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛
  ۳. فرمان همه‌پرسی؛
  ۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛
  ۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها؛
  ۶. نصب و عزل و قبول استعفا؛ الف. فقهای شورای نگهبان؛ ب. عالی‌ترین مقام قوه‌ی قضاییه؛ ج. رئیس سازمان صدا و سیما؛ جمهوری اسلامی ایران؛ د. رئیس ستاد مشترک؛ ه. فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ و. فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛
  ۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛
  ۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
  ۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم؛
  ۱۰. عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هفتاد و نهم؛
  ۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه‌ی قضاییه.»
- بدین ترتیب، به اهمیت و جایگاه تعیین‌کننده‌ی ولایت فقیه در حکومت اسلامی پی می‌بریم. این اصل، اسلامی بودن نظام و حاکمیت احکام شرع مقدس اسلام و رعایت منافع و مصالح ملت و کشور را تضمین می‌کند.

### ۳. شکستن ابهت پوشالی امریکا

سال‌های طولانی، در اثر تبلیغات و نیز اعمال زورِ قدرت‌های استکباری شرق و غرب، نفوذناپذیری قدرت آن‌ها و یکه‌تاز بودن آنان در صحنه‌های جهانی، این باور در همه‌ی مردم جهان به وجود آمده بود که آن‌ها دارای قدرت بسیار هستند و به هیچ وجه نمی‌توان با آنان مقابله کرد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم کسی باور نمی‌کرد بتوان در مقابل این قدرت‌ها ایستاد. اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران که سرنگونی رژیم ستم‌شاهی را به دنبال داشت، اولین ضربه‌ی محکم و اساسی را به ابهت و غرور امریکا وارد ساخت، زیرا پشتوانه‌ی اصلی رژیم پهلوی، امریکا بود و امریکاییان تا آخرین لحظات پیروزی انقلاب و حتی بعد از آن، به حمایت از رژیم پهلوی ادامه دادند. از سوی دیگر، خود رژیم پهلوی نیز برای نشان دادن استحکام سلطنت خود، همواره حمایت و پشتیبانی امریکا را به رخ می‌کشید.

البته اقدامات مهم دیگر انقلابیون، ضربات بیش‌تری بر ابهت پوشالی امریکا وارد ساخت؛ از جمله تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا در ایران که با عنوان سفارتخانه مشغول توطئه علیه انقلاب بود، جهانی کردن شعار مرگ بر امریکا، خنثی‌سازی محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی غرب، ایستادگی در برابر حضور نظامی نامشروع ناوگان‌های امریکا در خلیج فارس و رسوایی در حمله‌ی نظامی به طبس. این همه، بازتاب مهمی در شکستن ابهت پوشالی امریکا داشت و مردم جهان به این باور رسیدند که قدرت امریکا در برابر قدرت‌های الهی و مردمی ناچیز بوده، قدرت واقعی آنان، بسیار کم‌تر از آن چیزی است که همیشه در جهان تبلیغ و ترویج می‌شده است.

این عزّت و اقتدار برای جهان اسلام و ذلّت و خواری برای دشمن، مورد توجّه و تأکید حضرت امام<sup>ؑ</sup> بود؛ چنان که در سال ۱۳۵۸ فرمودند:

«شما بدانید که این نهضت شما ملت ایران، این عظمت قدرت‌های بزرگ که با تبلیغات تحمیل کرده بودند بر دماغ‌ها (افکار) که اصلاً نمی‌شود با انگلستان در افتاد، این عظمت را شکست... نهضت شما الان این معنا را هم شکست در دنیا که نمی‌شود در مقابل امریکا [ایستاد].»<sup>۱</sup>

حضرت امام در پیام حج سال ۱۳۶۶ نیز فرمودند:

«من با اطمینان می‌گویم، اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلّت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده‌ی خود را یکی پس از دیگری بر طرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.»

رهبر فرزانه‌ی انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم از این شکست چنین یاد می‌نمایند:

«انقلاب شما حریم دروغین قدرت‌ها و قلدرها را شکست. امریکا به عنوان ابرقدرت، یک روز امریکا بود، اما امروز دیگر نیست. امروز شما ببینید که در چند نقطه از نقاط عالم، مردم عکس رییس جمهور امریکا را آتش می‌زنند یا پرچم آن‌ها را به آتش می‌کشند؟ چند جا از نقاط عالم، ملت‌ها و توده‌های مردم، مشت گره می‌کنند و مرگ بر امریکا می‌گویند.»<sup>۲</sup>

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، صص ۳۳۶-۳۳۷.

۲. حدیث ولایت، ج ۶، ص ۲۲۱.

به دنبال حرکت انقلابی مردم ایران، امریکا تلاش کرد با تهدید و ایجاد رعب و وحشت، مردم مبارز ایران را مرعوب کند، ولی امام خمینی با قاطعیت و شجاعت تمام در سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۵۸ فرمودند:

«امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. صحبت این‌که اگر دخالت نظامی بکند ما چه خواهیم کرد، غلط است... غلط می‌کند! نترسید، نترسید... امریکا عاجزتر از این است که در ایران دخالت نظامی بکند.»<sup>۱</sup>

#### ۴. شکسته شدن نظام دو قطبی

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از افکار و اعتقادات جدی حاکم بر جهان، که مقبولیت عمومی داشت، دو قطبی بودن دنیا بود. دو قدرت بزرگ جهانی به سرکردگی امریکا و شوروی سابق، با استفاده از توان و قدرت خویش، توانسته بودند تمامی کشورهای دنیا را به دو حوزه قلمرو خود تقسیم کنند. هر کشوری هر چند قدرتمند - مانند برخی از کشورهای اروپایی - حداقل به یکی از این دو قطب وابستگی داشت و قدرت مستقلی خارج از تقسیم‌بندی جهان به شرق و غرب محسوب نمی‌شد. البته تبلیغات جهانی مبنی بر این‌که بدون وابستگی و اتکا به یکی از دو ابرقدرت امکان ندارد و نمی‌توان در جهان کشور مستقلی بود، در دامن زدن به این تفکر بی‌تأثیر نبود. در این باره، حضرت امام<sup>علیه السلام</sup> در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خود آورده‌اند:

«از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیز ما گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر چهاردهم، ص ۴۵۵.

مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است؛ به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیر قابل اجتناب معرفی نمودند.»

یکی از دستاوردهای تأسیس نظام اسلامی در ایران، شکستن این تفکر بود. این انقلاب ثابت کرد که کشورها می توانند فارغ از این قدرت ها، استقلال داشته باشند و باید به جهان چندقطبی فکر کرد. حضرت امام از ابتدا، ایران اسلامی را به عنوان کشوری مستقل از دو ابرقدرت اعلام نمودند و فرمودند:

«ما با هیچ کدام از ابرقدرت ها سر سازش نداریم، نه تحت سلطه ای امریکا می رویم و نه زیر بار شوروی؛ ما مسلمانیم و می خواهیم آزاد زندگی کنیم؛ ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم.»<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، خود انقلاب اسلامی به عنوان قطبی سوم مطرح شد. هر چند برخی از دشمنان انقلاب ناباورانه چشم های خود را بر این واقعیت بستند و آن را انکار کردند، اما کینه توزی های جهانی هر دو ابرقدرت و وابستگان آن ها نسبت به انقلاب اسلامی ایران و مخالفت ها و دشمنی های گوناگون آنان در عرصه های مختلف، حاکی از عمق واقعیت انکارناپذیر بروز و ظهور انقلاب اسلامی به عنوان قطب و قدرت سوم در عرصه ی جهانی است. اعتقادات دینی و ایمانی مردم مسلمان ایران، روحیه ی

سلحشوری و ایثار و شهادت‌طلبی، برخورداری از رهبری پیامبرگونه‌ی امام<sup>۱</sup>، امدادهای غیبی خداوند و امام‌زمان (عج) و ایستادگی و پایداری ملت ایران؛ قدرت هرگونه مواجهه را از دشمنان گرفته است. حضرت امام در این باره می‌فرمایند:

«یک ملت قوی‌ای که هم شوروی را کنار گذاشت و هم

امریکا را و هم انگلستان و هم همه را.»<sup>۱</sup>

همچنین فرمودند:

«انعکاس قدرت شما در کاخ سفید و در کرم‌لین، الان

پرتوان‌داز است؛ همه‌ی قدرت‌ها از شما باک دارند؛ همه‌ی

قدرت‌ها از قدرت اسلام الان لرزیده‌اند و کارهای شما

لرزانده آن‌ها را.»<sup>۲</sup>

اکنون نقطه نظرات جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور قدرتمند در

تصمیمات جهانی تعیین‌کننده است؛ چنان که رهبر فرزانه‌ی انقلاب

می‌فرمایند:

«ملت ایران در هر قضیه‌ی مهم جهانی که با آن به طور جدی

مخالف باشد، آن مسأله پیش نمی‌رود و متوقف می‌شود.

امروز این ملت در مسایل مهم جهانی دارای یک رأی مهم

است و جلوه‌ی ملت ایران به تدریج چشم‌ها را متوجه به

خود می‌کند.»<sup>۳</sup>

معظم له در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۱۷ بهمن ۱۳۶۵، با اشاره به

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۳۴۴.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۴۴۰.

۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۴/۱۱/۲۱.



بت‌هایی که انقلاب اسلامی ایران شکسته و هر کدام از آن‌ها دستاورد مهمی محسوب می‌شود، فرمودند:

«یکی دیگر از این بت‌ها، بت تقسیم‌بندی دنیا به دو قطب بود. بعد از جنگ دوم جهانی، به تدریج دنیا قبول کرد باید دو ارباب و دو قطب را در دنیا قبول کند؛ یکی امریکا و دیگر شوروی؛ حتی اروپا را هم به سمت این تبعیت می‌کشاندند. بعضی از کشورهای اروپایی خیلی هم زود تسلیم شدند؛ بعضی دیگر از کشورهای اروپایی یک مدتی مقاومت کردند. دوگُل کسی بود که در فرانسه با نفوذ امریکا در اروپا مبارزه می‌کرد و می‌جنگید، لذا امریکایی‌ها از دوگُل خوششان نمی‌آمد؛ از آن سیاستمداران اروپایی خوششان می‌آمد که نفوذ امریکا در اروپا را قبول کنند. یعنی حتی اروپا که مادر امریکاست، حتی انگلیس و فرانسه و آلمان و کشورهای صنعتی پیشرفته‌ی اروپا را هم حاضر نبودند به موجودیت بپذیرند. دنیا دو قطب بیش‌تر نداشت، امریکا و شوروی، و همه چیز دنیا باید بر اساس این دو قطبی بودن تحلیل شود. این را هم انقلاب ما شکست و چه شکستی!»<sup>۱</sup>

این امر در خارج از ایران نیز بازتاب جدی داشت. برای نمونه، هفته‌نامه‌ی اردو زبان هجوم نوشت:

«امام خمینی غرور غرب را پایمال کرد و ابرقدرت‌های شرق و غرب را به ذلّت و خواری کشاند و نشان داد که اسلام

دارای بزرگ‌ترین قدرت است.»<sup>۱</sup>

## ۵. صدور انقلاب و جهانی شدن آن

امروزه بر جهانیان ثابت شده است که انقلاب اسلامی ایران از قلمرو جغرافیایی ایران خارج گشته و کل جهان را تحت الشعاع خود قرار داده است. ویژگی انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که خود ماهیت صدور را در ذاتش دارد؛ چه بخواهند و چه نخواهند، ماهیت انقلاب اسلامی صادر شدنی است. امام خمینی رحمه‌الله با توجه به این ویژگی فرمودند:

«ما انقلاب را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکنده، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم.»<sup>۲</sup>

ایشان در پیام نوروزی سال ۱۳۵۹ نیز فرمودند:

«ما باید از مستضعفان جهان پشتیبانی کنیم؛ ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر این که انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قایل نمی‌شود و پشتیبان مستضعفان جهان است.»<sup>۳</sup>

البته استکبار و بعضی از عوامل مرتجع، کوشیده‌اند تا چهره‌ای منفی از صدور انقلاب نشان دهند، اما رهبر کبیر انقلاب با خنثی‌سازی این توطئه و

۱. ویژه‌نامه‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۷/۱۰.

۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۳۱۲.

۳. همان.

تبیین درست مفهوم صدور انقلاب فرمودند:

«این که می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه‌ی کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم... ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه‌ی ملت‌ها و در همه‌ی دولت‌ها بشود؛ آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه‌ی ملت‌ها بیدار بشوند و همه‌ی دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و این تحت سلطه بودنی که هستند و از این که همه‌ی مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهند.»<sup>۱</sup>

همچنین فرمودند:

«ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنیتی که پیدا شده است در ایران، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم.»<sup>۲</sup>

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تبیین مفهوم و لزوم صدور انقلاب می‌فرماید:

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۳، ص ۲۸۱.

۲. همان، ص ۹۰.

«صدور انقلاب یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم. دنیای غرب و سردمداران فرهنگ فاسد و منحط غربی از این که فساد و فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختی‌ها و روسیاهی‌ها را به سراسر عالم صادر می‌کنند، خجالت نمی‌کشند؟! این فرهنگ فحشایی که امروز متأسفانه سراسر دنیا و بیش از همه دنیای فقیر جهان سوم را فرا گرفته، از کجا آمده است؟ این یکی از صادرات فرهنگ غربی و تمدن استعماری و استکباری است. چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه‌ی اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟! چرا باید شرم کنیم از این که غیرت و حمیت و ایستادگی در مقابل قدرت‌های باطل را به صورت درس عملی به ملت‌های دیگر ارایه و تعلیم بدهیم؟

ملت‌ها باور نمی‌کنند که بشود با عوامل و مزدوران قدرت‌های استکباری در افتاد. ما درافتادیم و پیروز هم شدیم؛ چرا این عمل و تجربه‌ی خودمان را در اختیار افکار عمومی ملت‌ها نگذاریم؟! ما این انقلاب را صادر می‌کنیم. اگر منظور این است که ما مواد منفجره صادر می‌کنیم، این ادعا دروغ است؛ این کار را خود دستگاه‌های پلیس خبیث استکباری می‌کنند. سازمان جاسوسی امریکاست که برای

ساقط کردن دولت‌ها وارد صحنه می‌شود و اسلحه و مواد منفجره و نیرو می‌برد و به ضد انقلاب در کشورهای انقلابی کمک می‌کند. ما به هیچ کشوری مواد منفجره نمی‌بریم؛ خرابکاری دور از شأن ماست و به هیچ وجه به ما نمی‌چسبد و هر کس بگوید، خلاف و دروغ گفته است.»<sup>۱</sup>

اساساً صدور انقلاب و جهانی شدن آن، ریشه در ماهیت انقلاب اسلامی دارد. اسلامیت انقلاب اختصاص به ایران نداشته، محدود به قلمرو جغرافیایی خاصی نیست و مخاطبان آن، مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان می‌باشند، لذا انقلاب اسلامی کل جهان را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد. عباس مدنی - رهبر جبهه‌ی نجات اسلامی الجزایر - می‌گوید:

«انقلاب اسلامی ایران در واقع متعلق به همه‌ی مسلمانان جهان و از جمله مردم مسلمان الجزایر است.»<sup>۲</sup>

نماینده‌ی جبهه‌ی آزادی‌بخش انقلاب اسلامی افغانستان نیز گفت:

«انقلاب ایران تنها متعلق به ملت ایران نیست؛ همچنان که رهبر انقلاب ایران، تنها رهبر مسلمانان ایران نیست.»<sup>۳</sup>

بسیار قابل توجه است که بدانیم رهبر جزایر آنتیل می‌گوید:

«در زمانی که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در ایران به ثمر رسید، مسلمانان جزایر آنتیل آن را انقلاب خود دانستند و در حقیقت این انقلاب، نه فقط برای ایران، که الگو و نمونه برای تمام مسلمانان جهان است.»<sup>۴</sup>

۱. حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۱۲۴.

۳. معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم‌انداز دیگران، ص ۸۷.

۴. همان، ص ۸۹.

## ۶. تأثیر انقلاب اسلامی بر نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش

انقلاب اسلامی به دلیل پیروی از رهبر استکبار ستیز و سازش‌ناپذیر خود حضرت امام خمینی ره و استراتژی مبارزاتی که آن حضرت فرا راه ملت تحت ستم ایران قرار داد، به پیروزی رسید. این پیروزی به راستی شگفت‌انگیز بود و شور و اشتیاق عجیبی در بین ملل تحت ستم، نهضت‌های آزادی‌بخش و تمام آزادیخواهان جهان به وجود آورد. این نهضت‌ها، اعم از نهضت‌های آزادیبخش در کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی بود. به قول سرهنگ ابوموسی (دبیر کل جنبش فتح انقلابی) پیروزی انقلاب اسلامی، پیروزی همه آزادگان جهان است، زیرا انقلاب اسلامی ملت‌های جهان را در برابر توطئه‌های صهیونیسم بیدار کرد، امروز ملت‌های اسلامی در پرتو ارزش‌ها و تعالیم امام خمینی به خوبی دریافته‌اند که دشمن اصلی آنان امریکا و صهیونیسم است.<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی با ارایه الگوی نوین مبارزاتی به ملل تحت ستم و نهضت‌های آزادیبخش جهان، راهی فرا روی آنان گشود و با پیروزی خود بر یکی از رژیم‌های قوی و تا دندان مسلح که از پایگاه‌های استراتژیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد، امید جدیدی به نهضت‌ها و ملل مظلوم بخشید در نتیجه امید و سپس اعتماد به نفس این نهضت‌ها نیز شکوفا گردید. پروفیسور مارک ج. گازیوروسکی استاد دانشگاه لوئیزیانای امریکا و از متخصصین مسائل ایران در خصوص تأثیر جنبش‌های اسلامی الهام گرفته از انقلاب اسلامی و تهدید منافع امریکا چنین بیان کرده است: همین که رژیم پس از انقلاب [در ایران] جایگزین

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ اسفند ۱۳۷۲، ش ۴۲۸۱، ص ۱۶.

شد، جنبش‌های بنیادگرا نه اسلامی که از ایران الهام گرفته و غالباً از سوی رژیم نوین (جمهوری اسلامی ایران) پشتیبانی می‌شوند در سراسر جهان اسلام پدیدار شده و به تهدید رژیم‌های طرفدار امریکا در تونس، مصر، سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل، لبنان، عربستان سعودی، کویت، بحرین، پاکستان، مالزی و دیگر جاها پرداختند.<sup>۱</sup>

هفته نامه معروف آلمانی «اشپیگل» نیز در آستانه پانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به حیات تازه‌ای که این انقلاب و رهبری آن به جهان اسلام بخشید، این چنین اعتراف می‌نماید: اسلام مبارزترین مذهب دنیا با انرژی انقلاب خود، ۱/۲ میلیارد مسلمان را برانگیخته و آنان را برای تشکیل حکومت الله در زمین به حرکت درآورده است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی حیات تازه‌ای به مسلمانان در سراسر جهان بخشیده است.<sup>۲</sup>

البته جمهوری اسلامی ایران در کنار ایجاد انگیزه، همواره جنبش‌های اسلامی را مورد حمایت قرار داده است برای نمونه انقلاب اسلامی از ابتدای شکل‌گیری حمایت از مردم مظلوم فلسطین را جزئی مهم از آرمان حمایت از مسلمانان مظلوم جهان قرار داده و همچنان ادامه دارد. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین از ایران دیدار کرد پس از این دیدار، یاسر عرفات اعلام کرد که آیت‌الله خمینی به او گفته است تا انقلاب اسلامی فلسطین پیروز نشود، انقلاب اسلامی ایران نیز ناتمام خواهد ماند، وی همچنین در سخنان خود، انقلاب اسلامی ایران را

۱. مارک. ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی امریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، انتشارات

خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، ص ۴۴۴.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ بهمن، ۱۳۷۱، ش ۳۹۵۶، ص آخر.

به همچون لرزه‌ای برای اسرائیل و امپریالیسم و صهیونیسم و عاملان‌شان را شکست دادید و شایسته‌اید که لقب قهرمان داشته باشید. یکی از افسران الفتح همین چند روز پیش، پس از آنکه شما مردانی که نهضت‌های انقلاب اسلامی را برپا کردید، از من پرسید: هنوز هم ما فلسطینی‌ها در محاصره‌ایم؟ گفتم نه. هرگز. این مرد بزرگ، این برترین امام، آیت‌الله خمینی، این جنبش انقلابی اسلامی، این محاصره را در هم شکست. این احساس ما مردم فلسطین است و همچنان که این پیروزی را احساس می‌کنیم<sup>۱</sup> با پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک رستاخیز اسلامی در خاورمیانه و از جمله فلسطین به ویژه در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه آغاز شد. انتفاضه واژه‌ای است که از سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ هـ ش) وارد واژگان انقلابی - سیاسی مصطلح روز شده است. این حرکت در عین حال که سیاسی است، صبغه دینی و فرهنگی هم دارد. در خصوص معنای انتفاضه شهید دکتر فتحی شقاقی (دبیر کل و بنیانگذار حرکت جهاد اسلامی فلسطین) می‌گوید: از نظر معنایی «انتفاضه» کلمه‌ای است که به نشانه قیام علیه رخوت و رکود است. «انتفاضه» مرحله ماقبل انقلاب است. برای مثال، قیام مدرسه «فیضیه» قم را انتفاضه می‌نامیم و قیام سال ۱۳۵۷ ایران را انقلاب می‌گوییم.<sup>۲</sup>

اصولاً انتفاضه وجه مشخصه اش گستردگی و تداوم آن و دربرگیرندگی تمام اقشار ملت و داشتن محتوای اسلامی در فکر و عمل است، دکتر شقاقی درباره منشأ ایجاد انتفاضه می‌گوید: هیچ چیزی به اندازه انقلاب

۱. روزنامه اطلاعات، دوم اسفند ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۹۰، ص ۷.

۲. علی آقا محسنی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰.



امام خمینی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان آورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دل‌هایشان زنده کند با پیروزی انقلاب اسلامی ما به خود آمدم و دریافتیم که امریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام می‌توانیم معجزه بسازیم و از این رو، ملت مجاهدان در فلسطین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به دیده تقدیر می‌نگرند امام خمینی را از رهبران جاوید تاریخ اسلام می‌دانند.<sup>۱</sup>

و در انتهای بحث لازم است که به اعتراف صهیونیستها و ترس آنها از انقلاب اسلامی هم، اشاره‌ای داشته باشیم، اسحاق رابین (از بنیانگذاران رژیم صهیونیستی و نخست وزیر اسبق آن رژیم، می‌گوید: ایران بزرگترین و خطرناک‌ترین دشمن اسرائیل محسوب می‌شود. دشمنی ایران پس از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی به صورت یک دشمن ایدئولوژیک و دشمنی واقعی درآمده و خطر افکار تندرو و مذهبی در ایران از هر خطری برای اسرائیل بیشتر است<sup>۲</sup> نشریه معروف فرانسوی ژون آفریک هم به نقل از منابع صهیونیستی می‌نویسد: با توجه به عظمت و قدرت روزافزون ایران در منطقه و نفوذ اسلامی آن در بین ملت‌ها، از این پس، ایران دشمن اصلی و بالقوه اسرائیل محسوب خواهد شد<sup>۳</sup> نکته آخر در این رابطه اینکه پیام انقلاب اسلامی حتی به افریقا نیز رسیده و مردم افریقا انقلاب اسلامی ایران را سرلوحه حرکت‌های نوین خود قرار داده‌اند، ماندلا می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی، امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه علیه بی‌عدالتی به همراه داشته است و

۱. همان، ص ۲۴.

۲. روزنامه کیهان، ۵ اسفند ۱۳۷۷، ش ۱۶۴۵۴، ص ۷.

۳. دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، دو جلد، تهران: مرکز رسیدگی به امور مساجد (معاونت فرهنگی)، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷.

بدون تردید، تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد.<sup>۱</sup> امام سلیمان از علما و رهبران برجسته مسلمانان آفریقای جنوبی و عضو کنگره ملی آفریقا هم می‌گوید: پس از انقلاب اسلامی، بسیاری از مسلمانان آفریقا دریافتند که باید برای کسب آزادی به شدت تلاش‌های خود بیاورند و خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی (رییس جمهور وقت) گفت: من بهترین سلام‌های مسلمانان آفریقای جنوبی را به حضرتعالی ابلاغ می‌کنم، زیرا مردم ما از برادران و خواهران مسلمان خود در ایران الگو گرفته‌اند که باید برای ایجاد عدالت و احقاق حقوق مسلم خود به پا خیزند و تا پای جان در راه آرمان خود فداکاری کنند.<sup>۲</sup>

#### ۷. مردمی شدن نظام و حمایت مردم از آن

هر حکومتی در مقابله با مشکلات بزرگ نیاز به تکیه‌گاهی محکم دارد. حکومت‌های پوشالی به توان و قدرت استعماری و سازمان‌های اطلاعاتی و نیروهای نظامی و نیز امکانات اقتصادی خود و در صورت ضرورت، به تبلیغات و حیل‌ها و فریب‌ها متوسل می‌گردند و بعضی از حکومت‌های وابسته نیز، دست به دامن دولت‌های ارباب و حامی خود می‌شوند. رژیم پهلوی نیز از این دسته دولت‌ها بود. اما به برکت انقلاب اسلامی ایران، این دستاورد ارزشمند حاصل شد که حکومت و دولت برای حل مشکلات مهم خود، متکی به مردم باشد و از آنان کمک بخواهد. این امر در جای جای تاریخ انقلاب نمود دارد. برای مثال، در صحنه‌های مختلف مبارزه و انقلاب، تکیه‌ی اصلی حضرت امام علیه السلام به توده‌ی مردم بود. تظاهرات و

۱. همان، ص ۲۲۸.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۱ تیر ۱۳۷۱، ش ۳۸۰۱، ص ۲.

راهپیمایی‌های عظیم دوران انقلاب، اعتصاب‌ها، بخش اعلامیه‌ها، درگیری‌های مسلحانه با عوامل رژیم در روزهای پایانی حکومت پهلوی و پس از آن هم حضور در صحنه‌های مختلف برای حفظ انقلاب، نشان از حمایت مردمی دارد.

یکی دیگر از بارزترین و کامل‌ترین مصادیق و نمونه‌های اتکا به مردم، حضور آنان در صحنه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. در این جنگ نابرابر، حکومت با تکیه بر مردم توانست متجاوز را تنبیه و بر سر جای خودش بنشاند. مردم با حضور یکپارچه‌ی خود - اعم از زن و مرد و پیر و جوان و حتی نوجوان - در صحنه‌های مختلف دفاع مقدس، عالی‌ترین و زیباترین مصداق و تکیه‌ی حکومت بر مردم را به تصویر کشیدند.

البته در محاصره‌ی اقتصادی ایران اسلامی توسط قدرت‌های استکباری - مخصوصاً آمریکا - در طی سال‌های بعد از انقلاب، دولت اسلامی با تکیه بر مردم و جلب همکاری‌ها، مشارکت و روحیه‌ی سازندگی آن‌ها، توانست بر بحران غلبه کند و دشمن را به زانو درآورد؛ تا جایی که امروز برخی از شرکت‌ها و کشورها از اقدام خود متنفر و پشیمان شده و ابراز تمایل به برقراری روابط تجاری و اقتصادی کرده‌اند.

#### - حضور فعال مردم در انتخابات

برگزاری انتخابات سالم از نمادهای مهم و اصلی جمهوری اسلامی ایران است. برگزاری انتخابات آزاد و احترام قایل شدن به آرا و عقاید مردم، نشانه‌ای از اعتماد متقابل بین دولت و مردم و شرکت دادن مردم در اداره‌ی کشور می‌باشد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در زمان رژیم

پهلوی، انتخابات و توجه به آرای مردم، عملاً معنا و مفهوم واقعی نداشت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، اوضاع دگرگون شد. از سویی حکومت اسلامی با اعتقاد به جمهوریت نظام، زمینه‌ی مشارکت مردم را فراهم ساخت و از سوی دیگر، مردم با دیدن میدان مشارکت واقعی و تکلیف شرعی، فعالانه وارد صحنه‌ی انتخابات شدند. یکی از دستاوردهای افتخارآفرین و عزت بخش انقلاب اسلامی ایران که حاکی از ارتباط و پیوند عمیق بین مردم و نظام می‌باشد، برگزاری بیست و چند انتخابات با شور و شغف فراوان است. این همه در کنار تمام مشکلات و توطئه‌های پیدا و پنهان دشمنان داخلی و خارجی شکل گرفت. بسیار روشن است که تمام انتخابات‌ها آزاد بوده است و مردم با میل و اراده‌ی خویش در انتخابات شرکت کرده و آزادانه رأی مورد نظر و دلخواه خود را به صندوق‌های رأی انداخته‌اند.

این دستاورد شکوهمند، مایه‌ی سرافرازی و افتخار مردم عزیز ایران و نظام اسلامی در جهان - به ویژه در برابر چشم مدعیان دموکراسی و جمهوریت - می‌باشد.

## ۸. برخورداری از قانون اساسی اسلامی

قانون اساسی هر کشوری، منشور آن نظام است، و چارچوب کلی و اساسی و دیدگاه‌ها و سیاست‌های بنیادین آن کشور را بیان می‌کند. مسایل مهم یک نظام؛ از قبیل نوع حکومت، دین و مذهب، نقش مردم، قوای مملکتی، سیاست‌های کلان داخلی و خارجی، ارزش‌های انسانی و اجتماعی و مانند آن، در قانون اساسی تبیین می‌شود. در حقیقت، قانون اساسی نمایی برای شناخت آرمان‌ها و اهداف هر کشور است. قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران در کم‌تر از یک سال پس از پیروزی انقلاب، با عنایت خاص الهی و هدایت‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی و نیز شایستگی و صلاحیت اعضای مجلس خبرگان تدوین‌کننده‌ی آن، به عنوان مترقی‌ترین قانون اساسی اسلامی در جهان تصویب شد. این اندیشه و طرح سیاسی متبلور در قانون اساسی، می‌رود که به عنوان یک نظریه‌ی سازنده و رهایی بخش در سایر کشورهای اسلامی مطرح گردد؛ چنان که یکی از متفکران اسلامی می‌گوید:

«امروز پیام انقلاب اسلامی و شیوه‌ی متین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، راه نوینی را به روی ملل مسلمان جهان گشوده و نسیم آگاهی و بیداری امیدبخش را در جهان دمیده است. علمای اسلام و حقوقدانان مسلمان، قانون اساسی کشور اسلامی ایران را به عنوان مبنای کار آینده‌ی کشورهای اسلامی - که دیر یا زود به دامن اسلام و به آغوش حکومت اسلامی باز خواهند گشت - مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.»<sup>۱</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به رأی گذاشته شد و با رأی شگفت‌انگیز ۹۹/۵ درصدی مردم عزیز ایران به تصویب نهایی رسید.

در این جا لازم است برخی از ویژگی‌های مهم قانون اساسی را مرور کنیم. اولین ویژگی مهم، اسلامی بودن اصول آن، و ویژگی مهم دیگر، پذیرش جمهوریت و تکیه بر آرای مردم است. در کنار آن‌ها، این ویژگی‌ها نمایان است: پذیرش اعتقاد به حاکمیت مطلق خدا بر جهان و هستی و

۱. فقه سیاسی، ج ۱، صص ۱۶ و ۲۰.

پذیرش اصول اعتقادی دین اسلام، ارج نهادن به کرامت و ارزش والای انسان،<sup>۱</sup> پذیرش اصل ولایت فقیه به عنوان یکی از جلوه‌ها و ارکان اساسی حکومت اسلامی،<sup>۲</sup> تأکید بر استقلال کشور و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،<sup>۳</sup> حمایت از همه‌ی مسلمانان و مستضعفان جهان،<sup>۴</sup> اعتقاد به اصل مساوی بودن همه در برابر قانون،<sup>۵</sup> در نظر گرفتن حقوق و آزادی‌های ملت - اعم از زن و مرد - به طور یکسان و در زمینه‌های مختلف انسانی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی،<sup>۶</sup> تأکید بر عدالت و رفع تبعیضات ناروا و لزوم ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی،<sup>۷</sup> تأکید بر استقلال نیروهای مسلح و جلوگیری از سلطه و نفوذ نیروهای بیگانه در آن‌ها.<sup>۸</sup>

۱. اصول ۲ و ۵۶ قانون اساسی.

۲. اصول ۱۰۷ و ۱۱۰ قانون اساسی.

۳. اصول ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴. اصول ۱۵۴ و ۳.

۵. اصل ۴.

۶. اصول ۱۹-۴۲.

۷. اصل ۳.

۸. اصول ۱۴۴-۱۴۶.

## فصل دوم: دستاوردهای فرهنگی

### ۱. خودباوری فرهنگی

اصلاحات فکری و تحولات اندیشه‌ای، از مسایل مهم و ریشه‌ای در هر دگرگونی بنیادی و انقلاب است؛ از این رو تا تفکر و اندیشه، و نیز بینش‌ها و اعتقادات اصلاح نشود، هیچ تحولی صورت نمی‌گیرد. یکی از دردها و رنج‌های اساسی اجتماعی طی سال‌های طولانی در رژیم پهلوی، درد خودباختگی فرهنگی بود. فضایی به وجود آورده بودند که مردم می‌پنداشتند از نظر فرهنگی حقیر و بی‌محتوا هستند و برعکس، غرب دارای فرهنگ شایسته و مرفعی و برتر است و مردم باید پیرو آن فرهنگ باشند. این خودباختگی فرهنگی در همه جای کشور - اعم از دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، اجتماع، خانواده، کارخانه‌ها و ... - حاکم بود. بسیاری از مردم پذیرفته بودند که باید مثل غربی‌ها فکر کنند، مثل آن‌ها لباس بپوشند

و سخن بگویند و در سخن گفتن، اصطلاحات غربی را به کار بگیرند و حتی نام فرزندان و کالاهای غربی باشد. عده‌ای نیز زندگی بی‌بند و بار و خلاف عفتِ غربی را ملاک عمل قرار می‌دادند و نگرش آنان به مذهب و دین، همانند غربی‌ها بود. رژیم پهلوی همراه با استکبار غرب در جهت القای این تفکر در ذهن مردم ایران برنامه‌ریزی می‌کرد و مردم را شیفته‌ی فرهنگ غرب می‌ساخت، تا مردم همیشه با ذلت و حقارت دست نیاز به سوی غربی‌ها دراز کنند و اعلام سرسپردگی نمایند.

در مورد این وضعیت اسفبار، حضرت امام خمینی ره در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خود، با تلخی شدید از آن یاد می‌نماید:

«از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیز ما گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است؛ به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند، و قصه‌ی این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آنان خورده و اکنون نیز می‌خوریم، کشنده و کوبنده است.»

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند:

«تا این غرب‌زدگی و شرق‌زدگی در ملت ما است، هیچ امیدی به اصلاحات نیست. ما باید تمام همتان را صرف



کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم.<sup>۱</sup> پیروزی انقلاب اسلامی به این دوران حقارت بار و خودباختگی فرهنگی پایان داد. ملت ایران به این رشد و آگاهی رسیدند که خودباختگی فرهنگی، زمینه و ریشه‌ی بسیاری از وابستگی‌ها و مفاسد است، از این رو تکیه بر فرهنگ خودی و اسلامی را عمیقاً باور کردند. رهبر معظم انقلاب در مورد این دستاورد می‌فرماید:

«یکی از بت‌هایی که استعمار در طول دوران‌های متوالی روی آن در همه‌ی ملت‌های عقب افتاده کار کرده بود، بت برتری نژاد سفید و نژاد اروپایی و امریکایی بر نژادهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین است. احساس حقارت در ملت‌ها را زنده کرده بودند. امروز در بسیاری از ملت‌ها متأسفانه هنوز بقایای آن هست و در مقابل امریکایی‌ها احساس حقارت می‌کنند.»<sup>۲</sup>

خودباوری فرهنگی، زمینه‌ی از بین بردن وابستگی فرهنگی را فراهم کرده و موجب استقلال فرهنگی شده است. خودباوری فرهنگی با مسایل فکری، عقیدتی، اخلاقی و باورهای دینی مردم سر و کار دارد. همچنین موجب عدم احساس حقارت و خودکم‌بینی در برابر غرب و در نتیجه عدم وابستگی و سرسپردگی به غرب می‌شود.

## ۲. تقویت فرهنگ نماز و احیای مساجد

یکی دیگر از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، توسعه و تقویت فرهنگ نماز و نمازخوانی و نیز برگزاری گسترده‌ی نمازهای جماعت است. قبل از

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۲۴۴.

۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۱۱/۱۸.

انقلاب به فرهنگ و فریضه‌ی نماز اهمیت داده نمی‌شد، و حتی با ایجاد جو و فضای ضد اسلامی، مردم نمازخوان در مجامع عمومی مورد تمسخر و توهین قرار می‌گرفتند. فضای روانی منفی به گونه‌ای بود که بعضی از افراد نمازخوان، خجالت می‌کشیدند در اماکن عمومی و محیط‌های اجتماعی - از قبیل ادارات، دانشگاه‌ها، مدارس، مراکز و پادگان‌های نظامی، شرکت‌ها و مؤسسات گوناگون - نماز بخوانند.

بعضی از افراد حتی از این که در مهمانی‌ها و منازل دیگران در مقابل سایرین نماز بخوانند، خجالت می‌کشیدند، لذا یا نماز را به تأخیر می‌انداختند و یا این که آهسته و مخفیانه در گوشه‌ای سریعاً نماز خود را می‌خواندند. اقامه‌ی نماز بیش‌تر به صورت انفرادی بود و صرفاً در مساجد و جمع‌های خصوصی می‌شد جلوه‌ای از بعد جمعی نماز جماعت را مشاهده کرد.

اما به برکت انقلاب اسلامی، روح و جو عمومی جامعه نسبت به نماز به کلی دگرگون شد. هم دیدگاه و نگرش حکومت و دولت و هم بینش و اعتقاد بسیاری از مردم نسبت به این فریضه‌ی الهی متحول گردید و بسیاری از افراد بی‌نماز به خیل نمازگزاران پیوستند؛ مخصوصاً در قشر جوان - اعم از مدرسه‌ای و دانشگاهی - این دگرگونی محسوس و چشمگیر بود. امروز وقتی صدای اذان ظهر از بلندگوی نمازخانه‌ی ادارات و سازمان‌ها پخش می‌شود، تعداد زیادی از کارکنان وضو گرفته و در صفوف نماز جماعت به اقامه‌ی نماز و مناجات با پروردگار خویش می‌پردازند.

در گذشته مساجد حالت خمود و جمود داشتند و غالباً خبری از جوانان در آن‌ها نبود و به پایگاه کهنسالان تبدیل شده بودند، اما به برکت انقلاب اسلامی، مساجد جایگاه اصلی خود را بازیافته، هم در دوران

مبارزه و هم پس از پیروزی انقلاب، مساجد به پایگاه‌های روشنگری و دادن آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی به مردم مبارز و انقلابی تبدیل شدند و این همان چیزی بود که مورد نظر امام راحل بود:

«مسجد و منبر در صدر اسلام مرکز فعالیت‌های سیاسی بوده؛ جنگ‌هایی که در اسلام می‌شده است، بسیاری از آن در مسجد طرحش ریخته می‌شد.»<sup>۱</sup>

«مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولت‌ها و سرسپردگان ابرقدرت‌ها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند، ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند، و نور عشق و معرفت میلیون‌ها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند.»<sup>۲</sup>

با احیای مساجد، در این عرصه شاهد حضور جوانان پرشور و انقلابی، و فعالیت‌های گوناگون و گسترده‌ای در زمینه‌های رسیدگی به امور ارزاق مردم، امور رفاهی و خدماتی، امور خیریه و رسیدگی به مشکلات مالی خانواده‌های نیازمند و نیز فعالیت‌های فرهنگی و هنری بوده‌ایم. همچنین مساجد نقش مهمی در دفاع مقدس از خود به یادگار گذاشتند و به عنوان مقر پایگاه‌های مقاومت بسیج بودند. امروزه پایگاه‌های بسیج با مساجد کاملاً گرده خورده و پیوند مستحکمی بین آن‌ها به وجود آمده است. بسیج، بازوی نظامی مساجد در حفظ اسلام و انقلاب می‌باشد و مسجد نیز در هدایت دینی و حفظ سلامت بسیج و نیز حمایت‌های انسانی و مادی از آن،

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۱۸۴.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۳۸.

نقش مهمی بر عهده دارد.

### ۳. گسترش فرهنگ قرآنی

قرآن، کلام الهی و کتاب آسمانی مسلمانان است، که متأسفانه در زمان پهلوی تنها محدود به قرائت در مجالس ختم و بر سر قبور اموات، سفره‌ی عروسی، منزل نو و اسباب‌کشی ورد شدن از زیر آن برای رفتن به مسافرت بود و این کلام نورانی در زندگی مردم و مسایل سیاسی، حکومتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقشی نداشت. البته در جمع خواص و متدینین این نگرش دیده نمی‌شد، ولی جوّ عمومی جامعه نسبت به قرآن نادرست، و دیدگاه و سیاست رژیم پهلوی نسبت به آن خصمانه بود.

اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولات چشمگیر و مهمی در امر توجه به قرآن ایجاد شد؛ قرآن از انزوا و مهجوریت درآمد و در عرصه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی مردم حضور پیدا کرد.

مردم دریافتند که قرآن کتابی تشریفاتی و مخصوص تلاوت بر سر قبر و سفره‌ی عقد نیست، بلکه کتابی آسمانی و حاوی دستورالعمل جامع و کامل برای زندگی بشر است، که برای همه‌ی ابعاد زندگی بشر - اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی - ضابطه و دستورالعمل دارد. نمونه‌ی عملی اجتماعی و سیاسی این نگرش هم در شکل و قالب حکومت اسلامی نمایان شد.

قانون اساسی که بیان‌کننده‌ی اصول کلی و چارچوب‌های نظام می‌باشد، در اصل دوم خود آورده که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه‌ی ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان

قوانین. اصولاً نظام اسلامی مبتنی بر کلیه اصول و مبانی اسلامی می باشد، که کلیات و موارد عمده آن در خود کتاب آسمانی «قرآن» بیان شده است. از این رو می توان گفت: در حقیقت نظام اسلامی ایران نظامی مبتنی بر قرآن (که همان وحی الهی است) می باشد. آن گاه که جایگاه والای قرآن در بین مردم شناخته شد، سعی در فراگیری قرآن و عمل به مفاد آن عمومیت یافت و در سطح مراکز آموزشی و مجامع عمومی افزایش چشمگیری پیدا کرد.

#### ۴. احیای نماز جمعه

قبل از انقلاب تقریباً خبری از نماز جمعه نبود، اما به برکت انقلاب اسلامی، این امر مقدس و پر ثمر احیا گردید. حضرت امام در این خصوص می فرمایند:

«برپایی نماز جمعه یکی از برکات بسیار عظیم اسلام بود که مع الأسف قبل از پیروزی انقلاب در بین علمای شیعه بسیار کم جلوه و برادران اهل سنت هم که اقامه می کردند، خطبه هایشان محدود به حدودی خاص بود.»<sup>۱</sup>

همچنین فرمودند:

«یکی از مهم ترین چیزهایی که در انقلاب حاصل شد، قضیه نماز جمعه است که در زمان سابق در بین ما متروک و در بین اهل سنت به طور دلخواه نبود و غالباً تحت نفوذ قدرت ها انجام می گرفت، که بحمدالله در این نهضت، نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت.»<sup>۲</sup>

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۴۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

رهبر معظم انقلاب هم درباره‌ی دستاورد مهم نماز جمعه برای ملت ایران می‌فرمایند:

«ملت ایران نماز جمعه نداشت و از این نعمت محروم بود؛

انقلاب به او نماز جمعه داد.»<sup>۱</sup>

«ما نماز جمعه را از انقلاب و از امام داریم. قبل از انقلاب، نماز جمعه در کشور ما نزدیک به صفر بود؛ هم از لحاظ تعداد نماز جمعه‌ها، هم از لحاظ کمیت مردمی که در آن شرکت می‌کردند و هم از لحاظ کیفیت سخنانی که گفته می‌شد.»<sup>۲</sup>

«یکی از بزرگ‌ترین کارهای امام بزرگوارمان، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. ما از نماز جمعه محروم بودیم یا آن را نداشتیم؛ در جاهایی هم که خیلی به ندرت پیدا می‌شد، آن تأثیری را که نماز جمعه می‌توانست در حکومت اسلامی داشته باشد، قهراً نداشت؛ در جاهایی هم اصلاً افراد ناجوری بودند که محل بحث نیست.»<sup>۳</sup>

پس از پیروزی انقلاب، مردم مسلمان هر هفته روزهای جمعه با شور و شوق فراوان در نماز جمعه شرکت می‌کنند. حضور باشکوه مردم در نماز جمعه در سرما و برف زمستان و گرمای سوزان تابستان و همچنین در ایامی مانند موشک‌باران و بمب‌گذاری‌ها که خطرات جانی آن‌ها را تهدید می‌کرد، حاکی از عمق ایمان و عشق و علاقه‌ی مردم به این فریضه‌ی

۱. حدیث ولایت، ج ۶، ص ۲۱۵.

۲. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۷/۸/۹.

۳. حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۳۲.

سیاسی دینی است.

نماز جمعه از اهمیت زیادی برخوردار است و به تعبیر رهبر معظم انقلاب:

«اسلام برای نماز جمعه خیلی اهمیت قایل است... از قول پیامبر خدا ﷺ نقل شده که فرمودند: من كان يومن بالله واليوم الآخر فعليه بالجمعه يوم الجمعة؛ یعنی هر کس که ایمان دارد، در روز جمعه نباید نماز جمعه را فراموش کند»<sup>۱</sup>

به همین جهت حضرت امام می فرمایند:

«آقایان باید با سفارش به مردم و نسل های آینده به این مسأله اهمیت بدهند که نماز جمعه در رأس همه ی امور است و مردم را مجتمع کنند که در این امر خللی وارد نشود»<sup>۲</sup>

البته علت این همه اهمیت نماز جمعه را باید در نقش و آثار گوناگون سیاسی - اجتماعی آن جستجو کرد. برخی از این آثار و پیامدها عبارتند از: هدایت دینی مردم، هدایت سیاسی - اجتماعی مردم، ایجاد وحدت بین مردم و نیز بین مردم و مسؤولان، نمایش قدرت و عظمت اسلام و بالاخره بسیج مردم در مسایل مختلف داخلی و بین المللی.

##### ۵. احیای امر به معروف و نهی از منکر

پیش از انقلاب اسلامی، فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر کاملاً مطرود و فراموش شده بود و به تعبیری اصلاً معنا و مفهومی عملی نداشت. رژیم

۱. همان، ج ۶، ص ۲۱۵.

۲. صحیفه ی امام، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

فاسد، جو عمومی را به گونه‌ای فراهم کرده بود که به علت گستردگی فساد و فحشا و مفساد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ای برای طرح این فریضه وجود نداشته باشد؛ در حالی که این فریضه از فروع دین و از واجبات اسلامی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup>

مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند؛ خلق را به کار نیکو امر و از کار زشت نهی می‌کنند.

رسول گرامی اسلام نیز در روایتی می‌فرمایند:

«هنگامی که امت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر

نمایند و نیکان از خاندان مرا پیروی نکنند، خداوند بدان و

اشرار را بر آنان مسلط و فرمانروا می‌کند. در این حالت،

خوبان دعا می‌کنند، اما دعایشان مستجاب نخواهد شد.»<sup>۲</sup>

بنابراین، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی

است، که بر دوش همه‌ی مردم می‌باشد. در این مورد حضرت امام<sup>علیه السلام</sup>

می‌فرمایند:

«امر به معروف و نهی از منکر به همه‌ی ملت واجب است.

اگر یک خلاف یک کسی کرد، باید او را نهی کند.»<sup>۳</sup>

«امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس

واجب است؛ یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد و بر

۱. توبه، ۷۱.

۲. میزان الحکمه، ص ۱۲۴۲۹.

۳. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۱۲۵.



دیگری (نه). همه‌ی ما همان طور که مکلفیم خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلف هستیم که دیگران را هم همین طور دعوت کنیم.<sup>۱</sup>

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این امر به عنوان وظیفه‌ای همگانی لحاظ شده و در اصل هشتم آمده است:

«در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.»

البته باید در کنار نهی از منکر، توجه جدی به بعد امر به معروف آن نیز صورت گیرد، تا شاهد جامعه‌ای مطلوب و سالم باشیم.

#### ۶. برجیده شدن مشروب‌فروشی‌ها

وجود مشروب‌فروشی‌های فراوان در سراسر کشور در اکثر خیابان‌ها و محله‌ها، یکی از هزاران مفاسد و منکرات رژیم منحوس پهلوی بود. وجود این مراکز مفسده‌انگیز و تلاش برای توسعه و گسترش آن، از جمله مظاهر و جلوه‌های دین‌ستیزی رژیم فاسد پهلوی بود. رژیم پهلوی با تأسیس و گسترش مشروب‌فروشی‌ها و میکده‌ها، قصد رسمیت بخشیدن علنی به امر حرام مشروب‌فروشی و مشروب‌خواری داشت؛ همچنین می‌خواست گستاخی و شهادت خود را نسبت به علنی کردن مخالفت با موازین شرعی نشان دهد، و قدرت خود را به رخ مردم مسلمان و متدین و علمای دینی بنماید.

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، صص ۳۸۶-۳۸۷.

وجود این مراکز و فعالیت مستمر آن‌ها، کم‌کم در بین توده‌ی مردم، این عمل حرام و خلاف شرع را عادی جلوه می‌داد. در واقع، عمل گناه و حرام به تدریج در جامعه عادی می‌شد. صرف وجود مراکز مشروب‌فروشی، آن هم به تعداد فراوان و در همه‌ی شهرهای کشور، زمینه و بستر آلوده شدن به مشروب‌خواری و میگساری را برای توده‌ی مردم فراهم می‌کرد. با وجود این مراکز، مردم راحت‌تر به مشروبات الکلی دسترسی داشته، بیش‌تر در معرض وسوسه‌ی آلوده شدن به این امر حرام قرار می‌گرفتند. اصولاً عمل مشروب‌خواری - اعم از علنی و غیر علنی - در رژیم فاسد پهلوی فراگیر شده بود. فضای اجتماعی آلوده و محیط منحط فرهنگی و وجود بستر و زمینه‌های فساد و مشروب‌خواری، موجب شده که بود عده‌ای از مردم، آلوده به این گناه بسیار زشت و ناپسند شوند؛ گناهی که از نظر اسلام جزء گناهان کبیره محسوب می‌شود و صریحاً در قرآن مورد نهی خداوند قرار گرفته است. در آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره، خداوند می‌فرماید:

«از می و قمار تو را می‌پرسند؛ بگو در آن دو، گناه بزرگی است و سودهایی برای مردمان دارد، ولی گناه آن‌ها از آن بزرگ‌تر است.»

در اثر انقلاب اسلامی، این عمل حرام به مقدار زیادی کاهش یافت و تظاهر به مشروب‌خواری و میگساری علنی به طور کامل از بین رفت. با این کار؛ از تحلیل رفتن نیروی جوانان، ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم، سست کردن روابط خانوادگی و نهاد خانواده، افزایش ارتکاب جرایم و تخلفات اجتماعی و قتل و آدم‌کشی از سوی افراد مست، ایجاد درگیری‌ها و دعواهای مستانه و عربده‌کشی در کوچه‌ها و خیابان‌ها توسط افراد مست و سلب امنیت و آسایش عمومی، به میزان زیادی جلوگیری شده است.

## ۷. احیای ارزش و منزلت معنوی زنان

از دستاوردهای بسیار مهم انقلاب اسلامی، احیای شأن و منزلت معنوی زنان و دختران است. نگرش رژیم پهلوی به زنان و دختران؛ نگرشی مادی، منفعت طلبانه و لذت جویانه بود و دلیل این ادعا، سیاست استفاده‌ی ابزاری رژیم پهلوی از زن و نیز وسیله قرار دادن او برای شهوترانی مردان عیاش بود. بر طبق آن تلقی، زن ابزار محسوب می‌شد، و وسیله‌ای برای کسب پول و ثروت بیش‌تر و در واقع عملاً موجودی درجه‌ی دوم و صرفاً برای مرد بود. حضرت امام<sup>ع</sup> از همان دوران مبارزه و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به افشاگری این رفتار اهانت‌آمیز پرداخته، با این فرهنگ فاسد مخالفت می‌کردند. ایشان در شهریور ماه ۱۳۵۷ در مصاحبه‌ای با تلویزیون فرانسه فرمودند:

«این شاه است که به حسب نقل در مصاحبه با مخبر ایتالیایی گفته است درک من از زن آن است که او باید زیبا و فریبا باشد؛ این شاه است که زن‌ها را به فساد می‌کشاند.»<sup>۱</sup>

این دیدگاه ابزاری، در مقایسه با بینش اصیل و ناب امام خمینی<sup>ع</sup> بیش‌تر نمود می‌یابد. حضرت امام معتقد بودند:

«اسلام زن‌ها را از آن چیزهایی که در جاهلیت بوده، نجات داده است. آن قدر که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می‌داند که به مرد خدمت نکرده است. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده؟! اسلام می‌خواهد زن همان طوری که مرد همه‌ی کارهای اساسی را می‌کند،

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۲۶.

زن هم بکند؛ اما نه این که زن یک چیزی بشود که آقا دلشان می خواهد که بزک کرده بیاید توی جامعه و با مردم مخلوط بشود، با جوان ها آن طوری مخلوط شود! اسلام می خواهد این ها را جلو بگیرد. اسلام می خواهد حیثیت و احترام زن را حفظ کند؛ می خواهد به زن شخصیت بدهد که از این وضعیت بیرون بیاید. این ها می خواهند زن را بفروشند و او را از این دست به آن دست کنند. این را مخالف است اسلام.<sup>۱</sup>

این نگرش حضرت امام در سخنان دیگر ایشان نیز کاملاً مشهود است. «نقش زن در عالم از ویژگی های خاص برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند، و می تواند به عکس آن باشد.»<sup>۲</sup>

«عنایتی که اسلام به زنان دارد، بیش تر از عنایتی است که به مردان دارد. در این نهضت، زنان حق بیش تری از مردان دارند. زنان، مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز. اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت ها گرفته شوند، ملت ها به

۱. همان، ص ۲۸.

۲. صحیفه ی نور، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

شکست و انحطاط کشیده می‌شوند. قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند.»<sup>۱</sup>

بر اساس نگرش دینی و انقلابی، شأن و منزلت زن در پرتو انقلاب اسلامی احیا و کرامت انسانی به او بازگردانده شد. در این نگاه، زن شیء و ابزار نیست، بلکه مبدأ همه‌ی سعادت‌هاست. زن، مربی جامعه بوده، شقاوت و سعادت کشور به وی وابسته است. البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران، افزون بر ایجاد کرامت انسانی، تحول روحی و فکری عظیمی در زنان به وجود آورد، و آنان را از موجودی گرفتار لباس و آرایش به انسان‌هایی شجاع و فداکار و شهید پرور، مقاوم و صبور، فعال و خدمت‌گزار تبدیل کرده و نقش آنان را در محیط خانه و اجتماع پررنگ ساخته است. به برکت انقلاب اسلامی، زنان و دختران در عرصه‌های سازندگی، فعالیت‌های اجتماعی و خدمات پشتیبانی از جبهه‌ها حضوری گسترده و فعال از خود نشان داده، جلوه‌ی دیگری از تحولات روحی و فکری ایجاد شده را به نمایش گذاشتند. حضرت امام در سخنی می‌فرمایند:

«در رژیم سابق، شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهووع و لباس‌های کذا و منزلگاه‌های کذا بود و امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است که به واسطه‌ی همین تحول در قشر بانوان، دیگر آن‌هایی که با آرایش‌های فاسد و لباس‌های فاخر می‌خواستند فخر فروشی کنند، در بین جامعه‌ی ما محکومند و خجالت زده‌اند.»<sup>۲</sup>

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۳۱.

۲. همان، دفتر دهم، ص ۴۰۶.

## ۸. تحول در رسانه‌ی ملی رادیو و تلویزیون و سینماها

از میان رسانه‌های جمعی، تلویزیون - چه در جهت مثبت و چه جهت منفی - تأثیرگذارتر است. حضور تلویزیون در همه‌ی خانه‌ها و وسیع بودن دامنه و بُرد آن، تأثیر غیر مستقیم بر بیننده، سمعی و بصری بودن آن، اشتغال چند ساعته‌ی اکثریت مردم به تماشای آن در روز، و تنوع مخاطبان آن از جهت مقاطع سنی، نشان از اهمیت این رسانه است. حضرت امام در این زمینه می‌فرمایند:

«رادیو و تلویزیون از تمام رسانه‌هایی که هست، حساس‌تر است. رادیو تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می‌تواند، نه سینما می‌تواند، نه تئاتر می‌تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابر است می‌تواند؛ برای این که این‌ها همه شعاعشان محدود است.»<sup>۱</sup>

«رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیادی دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح... تمام مطبوعات این طور است، منتها اهمیت تلویزیون بیش‌تر از همه است.»<sup>۲</sup>

متأسفانه در رژیم پهلوی، از این رسانه‌ی پراهمیت در جهت منفی و تخریبی آن بهره‌گیری می‌شد. این رسانه با نمایش تصاویر مستهجن و ضد اخلاقی، فیلم‌های مبتذل و گمراه‌کننده، شوهای مستهجن، پخش موسیقی و رقص و آوازهای حرام، آثار و پیامدهای شوم زیادی بر افراد جامعه و

۱. آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آرای حضرت امام، ص ۲۴۰.

۲. همان، ص ۲۳۶.

مخصوصاً نسل جوان داشت؛ از جمله ترویج فرهنگ منحط غربی، ترویج روابط نامشروع و ضد اخلاقی بین زنان و مردان، توسعه و ترویج فرهنگ بی‌حجابی و بی‌عفتی، معرفی و تبلیغ افراد فاسد و منحرف - از قبیل خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و رقاصه‌های داخلی و خارجی - به عنوان الگو، تحریک و تقویت روحیه‌ی شهوانی، بی‌حرمتی به شأن و شخصیت زن و استفاده از او به عنوان ابزار تبلیغاتی برای پر کردن جیب سرمایه‌داران. خوشبختانه با پیروزی انقلاب، به این وضعیت اسفناک خاتمه داده شد و رادیو و تلویزیون با ارایه‌ی برنامه‌های سازنده و مفید، در جهت رشد و تعالی مردم گام‌های مؤثری برداشته‌اند.

سینماها نیز یکی از محیط‌های فاسد و ضد اخلاقی دوران رژیم پهلوی بود. آزادی انحطاط و فساد اخلاقی در سینماها، بیش از رادیو و تلویزیون بود؛ هم فضا و محیط سینماها، فضایی بسته و مستعد برای انواع آلودگی‌ها و اختلاط نامشروع زنان و مردان و نیز دختران و پسران جوان بود و هم فیلم‌هایی که نمایش داده می‌شد، مملو از صحنه‌های زشت و مستهجن بود. فساد این گونه فیلم‌ها تا حدی بود که ناگزیر بودند تماشای آن را علی‌الظاهر برای اشخاص کم‌تر از ۱۸ سال ممنوع کنند؛ هرچند این ضابطه عملاً رعایت نمی‌شد و دختران و پسران نوجوان نیز به تماشای این گونه فیلم‌ها می‌رفتند؛ چرا که روزنامه‌ها نیز مملو از آگهی‌های تبلیغاتی سینماها و دعوت مردم به تماشای فیلم‌هایی بود که تماشای آن برای اشخاص کم‌تر از ۱۸ سال ممنوع بود.

ناگفته نماند که بسیاری از روابط نامشروع و ضد اخلاقی نمایش داده شده در فیلم‌ها، عملاً برای جوانان جنبه‌ی آموزشی داشت و جوانان را به تقلید از اعمال و کردار آن‌ها در جامعه و محیط خانوادگی وامی‌داشت.

پیروزی انقلاب به این مفسده هم پایان داد و امروز به برکت انقلاب اسلامی، فیلم‌های سالم و مفید زیادی در سینماها به نمایش درمی‌آید؛ هرچند به واسطه‌ی آزادی عمل بیش‌تر این رسانه‌ها، نیاز به توجه جدی‌تری برای حفظ سلامت آن احساس می‌شود.

#### ۹. ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه

رژیم پهلوی در راستای سیاست دین ستیزی، تلاش زیادی در جهت جدایی و ایجاد شکاف بین حوزه و دانشگاه داشت و حتی به دنبال ایجاد دشمنی و عداوت بین این دو مرکز مهم بود. حضرت امام علیه السلام در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خود، از این توطئه‌ی محمدرضا چنین پرده‌برداری می‌نماید:

«یکی از روش‌های محمدرضا در به انزوا کشاندن روحانیت، ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیون بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع‌الأسف به واسطه‌ی بی‌خبری هر دو قشر از توطئه‌ی شیطنی ابرقدرت‌ها، نتیجه‌ی چشمگیری گرفته شد. از یک طرف از دبستان‌ها تا دانشگاه‌ها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها از بین غرب‌زدگان یا شرق‌زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گمارده شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند، که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام به خصوص و از وابستگان به ادیان - خصوصاً



روحانیون و مبلغان - متنفر باشند و اینان را عمال انگلیس در آن زمان و طرفدار سرمایه‌داران و زمین‌خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند؛ و از طرف دیگر، با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و مخالفت با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند.

نتیجه آن که... راه را برای چپا و لگران آن چنان باز کنند که تمام شوون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود.»

امام راحل در دیدار با دانشگاهیان از زاویه‌ای دیگر پرده از روی این توطئه‌ی رژیم پهلوی برداشته، می‌فرماید:

«از اول می‌خواستند این طوری درست بکنند دانشگاه را و جوانان ما را از اول می‌خواستند به یک فرمی بار بیاورند که دشمن بشوند با اسلام، با هر چه که مربوط به اسلام است. اسم آخوند را توی دانشگاه نمی‌شد ببری، اسم دانشگاهی هم در محیط فیضیه نمی‌شد ببری. هر یک از این‌ها اگر می‌رفتند آن‌جا، خودشان را غریب می‌دیدند، خودشان را هیچ می‌دیدند، می‌دیدند به چه محیط بدی وارد شده‌اند؛ برای این بود که این طوری درست کردند تا این که این دو جبهه‌ای که می‌توانند کشور را حفظ کنند و می‌توانند نجات بدهند از گرفتاری‌ها، این‌ها دشمن هم بشوند. این سرکوبی او را بکند، او سرکوبی این را بکند؛ آن‌ها نتیجه‌اش را بگیرند

و نتیجه را گرفتند.

آن قدر پافشاری در دشمنی این دو قشر برای چه بود؟ آن قدر تبلیغات سوء از همه‌ی اطراف نسبت به این طبقه‌ی مظلوم علما و از آن طرف در آن جا آن هم تبلیغات برای دانشگاهی و دانشگاه و این‌ها چه بود؟ برای چه این طور بود؟ برای این بود که می‌ترسیدند که اگر این‌ها به هم نزدیک بشوند و تفاهم کنند، بفهمند که اسلام چه چیز است. اگر بروند این آقایان اساتید دانشگاه در حوزه‌های علمیه و اساتید ببینند که اسلام چیست، وحشت نمی‌کنند آن وقت. آن وقت می‌فهمند که ما چقدر مصیبت کشیدیم در این دوران‌ها و خصوصاً این پنجاه سال، برای این که ما با برادرهای خودمان دشمن بودیم؛ هر کدام دیگری را تضعیف می‌کردیم.

شما توجه داشته باشید به این معنا که باید این پیوند بین دانشگاه و فیضیه برقرار باشد... اگر این دو قشر هماهنگ بشود و اگر صالح بشود این دو قشر دانشمند، کشور ما هیچ نقص دیگری نمی‌تواند پیدا بکند.<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری نیز در جمع دانشجویان و طلاب، با تحلیل از تاریخ علم و دین و تأثیر اروپا در ایجاد جدایی بین آن دو و نیز تأثیر منفی حاصل از آن بر حوزه و دانشگاه، می‌فرمایند:

«در کشور ما هزار سال علم و دین در کنار یکدیگر بودند. علما و پزشکان و منجمان و ریاضیدان‌های بزرگ تاریخ ما

۱. آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آرای امام خمینی رحمه‌الله، ص ۱۶۵.

– آن کسانی که امروز، نامشان و اکتشافشان هنوز در دنیا مطرح است – جزو علمای بالله و صاحبان دین و متفکران دینی بودند. ابن سینایی که هنوز کتاب طبّ او در دنیا به عنوان یک کتاب زنده‌ی علمی مطرح است و در شؤون مختلف به عنوان یک چهره‌ی برجسته‌ی تاریخ بشر، در همه‌ی صحنه‌های علمی دنیا در این هزار سال مطرح بوده و هنوز هم مطرح است و بعضی کارها در تاریخچه‌ی علم به نام او ثبت شده، یک عالم دینی هم بوده است. محمد بن زکریای رازی و ابوریحان بیرونی و دیگر علما و دانشمندان و متفکران و مکتشفان و مخترعان دنیای اسلام نیز همین طور بودند.

این وضع کشور ما و دنیای اسلام بود. تا وقتی که دین حاکم بود و صحنه‌ی زندگی مردم از دین و نفوذ معنوی آن به کلی خالی نشده بود، وضع این گونه بود.

از وقتی که اروپایی‌ها و غربی‌ها و سیاستمداران صهیونیست و متفکرانی که برای نابودی دنیای اسلام نقشه می‌کشیدند، دانش را همراه با سیاست وارد کشور ما کردند، علم را از دین جدا نمودند و نتیجتاً رشته‌ی دین، یک رشته‌ی خالی از علم شد و رشته‌ی علم، یک رشته‌ی خالی از دین گشت. قرن نوزدهم که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب می‌باشد، عبارت از قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه‌ی زندگی است.

این تفکر در کشور ما هم اثر گذاشت و پایه‌ی اصلی دانشگاه

ما بر مبنای غیر دینی گذاشته شد. علما از دانشگاه روگردان شدند و دانشگاه هم از علما و حوزه‌های علمیه رو گردانیدند. این پدیده‌ی مرارت‌بار، هم در حوزه‌ی علمیه و هم در دانشگاه‌ها سوء اثر گذاشت.

در حوزه‌های علمیه سوء اثر گذاشت، زیرا علمای دین را صرفاً به مسایل ذهنی دینی - ولا غیر - محدود و محصور کرد و آن‌ها را از تحولات دنیای خارج بی‌خبر نگه داشت. پیشرفت‌های علم از نظر آن‌ها پوشیده ماند و روح تحوّل‌گرایی و ضرورت تحوّل در فقه اسلام و استنباط احکام دینی - که همواره در تحولات عظیم جهانی، چنین تحولی در استنباط دین و فقه اسلام وجود داشته است و فقه برای رفع نیاز جامعه، مستند به قرآن و سنت است - در حوزه‌ها از بین رفت. حوزه‌ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می‌پیوست، بی‌خبر ماندند و به یک سلسله مسایل فقهی و غالباً شرعی محدود شدند. مسایل اصلی فقه - مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و خلاصه فقه حکومتی - منزوی و متروک و نسیاً منسیاً شد و به مسایل فرعی و فرع الفرع و غالباً دور از حوادث و مسایل مهم زندگی توجه بیش‌تری گردید. این ضربه‌ای بود که به حوزه‌های علمیه وارد آمد.

و اما دانشگاه - که خشت اوّلش از حوزه‌ی علمیه و دین جدا نهاده شده بود - در مِشت کسانی افتاد که نه از دین و نه از اخلاق اسلامی و نه از اخلاق سیاسی و نه از احساس

وجدان یک شهروند نسبت به کشور و ملت‌شان بهره‌ای نداشتند. در طول هفتاد سال اخیر، به جز عده‌ی معدودی از قبیل امیرکبیر و بعدها هم چند نفری که بسیار محدود بودند، بیش‌تر کسانی که زمام امور تحصیلات عالیه در این کشور به دست آن‌ها بوده است... کسانی بوده‌اند که منافع ملت ایران در مقابل منافع بیگانگان برای آن‌ها از هیچ رجحانی برخوردار نبود و بیش‌تر به فکر چیزهای دیگری بودند، تا آینده‌ی این ملت و کشور... علما و دانشمندان و محققان علوم طبیعی در کشور ما، از دین جدا ماندند و در نتیجه به درد مردم و کشور و ملتشان نخوردند. خوب‌ترها و بهترین‌هایشان رفتند و برای بیگانگان مفید واقع شدند. عده‌ای هم در همین جا بودند و برای بیگانه‌ها کار کردند. روشنفکرانی که در همین دانشگاه‌ها درس خواندند، همان‌ها بودند که در طول حکومت پهلوی، اداره‌ی این کشور را به خائنانه‌ترین وجهی بر عهده داشتند و به این ملت خیانت کردند.<sup>۱</sup>

خوشبختانه، پیروزی انقلاب اسلامی، به جدایی و عداوت بین حوزه و دانشگاه پایان داد و طرحی نو برای دوستی و نزدیکی افکنده شد. به فرموده‌ی حضرت امام(ع):

«در این نهضت، یکی از برکات این بود که این قشرها را به هم نزدیک کرد. قشر دانشگاهی با قشر روحانی و طبقه‌ی جوان با هم نزدیک و همکار شدند. این قشرهایی که از هم

۱. حدیث ولایت، ج ۳، صص ۸۶-۹۰.

جدا بودند، با تأیید خدای تبارک و تعالی یکی شدند.<sup>۱</sup>  
از منظر رهبر معظم انقلاب، وحدت حوزه و دانشگاه را می‌توان این  
چنین تحقق بخشید:

«در نظام اسلامی، علم و دین پا به پا باید حرکت کنند.  
وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه  
معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصص‌های حوزه‌ای  
در دانشگاه و تخصص‌های دانشگاهی در حوزه دنبال  
بشود؛ نه، لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و  
خوش‌بین باشند و به هم کمک کنند و با یکدیگر همکاری  
نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه‌ی علم و دین هستند... اما  
باید با هم مرتبط و خوش‌بین باشند، با هم کار کنند، از هم  
جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند. علومی را که امروزه  
حوزه‌های علمیه می‌خواهند فرا بگیرند، دانشگاه‌ها به آن‌ها  
تعلیم بدهند. دین و معرفت دینی را هم که دانشگاهی‌ها  
احتیاج دارند، علمای حوزه به آن‌ها تعلیم بدهند. سرّ  
حضور نمایندگان روحانی در دانشگاه‌ها، همین است.»<sup>۲</sup>

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۷۹.

۲. حدیث ولایت، ج ۳، ص ۹۰.

## فصل سوم: دستاوردهای اقتصادی

### ۱. پی‌ریزی اقتصاد اسلامی و حمایت از محرومان

از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران، تلاش در جهت تحقق اقتصاد اسلامی و حاکمیت بخشیدن به قوانین اسلامی در قلمرو مسایل اقتصادی است. در رژیم گذشته، از آن جا که اعتقاد جدی به اسلام و قوانین و مقررات شرعی وجود نداشت، در قلمرو حوزه‌ی اقتصادی نیز - همانند سایر حوزه‌ها - سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها و قواعد و مقررات آن فارغ از ضوابط شرعی و اسلامی بود. اما از آن جا که در نگرش اسلامی، دین اسلام، دینی است جامع و کامل که در تمامی حوزه‌های زندگی - اجتماعی از جمله مسایل اقتصادی - دارای قاعده و قانون و سیاست‌های مشخص می‌باشد، از این رو نظام حکومت اسلامی از بدو پیروزی انقلاب، جهت‌گیری اقتصادی خود را مبتنی بر قوانین و مقررات اسلامی قرار داده است.

حضرت امام خمینی رحمه الله نیز همیشه با ردّ مکاتب اقتصادی غیر اسلامی - مخصوصاً دو مکتب سرمایه‌داری و کمونیستی - تأکید بر حاکمیت بخشیدن به اقتصاد مبتنی بر اسلام می‌نمودند. ایشان در یکی از پیام‌های خویش می‌فرمایند:

«و یکی از مسایل بسیار مهمی که به عهده‌ی علما و فقها و روحانیت است، مقابله‌ی جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحنط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است.»<sup>۱</sup>

امام راحل در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خویش نیز مجدداً با تأکید بر اقتصاد اسلامی، سایر مکاتب اقتصادی را رد نموده، می‌فرماید:

«اسلام، نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده‌ی توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است - بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند - و نه موافق رژیم‌هایی مانند رژیم کمونیستی و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قایل به اشتراک می‌باشند، بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر به حق به آن عمل شود، چرخ‌های اقتصادی سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه‌ی یک رژیم سالم است، تحقق می‌یابد.»

مسئولان بلندپایه و خبرگان قانون‌گذاری به هنگام تدوین قانون اساسی، در فصل اقتصاد و امور مالی آن، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های

۱. آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آرای امام خمینی، ص ۴۵۵.



کلان اقتصادی را تماماً در جهت حمایت از توده‌ی مردم و اқشار آسیب‌پذیر و نیازمند تنظیم نمودند. در این راستا، اصل ۲۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشتگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقّی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

اصل ۴۳ قانون اساسی نیز سیاست و جهت‌گیری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را چنین بیان می‌کند:

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآورد نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه‌ی کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل

تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد؛

۳. تنظیم برنامه‌ی اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛

۶. منع اسراف و تبذیر در همه‌ی شؤون مربوط به اقتصاد؛ اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛

۸. جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله‌ی خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

از سوی دیگر، برای جلوگیری از تبعیض و عدم توزیع عادلانه‌ی امکانات و درآمدهای ملی در مناطق مختلف کشور، اصل ۴۸ قانون اساسی می‌گوید:

«در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد؛ به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.»

## ۲. مقابله با فساد مالی و اقتصادی

امام خمینی<sup>۱۱</sup> یکی از دلایل مخالفت خود با رژیم پهلوی را حاکمیت سرمایه‌داری بر کشور و فساد اقتصادی آنان عنوان می‌کردند. ساختار حکومتی رژیم پهلوی به گونه‌ای بود که فقط متنفذان و سرمایه‌داران بزرگ می‌توانستند به پست‌های کلیدی کشور دست یافته، بر مردم حکومت کنند، که نتیجه‌ی آن، توسعه و گسترش فساد اقتصادی توسط کارگزاران نظام بود. ارتشبد سابق حسین فردوست می‌گوید:

«اصفیا - رئیس سازمان برنامه - تمام مقاطعه‌ها را به خانواده‌ی فرح اختصاص داده بود و پس از او که مجیدی رئیس سازمان برنامه شد، همین رویه ادامه یافت. اطلاع دقیق دارم که فقط مهندس قطبی (دایی فرح که سرپرستی فرح و مادرش را داشت)، مجید اعلم (دوست شب و روز محمدرضا پهلوی) و مهندس دیبا (یک جوان حداکثر ۳۵ ساله) حدود ۸۰٪ مقاطعه‌های بزرگ کشور را از سازمان

برنامه می‌گرفتند، و با ۲۵٪ حق حساب به دیگران می‌دادند.»<sup>۱</sup>

در بخشی از گزارش کمیته‌ی کنگره‌ی امریکا، فهرست تعدادی از افرادی که بودجه‌ی مربوط به کمک اقتصادی امریکا به ایران را به یغما برده‌اند، قید گردیده است. در میان این افراد به اسامی ذیل اشاره شده است:

«خانم لوی هندرسون، همسر سفیر امریکا در تهران، یک میلیون دلار؛ شمس پهلوی، یک میلیون دلار؛ اف میشل، نیم میلیون دلار؛ آلن دالس، رییس سازمان سیای امریکا، یک میلیون دلار؛ هنری. اد. لاس، ناشر مجله‌های تایم و لایف و فورچون، نیم میلیون دلار؛ جرج وی. آلن، سفیر امریکا در ایران، یک میلیون دلار؛ شهناز پهلوی، دختر شاه، دو میلیون دلار؛ حمیدرضا پهلوی، نیم میلیون دلار؛ سلدین چاپلین، سفیر پیشین امریکا در تهران، یک میلیون دلار؛ احمد شفیق، شوهر سابق اشرف، یک میلیون دلار؛ ژنرال محمد خاتمی، شوهر فاطمه پهلوی، یک میلیون دلار؛ فرح پهلوی، پانزده میلیون دلار؛ فاطمه پهلوی، دو میلیون دلار؛ عبدالرضا پهلوی، دو میلیون دلار؛ غلامرضا پهلوی، دو میلیون دلار؛ دکتر علی امینی، دو میلیون دلار؛ راکفلر، دو میلیون دلار؛ محمدرضا پهلوی، یک میلیون دلار؛ اردشیر زاهدی، سه میلیون دلار؛ اشرف پهلوی، سه میلیون دلار؛ اسدالله علم، یک میلیون دلار؛ حسین علا، یک میلیون دلار و...»<sup>۲</sup>

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. همان، ص ۵۶۷.

در مورد فساد اقتصادی درباریان و کارگزاران رژیم پهلوی، حضرت امام خمینی ره در سخنرانی چهارم آذر ۱۳۵۷ خویش در پاریس فرمودند: «من خواندم این را یا در یک چیز بود که برای من خواندند، این را که یک ویلایی برای خواهر شاه، یک کدام از این خواهرانش،<sup>۱</sup> یک ویلایی خریده‌اند به چه قیمت، آن را من یادم نیست، اما نوشته بود که ۶ میلیون دلار خرج گل کاری آن جا شده! یک همچون ویلایی از پول کی؟ ما که رضاخان را می‌شناختیم؛ وقتی که آمد این جا، یک آدم لختی بود.»<sup>۲</sup>

منصور رفیع‌زاده - آخرین رییس شعبه‌ی ساواک در امریکا - در کتاب خاطرات خود درباره‌ی جشن افسانه‌ای شاه در تخت جمشید شیراز که به مناسبت نظام ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی در ایران برگزار گردید، می‌نویسد: «یک لیست کامل از بخش خریده‌های ساواک به دست آوردم که بر اساس آن، کار طبخ اغذیه‌ی جشن به رستوران ماکزیم در پاریس محول شد. تزئین ۵۹ چادر میهمان‌ها و ۳ چادر سلطنتی که همگی مجهز به تهویه‌ی مطبوع بودند در صحرا، به عهده‌ی شرکت فرانسوی جانسن در پاریس گذارده شد. این شرکت مسؤولیت دکور مجدد کاخ سفید برای ژاکلین کندی را نیز بر عهده داشت. مبلمان از نوع لویی XV، حمام‌ها از سنگ مرمر فرانسوی، شمعدان‌ها لیموگیس چینی و ظروف کریستالی با کارات بودند. برای این جشن‌ها

۱. منظور، شمس خواهر بزرگ‌تر شاه است، که در مهردشت کرج، با کمک بزرگ‌ترین معماران انگلیس، قصری افسانه‌ای به نام مروارید بنا نهاد، که انبوهی از گیاهان و درختان زیبا آن را آراسته بودند.

۲. معماران تباهی، ج ۳، ص ۴۳۱.

۱۶۵ پیش خدمت زن و مرد، ۲۵ متخصص زیبایی (زن و مرد)، ۱۵۰۰ کلاه گیس مردانه، ۳۰۰ نیم کلاه گیس، ۴۰۰ جفت مژه و لباس‌های فرانسوی در نظر گرفته شد.

طبق گزارش ۱۵ اکتبر مجله‌ی تایم، ۳/۵ تن کره و پنیر، نیم تن خامه، ۲۵۰ بطری شراب معادل ۸۴۰/۰۰۰ دلار، لامپ‌های رنگی و فرش و قالیچه برای تمامی چادرها، محوطه‌سازی که شامل چند هزار قطعه فضای سبز و چند هزار تاج گل می‌شد، همه توسط نیروی هوایی ایران از پاریس آورده شده بود. تأمین اجناس و اشیای این مراسم، بازرگانان پاریسی را که تهیه‌ی همه چیز را برعهده داشتند، یک سال تمام مشغول کرد، پروازهای دو بار در ماه هواپیما و ستون کامیون‌ها، کلیه‌ی اقلام مورد نظر را از پاریس به صحرا حمل نمودند.

یکی از خلبانان ایرانی به من گفت من با هواپیمای ۷۰۷ خود به اندازه‌ی یک سال پرواز، فرش و کریستال و مشروب و سنگ مرمر برای حمام‌ها حمل و نقل کرده‌ام. هر چند فرش ایران در دنیا از شهرت چند ساله برخوردار است، تمامی فرش‌های مورد نیاز چادرها به فرانسه سفارش داده شده بود.

مجموع هزینه‌های این جشن ۳۰۰ میلیون دلار برآورد شد، اما مسلماً هزینه‌های واقعی به مراتب بیش از مبلغ فوق بود، زیرا عمده‌ی مخارج به گردن وزارتخانه‌های مختلف بود و هیچ یک از وزرا جرأت مطرح نمودن آن را نزد شاه

نداشتند. همچنین تمامی سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی موظف بودند مبالغی را به برگزاری این جشن اختصاص دهند. طبق یک برآورد تقریبی، توسط شاه ۸۰۰ میلیون دلار در این جشن هزینه شد.<sup>۱</sup>

این‌ها نمونه‌ی کوچکی از هزاران مورد مفاسد اقتصادی دوران رژیم پهلوی است، اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی به این تباهی‌ها پایان داده شد. نگاهی به زندگی و شخصیت رهبران و کارگزاران اصلی نظام اسلامی، نشان می‌دهد که اکثریت قاطع آن‌ها از اقشار معمولی و عادی جامعه بوده و به صنف سرمایه‌داران بزرگ تعلق نداشته‌اند. به برکت انقلاب، مفاسد اقتصادی و تاراج بیت‌المال به شدت کاهش یافت.

### ۳. حمایت از تولیدات داخلی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب، جلوگیری از گسترش بی‌رویه‌ی واردات کالاهای خارجی است. کشورهای غربی و آمریکا از اتکای رژیم پهلوی به آن‌ها سوء استفاده کرده و فروش انواع کالاهای خود را به آن تحمیل می‌کردند. کشورهای غربی و آمریکا، نه تنها از این واردات تحمیلی به ایران سود سرشاری نصیب خود می‌نمودند، بلکه از سوی دیگر، با وابسته و متکی نگه داشتن رژیم پهلوی به خود، سایر سیاست‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش را نیز به او تحمیل می‌کردند. جدول زیر، میزان واردات ایران از آمریکا را طی پنج سال نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. خاطرات منصور رفیع‌زاده، آخرین رئیس شعبه‌ی ساواک در آمریکا، صص ۲۳۰-۲۳۷.

۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ص ۴۲۶.

میزان واردات از امریکا در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴

سال	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴
میزان واردات به میلیارد دلار	۲۲	۳۲	۳۳	۸۹	۱۵۸

این آمار نشان می‌دهد که طی چهار سال، میزان واردات کالا از امریکا از ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۰ به ۱۵۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۴، یعنی بیش از هفت برابر رسید. ویلیام سولیوان - آخرین سفیر امریکا در ایران در دوران رژیم پهلوی - در خاطرات خود می‌نویسد:

«در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) تولید متوسط روزانه‌ی نفت در حدود ۵/۸۰۰/۰۰۰ بشکه بود، که ۵ میلیون بشکه‌ی آن در بازارهای جهان به فروش می‌رسید و ایران پس از عربستان سعودی دومین صادرکننده‌ی بزرگ نفت در جهان به شمار می‌رفت. درآمدی که در سال ۱۹۷۷ از این طریق نصیب ایران شد، قریب ۲۴ میلیارد دلار بود، که مهم‌ترین منبع درآمد ارزی و بزرگ‌ترین عامل فعالیت‌های اقتصادی و تولید ملی به شمار می‌آمد.

به علت کاهش تولیدات کشاورزی و افزایش مصرف داخلی، قسمتی از درآمد نفت صرف واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی و عرضه‌ی آن در بازارهای داخلی به قیمت‌های ارزان‌تر از خرید می‌گردید. به عنوان مثال، بزرگ‌ترین وارد کننده‌ی برنج امریکایی بود و قسمت عمده‌ی گندم مورد نیاز خود



راهم از امریکا تأمین می‌کرد.»<sup>۱</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از تولیدات داخلی به عنوان یکی از دستاوردهای اقتصادی کشور مورد توجه رهبران و مسئولان ارشد نظام بود و این سیاست در بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بدین شکل مورد توجه قرار گرفت:

«تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله‌ی خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

همچنین در بند ۱۳ اصل ۳ قانون اساسی، «تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها» را به عنوان یکی از وظایف دولت بر شمرده، که باید همه‌ی امکانات خود را برای تحقق آن‌ها به کار گیرد.

حمایت از تولیدات داخلی در طی سال‌های پس از انقلاب، منجر به رشد ابتکارات، خلاقیت‌ها و سازندگی‌های فراوان در زمینه‌های مختلف؛ از قبیل مخابرات، صنایع نفتی، سد سازی، پتروشیمی، کشاورزی، سیلو سازی و صنایع شده است.

۱. ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص ۱۰۶.

## فصل چهارم: دستاوردهای نظامی

### ۱. قطع دخالت امریکایی‌ها در امور نظامی

در رژیم پهلوی، امریکا تمام تلاش خود را در جهت تسلط بر ارتش ایران و به کار گرفتن آن در راستای اهداف منطقه‌ای و جهانی خود و حتی حفظ رژیم سلطنتی پهلوی معطوف می‌داشت. امریکا به نقش کلیدی ارتش ایران، برای حفظ رژیم پهلوی و به عنوان پایگاه و بازوی نظامی امریکا در منطقه‌ی حساس و حیاتی خلیج فارس و نیز یکی از حلقه‌های امنیتی و دفاعی در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق، به خوبی پی برده بود. لذا تلاش می‌کرد با قاطعیت و هر وسیله‌ی ممکن و در عین حال با ظرافت خاص، بر همه‌ی ارکان اساسی ارتش نظارت و تسلط لازم را داشته باشد و آن را به طور کامل در اختیار اهداف و سیاست‌های خود قرار دهد.

یکی از این دخالت‌ها، حضور گسترده‌ی نظامیان امریکایی در ایران

بود. در ایران، نزدیک به ۳۰ هزار نظامی خارجی مشغول کار بودند؛ یعنی در برابر هر ۶ نظامی ایران، یک امریکایی در ارتش ایران وجود داشت و تا پیروزی انقلاب، مشاوران (مستشاران) نظامی ارتش ایران دو برابر (یعنی ۶۰ هزار نفر) شد. بدیهی است که این حضور گسترده و حتی خود را در رنگ و لباس صاحب‌خانه در آوردن، بی‌جهت نبود.

ویلیام سولیوان - آخرین سفیر امریکا در ایران - در بخشی از خاطرات خود می‌نویسد:

«امریکایی‌ها توجه زیادی به نیروهای مسلح ایران معطوف داشتند. میسیون نظامی امریکا در ایران هم وضع منحصر به فردی داشت. تفاوت میسیون نظامی امریکا در ایران با هیأت‌های نظامی در سایر کشورهای جهان، این بود که پرسنل نظامی امریکا در ایران، عملاً جزو نیروهای مسلح ایران به شمار می‌آمدند و در اواخر سلطنت شاه، به استثنای شش نفر از افسران ارشد امریکایی، بقیه‌ی مستشاران و کارکنان امریکایی نیروهای مسلح ایران، حقوق بگیر دولت ایران بودند. حقوق و مزایا و هزینه‌ی ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان آن‌ها از طرف دولت ایران تأمین می‌شد و علایمی که روی او نیفورم آن‌ها دوخته می‌شد، آن‌ها را عضو خانواده‌ی نیروهای مسلح ایران به شمار می‌آورد.»<sup>۱</sup>

آنان سعی می‌کردند از تمام ابعاد و اطلاعات ارتش ایران آگاه باشند؛ به طوری که باز هم ویلیام سولیوان می‌گوید:



«اخبار و مسایل مربوط به ارتش ایران را با توجه و علاقه‌ی خاص دنبال می‌کردم. کمی پس از ورود به تهران، با فرماندهان و مقامات ارشد ارتش ایران تماس‌هایی برقرار کردم و ضمن آشنایی با آن‌ها، از سازمان و فرماندهی نیروهای مسلح ایران آگاهی یافتیم.»<sup>۱</sup>

تربیت و پرورش نظامیان ایرانی متناسب با مقاصد و سیاست‌های آمریکا، از دیگر اهداف آن‌ها بود. آنان سعی می‌کردند از نظر سیاسی و فرهنگی، ارتشیان را منطبق با آداب و رسوم آمریکایی تربیت کنند. مستشاران آمریکایی در انتخاب افراد برای اعزام به آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند و پس از بازگشت افسران آموزش‌دیده‌ی ایرانی در آمریکا نیز، وظیفه‌ی تعیین پست و مقام این افسران بر عهده‌ی مستشاران آمریکایی بود.

در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۷، اولین گروه از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی ایران به قصد کسب آموزش‌های ویژه، راهی آمریکا شدند. تا سال ۱۳۵۳، تعداد ۱۱۰۰۰ نفر از افسران و پرسنل نظامی ایران در آمریکا آموزش دیدند. این تعداد، غیر از افسرانی بود که از طریق پلیس ایران برای آموزش به آمریکا اعزام شده بودند.

علاوه بر این، آمریکا در مورد آموزش افسران ایران توسط ارتش اسرائیل، قراردادهایی با دولت اسرائیل منعقد کرده بود. آنان می‌کوشیدند تا نظامی ایرانی در طول آموزش، نسبت به فرهنگ خود احساس حقارت کند و فرهنگ آمریکایی را به عنوان فرهنگ برتر و مرفقی به شمار آورد. در این باره، ژنرال هایزر می‌گوید:

«تیمسار امیرحسین ربیعی مثل همیشه دوستانه از من استقبال کرد. او که در امریکا تربیت شده بود، همواره به آن کشور عشق می‌ورزید.»<sup>۱</sup>

همچنین درباره دریا سالار کمال‌الدین میرحبیب‌اللهی می‌گوید:

«اغلب تعلیمات او در نیروی دریایی امریکا بود. به همین علت نیز دارای پیوندهای نزدیکی با امریکا بود و به تازگی برای حفظ سلامت همسر و فرزندانش، آن‌ها را به امریکا فرستاده بود.»<sup>۲</sup>

به دلیل همین تربیت غلط بود که حضرت امام<sup>علیه‌السلام</sup> از آن انتقاد می‌نمایند و می‌فرمایند:

«ارتش ما را یک ارتش غیر ملّی و متّکی بر غیر تربیت کردند.»<sup>۳</sup>

«ما می‌خواهیم یک ارتش مستقل داشته باشیم، یک ارتش که مربوط به غیر نباشد، مربوط به ملّت باشد. ما می‌خواهیم ارتش ما آزاد باشد، اسرائیل در آن تصرّف نکند، امریکا در آن تصرّف نکند.»<sup>۴</sup>

متأسفانه استفاده از ارتش ایران به عنوان بازوی نظامی در منطقه‌ی خلیج فارس، به طور جدی در سیاست امریکا وجود داشت؛ به طوری که ژنرال هایزر می‌نویسد:

۱. مأموریت مخفی در تهران (خاطرات ژنرال هایزر)، ترجمه‌ی سید محمد حسین عابدی.

صص ۶۶-۸۱.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۸۲.

«نیروی نظامی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس برای منافع جهان غرب بسیار حیاتی بود.»<sup>۱</sup>

همچنین از دخالت‌های امریکایی‌ها در امور نظامی و ارتش ایران، مداخله در سیاست‌ها و خرید سلاح ایران از خارج بود. آن‌ها خود را مالک بی‌رقیب و شریک ارتش ایران و مستحق تعیین تکلیف برنامه‌های خرید سلاح ایران می‌دانستند، و حتی از بیان این مداخله‌ی صریح نیز ابایی نداشتند. مثلاً جرج بال - معاون اسبق وزارت خارجه‌ی امریکا - می‌گوید: «از سال ۱۳۳۲ که شاه به قدرت بازگشت، تا سال ۱۳۵۱، ما شاه را به طور کامل تحت نظارت داشتیم. این ما بودیم که می‌گفتیم شما به فلان سلاح احتیاج ندارید یا به فلان سلاح احتیاج دارید. بدین ترتیب، در طول ۱۹ سال، کل اسلحه‌ای که شاه از امریکا خریداری کرد، از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار تجاوز نمی‌کرد، ولی بعد از آن که نیکسون و کیسینجر به او اختیار دادند، میزان خرید اسلحه‌ی شاه از امریکا به مدت ۷ سال، ۲۰ برابر شد.»<sup>۲</sup>

بدون تردید، هدایت‌ها و دخالت‌های امریکاییان در برنامه‌های خرید سلاح ایران، به گونه‌ای بود که ارتش ایران از نظر تسلیحات و به کارگیری سلاح‌ها، وابسته به نظامیان و مستشاران امریکایی باشد. همچنین امریکا با فروش انحصاری سلاح به ایران، درآمد قابل توجهی به دست آورد. از دیگر حقوق تبعیض‌آمیز و غیر عادلانه‌ای که برای مستشاران امریکایی و اعضای خانواده‌ی آنان در نظر گرفته شده بود، مصونیت از

۱. مأموریت مخفی در تهران (خاطرات ژنرال هایزر)، ص ۴۶.

۲. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۴۷.

تعقیب قضایی در ایران بود. هر قدر وابستگی رژیم شاه به امریکا بیش تر می شد، خواسته های نامشروع امریکا نیز فزونی می گرفت. در سال ۱۳۴۰ امریکا درخواست اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی و اعضای خانواده هایشان را نمود، تا در صورت ارتکاب هرگونه جرمی از طرف آنها، دادگاه های ایران نتوانند آنان را محاکمه کنند. در واقع، برای محو این تبعیض بود که امام خمینی علیه السلام شجاعانه به صحنه آمدند و با ایراد یک سخنرانی آتشین و افشاگرانه، این خیانت رژیم پهلوی را برملا ساختند. رژیم که خود را در خطر می دید، تنها راه را تبعید امام به ترکیه دانست. حضرت امام علیه السلام در سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۵۷ به شدت حضور مستشاران امریکایی را تقبیح نمودند و فرمودند:

«تا کی باید ما و دولت های ما تحت سلطه ی اجانب باشیم؟  
تا کی باید مستشاران امریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟  
تا کی باید یک گروه بان شوروی، یک گروه بان انگلیسی،  
یک گروه بان امریکایی بر ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها  
را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک هم بیرون  
کنند.»<sup>۱</sup>

در همین راستا - یعنی زوده شدن حضور نظامیان خارجی - اصل ۱۴۵ قانون اساسی مقرر می دارد:

«هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی  
کشور پذیرفته نمی شود.»

در هر حال، یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران، پایان دادن به حضور  
ننگین مستشاران در ارتش جمهوری اسلامی و عزت آفرینی،

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۵۲.

استقلال بخشی و افتخار برای آنان بود.

## ۲. مردمی شدن و خدمت‌گزاری ارتش

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال تغییر حکومت از نظام طاغوتی و سلطنتی به نظام اسلامی، ارتش و قوای انتظامی نیز از سلطه‌ی حاکمان طاغوتی رهایی یافته، در خدمت نظام اسلامی و الهی و حکومتی متکّی بر رأی و خواسته‌ی مردم قرار گرفتند. همچنین فرهنگ شاه پرستی و شخصی محوری تبدیل به فرهنگ خداپرستی و دین محوری گردید. امام خمینی ره با اشاره به این دستاورد انقلاب اسلامی، خطاب به قوای انتظامی می‌فرمایند:

«امروز تمام قوای انتظامی، این‌ها همه در خدمت اسلام هستند. یک وقت بود که شهربانی و همین‌طور سایر گروه‌های انتظامی در خدمت طاغوت بودند. وضع پلیس در دنیا و در رژیم سابق این بود که همه در خدمت قدرتمندان بودند.»<sup>۱</sup>

متأسفانه در رژیم سابق، به خدمت گرفتن نیروهای مسلح برای حفظ تاج و تخت از یک طرف، و غیر مردمی بودن رژیم پهلوی از طرف دیگر، موجب می‌شد که روز به روز بین مردم و نیروهای مسلح شکاف و فاصله ایجاد شود. این جدایی منجر به عدم محبوبیت ارتشیان در بین مردم شده بود و نوعی ترس آمیخته با تنفر را نیز به دنبال داشت.

حضرت امام ره در این باره می‌فرمایند:

«در زمان طاغوت، ارتش از ملت جدا بود و از روحانیت

---

۱. محمد باقری، دیدگاه‌ها و رهنمودها، ص ۵.



جداتر. مردم را طوری بار آورده بودند و به صورتی از ارتش و سایر قوای انتظامی ترسانده بودند که مردم با دیدن آن‌ها احساس ناراحتی می‌کردند.<sup>۱</sup>

«در گذشته ارتش وقتی می‌آمد توی مردم، مثل این که دشمن آمده است، جمعیت از او فرار می‌کردند و پشت می‌کردند به او، و پاسبان وقتی می‌آمد در بین مردم، مردم از او فرار می‌کردند؛ تنفر داشتند.»<sup>۲</sup>

«ارتش را طوری بار می‌آوردند که در مقابل ملت بایستد. ملت و ارتش در آن نظام‌ها همیشه در برابر هم بودند و ارتش در میان مردم ایجاد رعب می‌کرد و مردم هم تا جایی که می‌توانستند، کارشکنی می‌کردند.»<sup>۳</sup>

رژیم پهلوی از همبستگی و ارتباط نزدیک مردم با ارتش نگران بود و آن را خطری علیه حکومت سلطنتی خود می‌دید و سعی می‌کرد بین آن دو جدایی بیندازد. در این زمینه، پارسونز - سفیر انگلیس در تهران - می‌نویسد:

«نیروهای مسلح ایران یک طبقه‌ی ممتاز و نازپرورده‌ی جامعه را تشکیل می‌دادند. آن‌ها غرق در تجهیزات مدرن و پیچیده‌ی نظامی، کاملاً از غیر نظامیان جدا نگه داشته می‌شدند. به طور کلی نیروهای مسلح در میان مردم محبوبیت زیادی نداشتند، تفرعن و تبختر افسران در

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۴۸.

برخورد با مردم در مجامع عمومی و مغازه‌ها و خیابان‌ها، امتیازاتی که رژیم برای آن‌ها قایل شده بود و سهم درشتی که از بودجه‌ی کشور برای آن‌ها اختصاص داده بودند و در مجموع یک نوع احساس تبعیض بین نظامی‌ها و غیر نظامی‌ها، این احساس را تقویت می‌کرد.<sup>۱</sup>

اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حکومت مردمی و متکی به رأی و خواسته‌ی مردم، تمامی اجزا و ارکان ارتش و قوای انتظامی در خدمت مردم عزیز ایران قرار گرفته، پیوند مستحکمی بین نیروهای مسلح و مردم به وجود آمد. بدین معنا که مردم به برادران ارتشی خود عشق و علاقه نشان داده، متقابلاً نیروهای مسلح هم خود را خادم ملت می‌دانند. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«ارتش، ارتش مردمی است، نه ارتش طاغوتی که سرکوب کند. ارتش است که با مردم زیر یک سقف جمع می‌شوند و مردم برای آن‌ها تظاهر می‌کنند و این‌ها هم برای مردم تظاهر می‌کنند. این یک چیز تازه‌ای است که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کرده و این را حفظ کنید. همان‌طور که ملت بدون ارتش نمی‌تواند ادامه‌ی زندگی بدهد، ارتش هم بدون ملت نمی‌تواند ادامه‌ی زندگی بدهد.»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری هم فرمودند:

«ارتش جمهوری اسلامی ایران، آنچه را که امروز دارد، باید قدر بداند و به نظر من از همه چیز برتر و بیش از همه،

۱. خاطرات دو سفیر، ص ۳۰۰.

۲. نشریه‌ی سیاسی - نظامی سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، شماره‌ی ۲۵۰، ص ۴.

جایگاه و پایگاه مردمی ارتش است.»<sup>۱</sup>

### ۳. خلاقیت و نوآوری در نیروهای نظامی

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، از بین رفتن روحیه‌ی حقارت و خود کم‌بینی و متقابلاً ایجاد روحیه‌ی ابتکار و خلاقیت در کارکنان و متخصصان نیروهای مسلح می‌باشد. این تحول، باعث بروز شکوفایی استعدادهای کارکنان و متخصصان نیروهای مسلح و ایجاد تحولات ارزشمند در حوزه‌ی پشتیبانی از نیروهای مسلح کشور شده است. به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، نظامیان احساس هویت کردند و به خودباوری رسیدند. حضرت امام ضمن تأیید این امر، فرمودند:

«ما افتخار می‌کنیم که به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع ده‌ها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی - آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ‌گونه کمک خارجی - دسته یافته‌ایم. شما دیدید که در این جنگ تحمیلی که پیش آمد و محاصره‌ی اقتصادی شدیم؛ خود ایرانی‌ها، خود ارتشی‌ها این قطعات را درست کردند. اگر قبل از این بود، یکی از آن قطعات را نمی‌توانستند درست کنند؛ از باب این که شخصیتشان را گم کرده بودند، می‌گفتند باید متخصص بیاید.»<sup>۲</sup>

۱. از ۲۹ فروردین تا ارتش حزب‌الله، ص ۷۵، سخنرانی ۱۳۷۰/۵/۹.

۲. علی شخیان و علی محمدی و مهدی عبداللهی، نیروهای مسلح در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی امام خمینی علیه السلام، ص ۲۰۰.

رهبر معظم انقلاب نیز در این زمینه در دیدار با اجتماع ۲۰۰ هزار نفری شرکت کنندگان در مانور بزرگ ذوالفقار فرمودند:

«در رژیم گذشته‌ی کشور عزیز ما، پول‌های گزاف و بی‌حسابی به بیگانگان داده می‌شد و ابزارهای نظامی در اختیار آن رژیم قرار می‌گرفت، اما کاملاً تحت اختیار و زیر کلید و در کنترل خودشان! هواپیماهایی که به ایران می‌فروختند، حتی اجازه نمی‌دادند که قطعات یدکی آن‌ها در این جا ساخته شود؛ حتی قطعات مرکب آن‌ها در این جا باز گردد و شناخته شود؛ آن قطعه را همین طور درسته سوار هواپیما می‌کردند و به کشور سازنده می‌بردند. در آن جا یک قطعه‌ی دیگر با قیمت گزافی می‌فروختند و به ایران می‌فرستادند؛ در حالی که ایرانی می‌توانست آن را تعمیر کند! این جوان صنعتگر ایرانی که امروز در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به خود این گستاخی و جرأت را می‌دهد که به فکر ساختن یک هواپیمای شکاری بمب‌افکن بیفتد و یک جنگنده‌ی مجهز و پیشرفته بسازد، همین‌ها در ارتش آن روز ایران و در سراسر کشور ما بودند، اما کارایی نداشتند! استعداد بود، امکان بود، اما قدرت به کار انداختن نبود و به آن‌ها فرصت داده نمی‌شد.

امروز جوانان ما، صنعتگران ما، مهندسان ما، فناوران ما، با ابتکاری که مخصوص ملت ماست - به این معنا که ملت ما هم بحمدالله از آن به صورت ویژه‌ای برخوردار است - در زمینه‌ی ساخت تجهیزات نظامی، توانسته‌اند پیشرفت‌های

زیادی پیدا کنند. این هواپیمای آذرخش را با استفاده از تجربیات خود ساختند. چون ما انواع هواپیماهای ساخت کشورهای مختلف را در این جا داریم - هواپیماهای ساخت کشورهای غربی، ساخت کشورهای شرقی - آنچه را که در آموزش‌ها و تجربه‌های خودشان به دست آوردند، بر روی هم گذاشتند و این هواپیما امروز ساخته شده است و جمهوری اسلامی ایران به وسیله‌ی همین نیروهای مؤمن ما، در عداد سازندگان جنگنده‌های پیشرفته‌ی دنیا درآمده است؛ اما در گذشته چنین فرصت‌هایی داده نمی‌شد.

عزیزان من! جوانان ایران! جوانان نظامی و ارتشی! رژیم‌های خائنی که بر این کشور و بر این آب و خاک مقدس حکومت می‌کردند، سال‌های متمادی پدران شما را تحقیر کردند و اجازه دادند که بیگانگان مردم ایران را تحقیر کنند. نه سیاستمداران ایرانی جرأت نفس کشیدن داشتند، نه دانشمند و فناور ایرانی قدرت کار کردن داشت، نه جوان ایرانی قدرت نوآوری و ابتکار داشت و نه نظامی ایرانی حتی توان دفاع از مرزهای این کشور را داشت.

امریکایی‌ها، استعمارگران، امپراتوری استعمارگر پیر در گذشته - انگلیس - ملت ایران را این طور می‌طلبیدند و این گونه می‌پسندیدند.<sup>۱</sup>

امروزه در پرتو خلاقیت و نوآوری نیروهای ارتش، دستاوردهای

۱. نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۳۴۰ - ۳۴۱؛ به نقل از ۲۹ فروردین تا ارتش حزب‌الله، صص ۷۷.

ارزشمندی نصیب کشورمان شده است؛ همچون بازسازی رادارهای تونیک توسط پرسنل نیروی هوایی، بازسازی بالگردهای فرسوده، ساخت اسکله‌ی شناور توسط وزارت دفاع، تعمیر قطعات راداری توسط همافران نیروی هوایی، راه‌اندازی ناوشکن‌ها توسط متخصصان نیروی دریایی، بازسازی هواپیماهای جنگنده توسط مهندسان نیروی هوایی، تعمیر موتور جت، تعمیر موتور تانک، تجهیز و بهینه‌سازی هواپیمای اف - ۴ به باک‌های خارجی و افزایش برد پروازی، بهسازی سیستم‌های رادار کنترل آتش هواپیماهای اف - ۴، ساخت بالگرد آموزشی، ساخت قطعات تانک‌ها، ساخت موشک‌های با برد بالا، ساخت تانک ذوالفقار ۲، ساخت موشک فاتح ۱۱۰ و اخیراً هم تجهیزات و پیشرفت‌های خیره‌کننده برای تمامی دنیا.

#### ۴. تشکیل بسیج مستضعفان

تشکیل ارتش گسترده‌ی اسلامی و مردمی، یعنی بسیج مستضعفان، از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی است. بسیج و به تعبیر حضرت امام<sup>ع</sup> ارتش ۲۰ میلیونی، به عنوان یکی از بازوهای مهم دفاعی کشور مطرح است، که به دستور امام خمینی<sup>ع</sup> در تاریخ ۵ آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

«بسیج یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت‌آور مخصوص این انقلاب است.»<sup>۱</sup>

ایشان در جای دیگری با یاد کردن از بسیج به عنوان یکی از افتخارات انقلاب، می‌فرمایند:

«یکی از افتخارات انقلاب اسلامی و به خصوص از

۱. حدیث ولایت، ج ۲۰، ص ۲۳، سخنرانی ۱۳۷۶/۹/۶.

افتخارات بزرگ امام راحل عظیم‌الشان<sup>۱</sup>، تشکیل ارتش بیست میلیونی بود.»<sup>۱</sup>

بسیج دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است؛ از جمله تدین و دینداری خمیرمایه‌ی اصلی عناصر و اعضای آن است. همچنین مردمی بودن از ویژگی‌های بارز آن است. در واقع، بسیج نهایت تجلّی و بروز یک ارتش مردمی و عالی‌ترین مرتبه‌ی تعامل نیروهای مسلح یک کشور با توده‌ی مردم خود می‌باشد. نیروهای بسیج که با میل و رغبت و به صورت اختیاری و داوطلبانه به عضویت این نهاد مقدس درمی‌آیند، از توده‌ی مردم سراسر کشور می‌باشند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«بسیج، یک سازمان مشخص رزمی - مثل دیگر سازمان‌ها - نیست؛ بسیج یعنی متن ملّت و همه‌ی آحاد مؤمن و یک حقیقت گسترده در تمام زوایای جامعه.»<sup>۲</sup>

حضور همه‌ی اقشار جامعه در بسیج نمایان است؛ به طوری که مقام معظم رهبری در این مورد هم می‌فرماید:

«بسیج در همه‌ی قشرهاست؛ در قشرهای جوان، در قشرهای پیر، در قشرهای دانشگاهی، در قشرهای دانشجویی، در قشرهای کارگری، در قشرهای کاسب و پیشه‌ور، در قشرهای روحانی. بسیج اختصاص به یک منطقه‌ی جغرافیایی و یک منطقه‌ی انسانی و طبقاتی و قشری ندارد؛ همه جا هست.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۶، ص ۱۷.

۲. سخنرانی ۱۳۷۴/۹/۸.

۳. سخنرانی ۱۳۷۷/۹/۲.

همچنین همه‌ی اقوام کشور از فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب، گیلک و... در آن می‌باشند. در عین حال وحدت و همدلی حاکم بر آن است. در بسیج می‌توان از افراد کم سن و سال تا افراد کهنسال و مسن را دید، که نشان از مسؤولیت‌پذیری و تکلیف‌گرایی در بین اعضای آن است؛ حتی زنان و دختران نیز در آن حضوری مفید، مؤثر و فعال دارند. از دیگر ویژگی‌های بسیجیان، اخلاص و ایثار آنان است. آنان صفای روحی و باطن بی‌آلایشی دارند.

حضرت امام<sup>ع</sup> در مورد این ویژگی بسیجیان می‌فرماید:

«بسیج، شجره‌ی طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند؛ چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام.»<sup>۱</sup>

بسیجیان، امتحان استقامت و پایداری خود را در جنگ تحمیلی به جهانیان نشان دادند و در تمام عرصه‌ها فعال و مسؤولیت‌پذیر بوده‌اند؛ در صحنه‌های سازندگی و بازسازی و محرومیت‌زدایی از مناطق محروم، تا ریشه‌کنی فلج اطفال و تأمین بهداشت عمومی و همه‌ی میدان‌ها. رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف این ویژگی بسیجیان می‌فرماید:

«و آن کسانی که اگر جان لازم باشد، می‌دهند؛ اگر مال لازم باشد، می‌دهند؛ اگر حضور به تن و جسمشان لازم باشد، آن

۱. نیروهای مسلح در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی امام خمینی، ص ۳۸.



را حاضر می‌کنند؛ اگر بحث سازندگی باشد، پا وسط میدان می‌گذارند؛ اگر بحث دفاع باشد، در وسط میدان می‌آیند؛ اگر لازم باشد، برای هدف‌های کشور، خود را از لحاظ علمی آماده کنند، این کار را می‌کنند؛ هر چه هدف‌های والا از آن‌ها بخواهند، حاضرند آن را تقدیم بکنند؛ آن جمعی که این خصوصیات را دارند، اسمشان بسیج است.<sup>۱</sup>

تجربه‌ی عملی انقلاب نشان داده است که هرگاه آرمان‌ها و اهداف انقلاب در معرض خطر قرار گرفته‌اند، بسیجی میدان‌دار و پشتوانه‌ی انقلاب بوده است؛ همان‌گونه که حضرت امام خمینی ره فرمودند:

«رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که بحق پشتوانه‌ی انقلاب اسلامی است.»<sup>۲</sup>

رهبر معظم انقلاب هم فرمودند:

«اگر بگوییم قوام انقلاب به بسیج است، حرف گزافی نگفته‌ایم.»<sup>۳</sup>

ایشان در جای دیگر فرمودند:

«دفاع از این نظام، اولین و مقدس‌ترین و واجب‌ترین فرایض ملت ایران است و بسیجی کسی است که دفاع از انقلاب را به عهده می‌گیرد، چون در حقیقت از اسلام و قرآن دفاع کرده است.»<sup>۴</sup>

۱. سخنرانی ۱۳۷۹/۷/۲۹ در اجتماع بزرگ بسیجیان اردوی امام علی علیه السلام.

۲. نیروهای مسلح در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی امام خمینی، ص ۲۸.

۳. حدیث ولایت، ج ۶، ص ۱۸.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

## ۵. تأسیس سپاه پاسداران

از دیگر دستاوردهای انقلاب، تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، که به فرمان بنیان‌گذار نظام اسلامی بنا نهاده شد. حضرت امام در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب، تأسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را رسماً اعلام نمودند، و فعالیت‌های پاسداران در مسیر درست و هماهنگ قرار گرفت. مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی نیز در ۳۰ مهر ۱۳۵۸ با تأکید بر نقش سپاه پاسداران، بر آن در اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی صحنه گذاشت:

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه‌ی نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن، پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر، با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آن‌ها، به وسیله‌ی قانون تعیین می‌شود.»

سپاه پاسداران در عرصه‌ی دفاع مقدس با توجه به در اختیار داشتن نیروهای مردمی - به ویژه در قالب بسیج - توانست نقش ویژه‌ای به عهده بگیرد و به اعتراف دشمنان، از لحاظ روحی و عملیات گسترده و غافلگیرانه، پشت دشمن را بلرزاند و نامش، شکست روحی و روانی در دشمنان ایجاد کند.

مقام معظم رهبری در تبیین نقش سپاه در دفاع مقدس می‌فرمایند:

«سپاه پاسداران در سایه‌ی روحیه‌ی انقلابی و معنویتی که از سرچشمه‌ی جوشان دل منور و روح مصفای آن امام

عارفان و قدوه‌ی صالحان پیوسته می‌جوشید و بیش از همه، جوانان رزمنده و خالص سپاه و بسیج را سیراب می‌کرد، توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در دفع حمله‌ی ایادی استکبار به جمهوری اسلامی ایفا کند و در کنار ارتش و با به کارگیری بسیج مردمی، درسی تلخی به دشمنان اسلام بدهد و حفظ و استمرار نظام جمهوری اسلامی را تضمین کند.<sup>۱</sup>

سپاه پاسداران در عرصه‌ی فناوری‌های نظامی و توانمندی‌های دفاعی، اقدام به تولید سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته با بهره‌گیری از علوم و پژوهش‌های ویژه نموده است؛ از جمله ساخت ناوچه، ساخت اسکله‌ها و بنادر و سایر سازه‌های دریایی مورد نیاز ناوگان دریایی، طراحی و ساخت و تولید خودروی نظامی، طراحی و ساخت نمونه‌ی بالگرد شاهد، طراحی و ساخت انواع قایق‌های سبک تهاجمی، طراحی و ساخت موشک‌های با برد کوتاه و متوسط که مهم‌ترین آن موشک شهاب ۳ است، طراحی و ساخت قطعات اصلی بسیاری از بالگردها از جمله بالگردهای هیوز، طراحی و ساخت سکوها‌ی پرتاب موشک، طراحی و ساخت پرنده‌های بدون سرنشین، طراحی و ساخت بدنه و قطعات کامپوزیتی، بازسازی کلی سایت‌های پیشرفته‌ی موشکی، ساخت سامانه‌های رادار، بازسازی قطعات پیشرفته در صنایع هوایی، و انجام پروژه‌ی بازسازی تعدادی هواپیمای جنگی سوخوی ۲۵.

پس از پایان دفاع مقدس، رهبر معظم انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران را به شرکت در بازسازی و سازندگی کشور فرمان دادند:

«ارتش و سپاه و نیروهای مشمول، ضمن آن که آمادگی‌های

رزمی را حفظ می‌کنند، در شرایط صلح کامل، باید در خدمت آبادانی و بازسازی کشور باشند.»<sup>۱</sup>

«نیروهای مسلح، ارتش و سپاه، می‌توانند سهم خود را در بازسازی عمومی کشور هم ایفا کنند، همچنان که امروز هر دو سازمان و به خصوص سپاه، طرح‌های بزرگی را در سازندگی عمومی کشور بر عهده گرفته و شریک شده‌اند. ملت ما باید حس کند که نیروهای مسلح نه فقط در دوران جنگ، بلکه در دوران بازسازی هم می‌توانند پیش‌گام و پیش‌قدم باشند.»<sup>۲</sup>

بر این اساس، سپاه پاسداران تا سال ۱۳۸۲ بیش از ۱۳۰۰ طرح بزرگ را در کشور اجرا نمود. ساخت گلدسته‌ی حرم مطهر امام خمینی، احداث سد گتوند خوزستان، ساخت دکل و اسکله‌ی بعثت و اسکله‌ی شهید باهنر، ساخت دستگاه حفاری چال موازی، ساخت دستگاه سنگ شکن مخروطی هیدروکن، احداث ۷۵۰۰۰ هکتار شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی، اجرای ۵۵ کیلومتر تونل با مقاطع مختلف، احداث ۱۴۰۰ کیلومتر راه اتوبان، طراحی و احداث بزرگ‌ترین مجتمع بندری پتروشیمی کشور و جهان در منطقه‌ی پارس جنوبی، ساخت و تعمیر شناورها و دارا بودن مجتمع بزرگ یارد، بازسازی پل خرمشهر و اجرای سد‌های مهم تبارک و چری در اصفهان، از جمله‌ی این موارد است.<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۲، صص ۱۵۴-۱۵۵.

۲. همان، ج ۹، ص ۱۱۶.

۳. نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۳۶۵-۳۶۶.

## فرجام سخن

### نقش امام راحل در احیای دوباره‌ی اسلام

از آنچه گذشت، درمی‌یابیم که رهبری در همه‌ی فرایندها، سازماندهی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و جریان‌ات اجتماعی؛ در کنار عواملی چون زمینه‌ها، شرایط اجتماعی و باورهای مردم، نقش اصلی را در به بار نشستن اهداف و آرمان‌های جامعه دارد. از این منظر، نقش حساس امام خمینی در احیای دوباره‌ی اسلام در سطح جهان، به عنوان دینی که مدعی توانمندی اداره‌ی جوامع بر اساس احکام الهی است، بر کسی پوشیده نیست. معظم له رهبری روحانی، مدبر، شجاع، متفکر، آگاه به زمان و مسایل جهانی بودند، که با بهره‌مندی از شیوه‌های نوین و بدیع، بزرگ‌ترین انقلاب معاصر را هدایت نمودند. ایشان در کوران انقلاب، به عنوان چهره‌ای تاریخ‌ساز و پدیده‌ای استثنایی و کاریزماتیک جلوه کردند و به قول یودو اشتاین باخ، مدیر مؤسسه‌ی شرق‌شناسی آلمان:

«امام خمینی، سیاسی‌ترین رهبر معنوی جهان بود، با شخصیتی جذاب و کاریزماتیک، و تمام آرمان‌هایی که جمهوری اسلامی بر مبنای آن‌ها ساخته شده است، از افکار امام ریشه می‌گیرد.»<sup>۱</sup>

شهید مطهری در کتاب انقلاب اسلامی، درباره‌ی این شخصیت مذهبی سیاسی می‌گوید:

«من در وجود امام خمینی سه آَمَن دیدم که بر ایمان من افزوده شد: آَمَن بِهَدَفِهِ؛ یعنی اگر همه‌ی دنیا هم جمع شوند، نمی‌توانند وی را از هدفش منحرف سازند. آَمَن بِقَوْمِهِ؛ یعنی ایمان داشتن به روحیه‌ی مردم. و از همه مهم‌تر، آَمَن بِرَبِّهِ؛ ایمان و توکل بر خدا.»<sup>۲</sup>

انسانی که دست خدا و عنایت خداوند را همواره حس می‌کند و در راه خدا گام بر می‌دارد، خداوند نیز به مصداق «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، بر نصرتش می‌افزاید. خود امام خمینی بارها به این نکته اشاره داشتند که انقلاب اسلامی ایران، یک تحفه‌ی الهی و یک هدیه‌ی غیبی بوده که از جانب خداوند به این ملت ارزانی شده است.

### ولایت فقیه، مظهر جدایی ناپذیری دین از سیاست

اندیشه‌ی استقرار نظام اسلامی فراگیر و حکومت اسلامی مستقل، با پیدایش اسلام پدید آمد و پس از هجرت رسول اکرم ﷺ، در مدینه به منصفی ظهور عملی رسید و پس از نبی مکرم ﷺ تا قرن‌ها به گونه‌های

۱. امیر عباس کرمی، نقش رهبری حضرت امام خمینی در پیروزی انقلاب اسلامی، ص ۱۲؛ نشریه‌ی ایشار، ش ۲۷.

۲. شهید مطهری، انقلاب اسلامی، ص ۲۴.

مختلف در جهان اسلام جریان داشت. بی‌تردید، حضرت امام نیز از پیروان این تفکر ناب بودند و حرکت عظیم انقلاب اسلامی را بر اساس اعتقاد به جامعیت اسلام و توانایی آن در اداره‌ی جامعه بنیان نهادند.

ایشان برای تحقق اهداف والای خویش، خطرهای و موانع بسیاری را از پیش رو گذراندند، که زیان‌بارتر از همه، تفکر جدایی دین از سیاست بود. این‌پندار و نظریه، سالیان متمادی به شکل‌های گوناگون به متفکران دینی و اجتماعی القا شده بود. با این حال، امام که فقه را تئوری واقعی و کامل اداره‌ی انسان و اجتماع از گهواره تا گور خوانده، حکومت را فلسفه‌ی عملی تمامی فقه در همه‌ی جنبه‌های زندگی بشر می‌دانستند، در نهضت سال ۱۳۴۲، با داشتن مرجعیت دینی، در مقام رهبر سیاسی نیز ظاهر شدند. معظم‌له در اوج اجتهاد و مرجعیت، مردی مبارز و واقف به اصول مدیریت بودند و در گفته‌ها و نوشته‌های خود، هندسه‌ی سیاسی اسلام را با زبانی همه‌فهم و در عین حال دقیق ترسیم می‌کردند.

حضرت امام برای استقرار حکومت اسلامی، مسأله‌ی فراموش شده‌ی ولایت فقیه را مطرح نمودند. طرح این مسأله در قم و تعلیم آن در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف در ایام تبعید و در نهایت، تدوین کلاسیک آن در قالب رساله‌ی ولایت فقیه، محصول این طرز تفکر بود. البته برخی دیگر از علما نیز به مسأله‌ی ولایت فقیه اعتقاد داشتند؛ با این تفاوت که به عقیده‌ی آن‌ها، با این که فقیه ولایت دارد و می‌تواند حکومت تأسیس کند، ولی بر او لازم نیست که این کار را بکند. اما به عقیده‌ی امام، هر فقیه‌ی که امکان و توان عهده‌دار شدن حکومت اسلامی را دارد، باید به این امر اقدام و مقدمات کار را فراهم نماید. امام این پدیده را پرورانه، بر آن استوار ایستاده، موفق شدند آن را به عرصه‌ی عمل بکشانند و جامعه را از نعمت ولی فقیه جامع شرایط بهره‌مند سازند.

### امام خمینیؑ و محبوبیت مردمی

یکی از بزرگ‌ترین امتیازها و از عوامل قطعی موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی، نفوذ کلام و محبوبیت رهبری در میان توده‌های مردم بود. هر چند نیروی حقیقی در امر انقلاب، توده‌های مردم و خواست و اراده‌ی آن‌هاست، اما مردم، آحاد پراکنده‌ای هستند که به محورهای جامع و قوی برای وحدت واقعی نیاز دارند. این جاست که نقش مهم رهبری، خود را می‌نمایاند. علت پذیرش رهبری مطلق امام، این بود که افزون بر داشتن شرایط فردی لازم برای رهبری، حرکت ایشان در مسیر روحی و فکری و نیازهای مردم بود. اگر ایشان پیشوایی مذهبی و اسلامی را بر عهده نداشتند و مردم ایران در عمق وجودشان انس و الفتی با اسلام نداشتند و در نمی‌یافتند که این ندا، همان ندای پیامبر و علی و امام حسین علیه السلام است، هرگز انقلابی به این عظمت در این کشور شکل نمی‌گرفت.

تأثیر رهبری حضرت امام بر تحقق پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در مقایسه با برخی از انقلاب‌های بزرگ معاصر، انکارناشدنی است. ایشان در مقام یک مرجع دینی، پایگاه وسیع و عمیق مردمی داشتند؛ در حالی که دیگر انقلاب‌های مشابه، به گونه‌ای در برابر دین و مذهب و ارباب کلیسا شکل گرفته بودند. امام خمینی، هم طراح و ایدئولوگ انقلاب بودند و هم مدیر و مجری آن. در بررسی انقلاب کبیر فرانسه، در می‌یابیم که نه تنها مکتب و تئورسین مشخص نداشت، بلکه مدیران و مجریان آن از پیش تعیین نشده بودند و رهبری نظام یافته و پایگاه محکم مردمی نیز نداشتند. از این رو، پس از روی کار آمدن دیکتاتوری، همه‌ی عوامل نابود شدند و از همین زمان، اصطلاح «انقلاب، فرزندان خود را می‌خورد» باب شد. همچنین، در مقایسه با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، با وجود ایده‌هایی که «مارکس» بیان می‌کند، او ایدئولوگ انقلاب نیست.



به جرات می‌توان گفت که انقلاب اسلامی، تنها نمونه‌ای میان انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی جهان است که رهبری آن، در مواردی چون فراهم کردن زمینه‌ها، ایجاد انگیزه و سرعت بخشیدن به بسیج و حرکت نیروی عظیم مردمی و دستیابی به اهداف، تأثیر محوری داشته است.

### وحدت، ره‌آورد انقلاب

دشمن، همیشه از وحدت، یکپارچگی و یکسویی اهل حق هراسناک است. پراکندگی، آشفتگی و رویارویی ملت‌ها با یکدیگر، زمینه‌ساز هرز رفتن نیروها و بر باد دادن سرمایه‌هاست. اگر اتحاد جامعه‌ی اسلامی را همچون ذرات پراکنده‌ی نور بدانیم که به تنهایی روشنی و گرمی چندانی نمی‌آفرینند، هدایت و ولایت الهی را می‌توان همچون ذره‌بینی انگاشت که آن نورهای گسسته را در نقطه‌ای کانونی گرد می‌آورد. این وحدت و یکپارچگی جامعه چون محور، و ولایت چونان آتشفشانی، خیمه‌ی استکبار را در هم می‌کوبد.

«در پرتو رهبری عالمانه‌ی حضرت امام و احیای وحدت و همدلی، امروز خواه ناخواه پل ارتباط مسلمانان در جهان بسته شده و همیاری در شرایط دشوار میان مسلمانان رواج و گسترش یافته است.

عظمت این پدیده را از بازتاب‌ها، پی‌آمدها، صف‌آرایی‌ها و زنجیره‌ی امواجی که در جهان آفرید، بهتر می‌توان دریافت. شکوفایی، خودباوری، یکپارچگی، شور و شعور و پیوستگی و همدلی و وحدت، از دستاوردهای مثال‌زدنی این انقلاب شکوهمند است.»<sup>۱</sup> هر جا که فریاد آزادی خواهی بر می‌خیزد، دشمن می‌لرزد و آن را بر ضد خود و منافع خویش می‌بیند:

۱. محمدرضا سنجری، انقلاب اسلامی، رویکردها و واکنش‌ها، صص ۴۲-۴۳ (با تلخیص و تصرف)؛ ماهنامه‌ی تربت، ش ۷، سال ۱۳۷۵.

«يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>

به راستی این وحدت و همدلی، تعادل روانی دشمنان را به هم ریخته و آنان را دچار شتابزدگی در تصمیم کرده است.

### حق شناسی و باطل گریزی، در پرتو انقلاب

در تصویری بسیار لطیف و دقیق از قرآن، حق به جریان آب و باطل به کفی که بر آب نشسته، تشبیه شده است:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»<sup>۲</sup>

در این تمثیل، باطل چونان کفی بر پشت حق یعنی آب معرفی شده، ولی برخلاف آب که حیات بخش و پویاست، باطل تهی و میرا می باشد. اگر به این تمثیل از چشم اندازی دیگر بنگریم، به نکاتی زیبا و بدیع می رسیم. معمولاً به میزانی که شتاب آب بیش تر باشد، کف آن هم بیش تر جلوه می کند و زودتر زوال می پذیرد. هر چند که بر بستر آب سوار می شود و با بهره گیری از آن، می کوشد جلوه گری و چشم نوازی کند. وقتی جریان حق توفنده تر و خروشناک تر باشد، تکاپوی باطل برای ماندن بیش تر می شود. بی شک، اگر انقلاب اسلامی و جریان حق خواهانه و توفنده ی آن نبود، بذر اندیشه های ضد دینی پهلوی با این شتاب فرو نمی پاشید. انقلاب اسلامی، پدیده ای است کم نظیر که قرن ها حاکمیت نظام سلطنت را در هم

۱. منافقون، ۴.

۲. رعد، ۱۷.

پیچید و به جایی رسید که رو در روی تمام باطل ایستاد. هرگز این باور در ذهن قدرتمندان نمی جوشید که روزی این شعله، فراتر از مرزهای جغرافیایی خویش، حضور جهانی بیابد و بی تکیه بر ابزار مدرن تبلیغی، تا ژرفای زندگی جهانیان نفوذ کند و در جای جای دنیا، امید به اسلام و پیروی از قرآن را رقم بزند و جریان حق طلبی را احیا کند. با این حال، به کوری چشم دشمنان، انقلاب اسلامی، زمینه‌ی شناخت دقیق و درست چهره‌های استکبار را فراهم آورد و حقایق مکتوم بر جهانیان معلوم شد.

### عزت آفرینی انقلاب اسلامی

در نظام‌های سلطه و بیداد، ارزش و حرمت انسانی، پایمال تفرعن و خودبزرگ‌بینی ستمگران می‌شود. استکبار، پیرو سازی را در پرتو سبک شمردن افراد جامعه فراهم می‌آورد. در حقیقت، آن گاه که انسان برای خویشتن ارزش و اعتباری قابل نباشد، یا ارزش‌های او را در نگاهش پوچ و بیهوده جلوه دهند، زمینه‌ی سقوط و تباهی او فراهم می‌آید.

متأسفانه برخی از مسلمانان در دنیای معاصر، قربانیان این توطئه و القای شکننده‌ی دشمنان بودند. باور این که اسلام نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز انسان امروز باشد، القای مدام ناکارآمدی اسلام در عصر فناوری و صنعت و نیز ایجاد فضایی لبریز از تحقیر برای مسلمانان، حتی نسل جوان و مسلمان دانشگاهی ما را بدان امر وا داشت که لایه‌هایی از دیگر مکاتب را وام بگیرند و اسلام را با آن در آمیزند، تا کاستی و ضعف موهوم و ساخته‌ی ذهن خود یا القای دشمن را جبران کنند. تلاش و کوشش واهی برای تطبیق آیات الهی بر نظریه‌ی داروین را می‌توان از این تلاش‌ها دانست. خداوند در قرآن مجید درباره‌ی ویژگی‌های نظام فرعون می‌فرماید:

«فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»<sup>۱</sup>

(فرعون) قوم خود را سبک شمرد و در نتیجه از او اطاعت کردند. به درستی که آنان قومی فاسق بودند.

در رویارویی با این توطئه، خوشبختانه بازآفرینی عزت از دست رفته را پس از انقلاب، نه تنها در جامعه‌ی ایرانی، بلکه در سطح منطقه و جهان مشاهده می‌کنیم. شکوفایی استعدادها، و دستیابی به فناوری‌های نوین، قطع زنجیرهای پیدا و پنهان وابستگی، حرکت‌های شکوهمند مبارزاتی در فلسطین و لبنان و عراق، حضور دختران و زنان مسلمان با پوشش اسلامی در ایران و جهان، و تظاهرات سیاه‌پوستان در پایتخت استکبار و اروپا، از جلوه‌های شورانگیز این عزت بازیافته است.

بدین ترتیب، به برکت انقلاب اسلامی، مسلمانان جهان دریافته‌اند که عزتمند و سربلند زیستن در جهان امروز، حق آن‌هاست و همگان می‌توانند رها از حقارت‌های دروغین، در پرتو همت و اراده‌ی خویش، جهانی مستقل و آزاد بسازند، که:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup>

و عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنان است.

براستی که انقلاب اسلامی رشحه‌ای از انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) است. به امید درک عزت‌مندی واقعی مسلمانان و همه مردم در سراسر گیتی در پناه حکومت مهدوی (عج)، و آن روز در راه است و به انتظارت می‌مانیم ای یگانه سبز.

۱. زخرف، ۵۴.

۲. منافقون، ۸.

## منابع

۱. آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
۲. آوای توحید، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۶۹.
۳. آیتی، محمد ابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، تهران، صدوق، ۱۳۶۶.
۴. آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آرای امام خمینی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۹ و مصر ۱۳۷۸.
۶. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۷. ابن اعثم الکوفی، احمد، الفتوح، دارالندوه الجدیده، بیروت، بی‌تا.
۸. ابن شعبه الحرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین علیه السلام، تحف العقول عن آل الرسول، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۴؛ وقم، دفتر انتشارات

- اسلامی، ۱۳۶۳.
۹. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه‌ی احمد جنتی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۰. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. ابن طاووس حسین، علی بن جعفر، اللهوف علی قتلی الطفوف، مطبعه الحیدریه، نجف، ۱۳۶۹ هـ، چاپ انتشارات جهان، تهران، ۱۳۴۸.
۱۲. ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۵ ق.
۱۳. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، للخوارزی، قم، انوارالهدی، ۱۳۷۷.
۱۴. الامین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، بی تا، ۱۹۳۵ م.
۱۵. الحسین جلالی، محمدرضا، الحسین سماته و سیره، قم، دارالمعروف، ۱۳۷۳.
۱۶. الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، بی تا.
۱۷. الشریف الرضی، ابوالحسن الحسین، نهج البلاغه، ضبط لصنه و ابتکر فهارسه العلمیه صبحی الصالح، دارالکتاب اللبنانی، ۱۳۸۷ ق.
۱۸. امام خمینی رحمه الله، اربعین حدیث، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۱.
۱۹. امام خمینی، ترجمه‌ی تحریرالوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۰. امام خمینی، سر الصلوة، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام

۲۲۰ ■ انقلاب عاشورایی

خمینی ره، ۱۳۶۹.

۲۱. امام خمینی، شرح دعای سحر، ترجمه‌ی احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹.

۲۲. امام خمینی ره، کتاب البیع، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

۲۳. امیدوار احمد و یکتا حسین، حضرت امام خمینی ره و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی (دفتر سیاسی)، ۱۳۷۹.

۲۴. امین، سید محسن، امام حسین علیه السلام و حماسه‌ی کربلا، ترجمه‌ی ناصر پاکپور، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۶.

۲۵. انقلاب اسلامی در جستجوی کلام امام، دفتر هفتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۲۶. بلاغ، سخنان موضوعی امام خمینی ره، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۷. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، تهران، نشر مهر، ۱۳۷۵.

۲۸. تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۶۶.

۲۹. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه (معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی).

۳۰. حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل‌البیت، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۴۷.

۳۲. حسین طهرانی، سیدمحمد حسین، لمعات الحسین (برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهدا ابی عبدالله الحسین علیه السلام)، مشهد، نور ملکوت قرآن، ۱۳۸۲.
۳۳. حشمت‌زاده، محمدباقر، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۷۸.
۳۴. حکومت در اسلام (مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه‌ی اسلامی)، تهران، معاونت بین‌المللی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴.
۳۵. خط امام کلام امام، گروه تحقیق واحد فرهنگی جهاد سازندگی استان خوزستان، بی‌تا.
۳۶. در جستجوی راه از کلام امام (دفترهای دهم، چهاردهم، هجدهم)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۳۷. دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران در گستره‌ی جهان (دو جلد)، تهران، مرکز رسیدگی به امور مساجد (معاونت فرهنگی)، ۱۳۷۸.
۳۸. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، مؤسسه‌ی انتشارات مشهور، ۱۳۸۱.
۳۹. دفتر پژوهش‌های مؤسسه‌ی کیهان، معماران تباهی، تهران، کیهان، ۱۳۷۶.
۴۰. دلانوا، کریستین، ساواک، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.
۴۱. دلد، اسکندر، اسرار زندان اوین [بی‌جا]، بهروز [بی‌تا].
۴۲. ذوعلم، علی (گردآورنده)، جرعه‌ی جاری، تهران، پژوهشکده‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۷۷.



۴۳. رسولی محلاتی، نگاهی کوتاه به زندگی زینب کبری (ع)، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۳.
۴۴. روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۴.
۴۵. ستوده، امیررضا (گردآوری)، پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها، از زندگی امام خمینی، نشر پنجره، تهران، ۱۳۷۳.
۴۶. سید شرف‌الدین، المقدمة الزاهره لكتاب المجالس الفاخرة، قم، انتشارات سعیدبن جبیر، بی‌تا.
۴۷. شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن الحسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۴۸. شهیدی، سید جعفر، قیام حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.
۴۹. صادقی، حجت‌الله، گذری بر اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ع)، نشر عصمت، بهار ۱۳۷۹.
۵۰. صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۷۸.
۵۱. صحیفه‌ی نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ع)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۰؛ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ - ۱۳۷۱.
۵۲. صمیمی، مینو، پشت پرده‌ی تخت طاووس، ترجمه‌ی دکتر حسین ابوترابی‌ان، انتشارات تهران، ۱۳۷۲.
۵۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، قم، شریف الرضی، ۱۳۸۳.
۵۴. طبری، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ الرسل والملوک، تاریخ طبری،

- قاهره، مطبعه الحسينيه، ۱۳۲۴ ق.
۵۵. طلوعی، محمود، خاطرات دو سفیر، تهران، نشر علم، ۱۳۷۳.
۵۶. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالشفاعة، ۱۳۷۲.
۵۷. عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، ج ۳، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰ ق.
۵۸. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۵۹. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰.
۶۰. فلسطین از دیدگاه امام خمینی ره، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۳.
۶۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، مؤسسه‌ی جهانی خدمات اسلامی با همکاری مرکز فرهنگی رجاء، ۱۳۷۰.
۶۲. قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، مکتبه البصیرتی، قم، ۱۴۰۵.
۶۳. قمی، عباس، دمع السجوم فی ترجمه النفس المهموم، ترجمه‌ی ابوالحسن شعرانی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۷۴ ق.
۶۴. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، دفتر سوم، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
۶۵. کدیور، جمیل، انتفاضه، حماسه‌ی مقاومت فلسطین، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵.
۶۶. کدیور، جمیل، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
۶۷. کُر بریر و پیر بلانشر، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه‌ی قاسم

- صنعوی، تهران، انتشارات سحاب کتاب، ۱۳۵۸.
۶۸. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۲.
۶۹. گازیوروسکی، مارک. ج، سیاست خارجی امریکا و شاه، ترجمه‌ی جمشید زنگنه، تهران، انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
۷۰. مأموریت مخفی در تهران (خاطرات ژنرال هایزر)، ترجمه‌ی محمدحسین عادل، تهران، خدمات فرهنگی، ۱۳۶۵.
۷۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لعلوم الاثمه الاطهار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی رحمه‌الله، کوثر، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۳.
۷۳. مجموعه مقالات دومین کنگره‌ی بین‌المللی امام خمینی رحمه‌الله و فرهنگ عاشورا، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، نشر عروج، بهار ۱۳۷۶ (دفتر اول تا سوم).
۷۴. محمدی اشتهاردی، محمد، سوگنامه‌ی آل محمد، قم، ناصر، ۱۳۷۰.
۷۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷.
۷۶. محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۷۷. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ تحولات سیاسی ایران، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۷۸. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.

۷۹. مطهری، مرتضی، حماسه‌ی حسینی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳.
۸۰. معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی و مدیریت مطالعات و پژوهش‌ها، ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، نشر هماهنگ، ۱۳۸۲.
۸۱. معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم‌انداز دیگران، تهران، ستاد برگزاری هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
۸۲. معتضد، خسرو، ناکامان کاخ سعدآباد، تهران، زرین، ۱۳۷۵.
۸۳. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه و شرح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامی، بی‌تا.
۸۴. مقرر، عبدالرزاق الموسوی، مقتل الحسین، قدم له محمد حسین المقرر، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۹ الطبعة لحامسه.
۸۵. موحد، ه، دو سال آخر (رفرم تا انقلاب)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۸۶. موسوعة کلمات الامام الحسین (ع)، اعداد لجنة الحديث، معهد تحقیقات باقر العلوم، منظمه الاعلام الاسلامی.
۸۷. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، پیکان، ۱۳۸۰.
۸۸. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، بازتاب رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
۸۹. مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، اداره‌ی تبلیغات، ۱۳۸۲.
۹۰. نجمی، محمدصادق، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، قم، دفتر

انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.

۹۱. وزارت پست و تلگراف و تلفن، ارتباطات در انقلاب اسلامی، تهران،  
مبلغان، ۱۳۷۸.

۹۲. وصیت‌نامه‌ی امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام  
خمینی (ره)، ۱۳۸۴.

۹۳. وصیت‌نامه‌ی موضوعی امام خمینی (ره)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام  
خمینی (ره).

۹۴. ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام  
خمینی، تهران، ۱۳۷۳، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.

۹۵. هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه‌ی سرمایه‌داری در ایران، ترجمه‌ی  
فضل الله نیک‌آیین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.

۹۶. یزدی، محمد، حسین بن علی را بهتر بشناسیم، قم، انتشارات اسوه،  
۱۳۸۳.

۹۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، نجف، مکتبه‌المرتضویه،  
۱۳۵۸؛ و بیروت، دارصادر، دار بیروت، ۱۳۷۹.

## سؤالات گزینه‌ای

۱. کدام عامل باعث پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گردید؟

الف: مکتب اسلام، رهبری امام علیه السلام

ب: رهبری امام علیه السلام، حضور مردم

ج: هر دو گزینه صحیح است

۲. هدف اصلی حکومت اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام چه می‌باشد؟

الف: اجرای احکام الهی      ب: بسط عدالت در جامعه      ج: حفظ نظم و امنیت اجتماعی

۳. علت اساسی شکل‌گیری نهضت عاشورا کدام گزینه است؟

الف: حیف و میل بیت‌المال      ب: حاکمیت ظالمانه‌ی بنی‌امیه      ج: دنیاگرایی صحابه

۴. بنا به فرموده‌ی امام خمینی علیه السلام، ولایت فقیه توسط چه کسی بنا شده است؟

الف: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله      ب: حضرت علی علیه السلام      ج: خداوند تبارک و تعالی

۵. شباهت‌های حکومت ستمگر شاه و یزید در چه می‌باشد؟

الف: ارایه‌ی تصویر قدرتمند و شکست‌ناپذیر

ب: جلوگیری از آگاهی و اطلاع مردم از واقعیت اوضاع

ج: هر دو گزینه

۶. مهمترین عامل حضور مردم در صحنه‌های گوناگون انقلاب اسلامی کدام است؟

الف: پیوند عمیق مردم با رهبری

ب: مأیوس شدن مردم از حکومت پهلوی

ج: دستیابی مردم به آرمان‌های متعالی

۷. از آسیب‌های مهم جامعه در آستانه‌ی انقلاب اسلامی به کدام مورد می‌توان اشاره کرد؟

الف: چپاول ثروت‌ها توسط خاندان پهلوی

ب: به وجود آمدن تضاد طبقاتی

ج: تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی خاندان پهلوی

۸. از نشانه‌های مهم قطع پیوند اسلام با ایران توسط رژیم پهلوی است:

الف: تغییر تقویم از هجری شمسی به شاهنشاهی

ب: سخت‌گیری به روحانیت

ج: ضعیف نگه داشتن متون دینی مدارس

۹. مهمترین علل قیام امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) چه بود؟

الف: براندازی حکومت ظالمانه ب: لیبک به دعوت مردم ج: هر دو گزینه صحیح است

۱۰. از اهداف مهم انقلاب حسینی و نهضت امام خمینی است:

الف: ادای تکلیف و عمل به وظیفه

ب: احیای ارزش‌های دینی

ج: هر دو مورد صحیح است

۱۱. منشأ حاکمیت ظالم بر جامعه اسلامی پس از کدام واقعه شروع گردید؟

الف: واقعه غدیر ب: واقعه سقیفه ج: جنگ جمل

۱۲. این سخن زیبا از کیست؟

«در ایران، انقلاب بدون رهبری آیه الله خمینی (ره) به پیروزی نمی‌رسید.»

الف: دکتر ابراهیم الدسوقی شتا ب: قذافی ج: میشل فوکر

۱۳. حضرت امام، پذیرش قطعنامه را در راستای چه مسأله‌ای می‌دانستند؟

الف: تکلیف‌گرایی ب: فداکاری ج: مصلحت

۱۴. این جمله از کدام شهید کربلایی است: «درندگان بیابان مرا زنده بخورند، اگر دست

از شما بردارم.»

الف: زهیر بن قین ب: محمد بن بشیر ج: حبیب بن مظاهر

۱۵. امام حسین (ع) قیام خود را چگونه قیامی اعلام کردند؟

الف: حق محورانه، حق طلبانه

ب: براندازی ظالم و دفاع از مظلوم

ج: احیای امر به معروف و نهی از منکر

۱۶. شعار: «الموت خیر من رکوب العار» نشان دهنده‌ی چه پیامی است؟  
 الف: عزت طلبی      ب: شهادت طلبی      ج: استقامت
۱۷. کدام شهید کربلا الگوی محبین است:  
 الف: حبیب بن مظاهر      ب: عابس      ج: مسلم بن عوسجه
۱۸. فلسفه‌ی عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام از دیدگاه امام باقر علیه السلام چیست؟  
 الف: منهدم کننده‌ی ظالمان و قوی کننده‌ی مظلومان  
 ب: توجه دادن نفوس مردم به مکتب امام حسین علیه السلام  
 ج: هر دو گزینه صحیح است
۱۹. کدام یک از موارد ذیل از دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی به شمار نمی‌رود؟  
 الف: احیای حاکمیت ولایت فقیه  
 ب: شکستن ابهت پوشالی امریکا  
 ج: احیای ارزش و منزلت معنوی زنان
۲۰. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام حاکم اسلامی باید دارای چه ویژگیهایی باشد؟  
 الف: عادل باشد      ب: کفایت سیاسی داشته باشد      ج: هر دو گزینه صحیح است
۲۱. این سخن ارزشمند از کیست؟  
 «اگر کسی شب‌هایش را به نماز و روزهایش را به روزه سپری کند و همه ساله حج بجا آورد ولی خدا و حجت حق را نشناسد هیچ حقی در پیشگاه خدا ندارد»
- الف: امام محمد باقر علیه السلام      ب: امام علی علیه السلام      ج: امام صادق علیه السلام
۲۲. از ویژگی‌های مهم قانون اساسی که از صبغه‌ی دینی آن حکایت دارد کدام مورد است؟  
 الف: اسلامی بودن آن  
 ب: پذیرش جمهوریت و تکیه بر آرای مردم  
 ج: مرفقی بودن قوانین آن
۲۳. مهم‌ترین عاملی که زمینه‌ی از بین بردن وابستگی فرهنگی را فراهم می‌کند؟  
 الف: تغییر متون علمی دانشگاه‌ها      ب: خودباوری فرهنگی      ج: آموزش تخصصی اساتید



## ۲۳۰ ■ انقلاب عاشورایی

۲۴. سرچشمه‌ی صلاح و فساد یک جامعه از دیدگاه حضرت امام علیه السلام کدام یک از عوامل زیر است؟

الف: زنان جامعه      ب: اساتید و معلمان      ج: مبلغان دینی

۲۵. از دستاوردهای نظامی انقلاب اسلامی ایران کدام گزینه است؟

الف: مردمی شدن و خدمت‌گزاری ارتش

ب: خلاقیت و نوآوری نیروهای مسلح

ج: هر دو گزینه صحیح است

۲۶. اقتصاد جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی بر چه ضوابطی استوار است؟

الف: تأمین نیازهای اساسی همه افراد

ب: رعایت آزادی انتخاب شغل

ج: هر دو گزینه صحیح است

۲۷. کدامیک از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در هدایت دینی و حفظ سلامت

بسیج نقش مهمی بر عهده دارد؟

الف: گسترش فرهنگ قرآنی

ب: تقویت فرهنگ نماز و احیای مساجد

ج: احیای امر به معروف و نهی از منکر

۲۸. از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی صدور انقلاب یعنی...

الف: صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام

ب: صدور صفا و تکیه بر ارزشهای انسانی

ج: هر دو گزینه صحیح است

۲۹. این سخن از کیست؟ «ندای امام خمینی علیه السلام از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از

ژرفای روح مردم برمی‌خواست.»

الف: شهید بهشتی      ب: شهید مطهری      ج: شهید طالقانی

۳۰. این سخن از کیست؟ «امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس

واجب است.»

الف: امام حسین علیه السلام      ب: حضرت علی علیه السلام      ج: امام خمینی علیه السلام

### پاسخنامه

الف	ب	ج
		۱۶
		۱۷
		۱۸
		۱۹
		۲۰
		۲۱
		۲۲
		۲۳
		۲۴
		۲۵
		۲۶
		۲۷
		۲۸
		۲۹
		۳۰

الف	ب	ج
		۱
		۲
		۳
		۴
		۵
		۶
		۷
		۸
		۹
		۱۰
		۱۱
		۱۲
		۱۳
		۱۴
		۱۵

نام و نام خانوادگی: .....

میزان تحصیلات: .....

نشانی و شماره تلفن: .....